



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

۵۵

۱

۱۵۰

۵۷

ارض قدیم

درازه قبل التیاریخ هزاران هزار سال پیش چون طبقات
ارض گل سفید داشت افغانستان همه زیر بحر پوشیده بود
باختتام دوره گل سفید حرکات شدیدی چنانچه قشر افغانستان
بالای سطح بحر افکند. من بعد در زمین افغانستان خصوصاً در
شمالی آن تغییر و تبدل زیاد بظهور آمده است.

در وسط آن با وجود اندر اس دریاها ارتفاع باقی مانده باعث
تشکیل دره ها شده است که باین کابل و هرات بصورت
تنگناها واقع است. در تمام ملک طبقات پست متعلق زمان
زغال است و سنگ آهک آن بجزی و نهی دارد.

۲
طبقات بلند اجزایست که تعلق دور سنگدان را طاق می کند
تا مایه ضخیم سنگ آهک بر اطراف کوه های برهنه جو
بزمانه گل سفید است و بالا سه این باز بقایای آب
موجود است از وقتیکه صدف زنده بوده به تیره بشکها
افزوده است و سحیکه از دریای آمون و غیره بیرون فر
مے آید ملک را در بعض مواضع نشیب و فراز

مے سازد

و هو الذی خلق السموات والارض فی ستمه ایام و کان عرشه علی الماء لیکون
ایکما اصغر عملا - خدا تعالی آسمانها و زمین را در شش روز پدید آید و تحت و بر آب
تا شش ماه را بیاورد و کدای همان از سوسه عمل خوبترین است -

۳

تقییم طبعی افغانستان

مجرئی دریاے کابل مع معا و نهایش یعنی لوگرو دریا پیشتر و دریا کنر
وادیها بے علاقه غلزانى از غزنی تا قندهار شتمل بر ارغندا

وترنگ و ارغسان

وادیها معا و نهادریا سندھ یعنی کرم و خوست و داور

و گول و ژوب و بوری

وادی کلان دریا لمند

مجرئی بنداب ناموین سینا

وادی هری رود

وادی مرغاب

۴

(۸)

و ادیک معا و نیا دریا آمویسی مینه و پنج و قندزو کوکچ

تقسیم یونانیها

افغانستان را بنام قسیمیاد در هفت عدد و تقسیم کرده

بودند:-

(۱) آریانه - علاق وسیع بود و یکا تخت آن مقام هرات

و کابل گاهه درین داخل و گاهه ارین علیحده میشد +

(۲) ستاکد یانه - حصه بالاسه بلند مشتمل بر مقام غزنی

(۳) دودکیا جانب ترکستان اقبال دارد که قوم تاجیک

درینجا سکونت داشت +

(۴) گنداریا - جنوب مجری کابل اغلب است که قندما

۵

درین داخل بود -

(۵) اپارتیا - دریند که بطلموس درینجا قیام نموده بود -

شاید آفریدی ازینجا شتق باشد

(۶) - پکتیا - اطراف پشاور - اشتقاق پکتون شاید

ازینجا شده باشد +

(۵) سنگیان - سیستان +

نامهای قدیم

افغانستان در عهد راجه کاهنود بالهیک دیس موسوم بود

ایرانیان متسلط شده این را ازابلستان نام نهادند -

قل سیح فی الارض فی نظر و کیف کان عاقبة الحزمین + و معطله
وقصر مشید - گوید درین گردن پس نگردد انجام ایران پادشاه شد - پنا
بیکار و کسب محکم -

٦

شامیان غالب آمده با خرمیگفتند - در سلطنت
 اسلامیة علاقه از کابل و قندمار و هرات تا طوس
 خراسان مشهور بود و حصه مشرقی روده - از وقت
 احمد شاه افغانستان معروف گردیده و از زمان
 بلوچستان هم باین شامل بود و حالا بعضی آن
 ترکمنان ملحق گشته است ++

(حدود اربعه)

شمال - ترکستان روسی یعنی بخارا و خیواد و دریا
 آموتار و د مرغاب +

xx وَعَدَ اللَّهُ الْمُتَّقِينَ أَنَّهُمْ يُحِبُّونَ الصَّالِحِينَ وَتُحِبُّهُمْ فِي الْأَرْضِ (خدا
 تعالی با ایمانداران و نیکوکاران عهد فرمود که آنها را در زمین حکومت خواهد بخشید)

۷

مشرق - هندوستان که مابین آن و افغانستان
یعنی در میان دریای سند و کوه سلیمان قبائل افغانه
بود و باش دارند x

جنوب - بلوچستان که جانب شرق آن علاقه
بلوچ و افغان خود مختار است و افغانستان را از بحیره
عرب منفصل میسازد .

مغرب - ایران که از سیستان تا مری رود تقریباً مستقیم واقع است
رقبه

طول افغانستان از شرق تا مغرب زیاد از شصت میل و عرض
از شمال تا جنوب تقریباً پنجاه میل است - رقبه
بر سیصد هزار میل مربع بالغ میشود .

۸

سطح*

سرزمین افغانستان بیشتر سطح مرتفع است - اگر بجز
چهار هزار فست از سطح خود بلند شود بجز بعض جاها در وادی
کابل و دریای سند و یک حصه بنداب سیستان و قدس
برات و برخی قندمار هیچ حصه ملک زیر آب نمیشود و اگر
هفت هزار فست بالا کرد هنوز دو سیت میل از دره
کوشان تا رنگ در ترکستان و مابین غزنی و قندمار
بیرون آب خواهد ماند .

کوه ما

(۱) کوه هندوکش - از سرپایر بشمال مشرق تا مغرب

«والی الارض کیف تسطیحت» (سوی زمین بگردید که کوه به سطح گرد شده

افغانستان ممتد است - از قلعه های این کوه و نیز
از بعضی دره هایش برف گاهی آب نمیشود و در برخی
جایهایش برف کوچ هم واقع میشود - بلند می این است
انی بیت و یک هزار فط است - دره کوشان پانزده هزار
فط بلندی دارد *

(۲) کوه بابا - متصل کوه هندوکش جانب مغرب هشتاد
طول دارد - اوسط ارتفاعش شانزده هزار فط
و راس این بنام شاه فولادی ۱۶۸۷۰۱ فط بلند است
(۳) سفید کوه - از کوه بابا بر ابراهیم قله است و حصه مغربش
سر بلند نام دارد *

و القینا فیها و اسی ان تمید بکمر اندایتم در زیر سجا کوه تا بشرا خیمه نگر *

- (۴) سیاه کوه - از کوه بابا تا جنوب هرات ممتد است *
- (۵) تیر بند کرگستان - از کوه بابا بجانب شمال تا بابا لغر غاب
است داد دارد * (این سه کوه مذکور شعبات
کوه سیست که در زمره قدیمه پروپائیس نام داشت)
- (۶) کوه پامیر - در شمال مشرق واقع در بدخشان نیز میرود
اوسط بلندیش (۱۵۸۰۰) فوت است *
- (۷) کوه پیمقان - شعبه هندوکش است و از شمال کابل
بطرف غرب گذشته از غرن تا قندمار و کرشک میرسد *
- (۸) کوه حاجی گلف - کوه خوریست در میان کوه پیمقان
و کوه بابا و بسلسله هندوکش شامل *
- (۹) کاراکوه - بشمال کوه بابا کوه کوچکیست

(۱۰) کوه سلیمان - در غرب افغانستان مرز حد انگلیزی را در بر میگیرد
جانب شمالی و جنوبی و در جنوب و از دوشاخ ازین کوه

(۱۱) کوه سفید یا سپهر - در جانب مشرق واقع دره خیر متعلق اینست
تا لاقش بنام سیمارام تقریباً شانزده هزار فاصله ازین کوه دارد

(۱۲) کوه والا - کوه خور و سیت - بجنوب مشرق ارات متصل کوه

سفید غربی *

(۱۳) گل کوه - در جنوب مغرب غربی واقع است *

(۱۴) کندن و گوندن و گنتی و خوجه عمران و غیره اینوه

کوههاست بشرق قندمار *

(ماسوای اینها بسی جبال خرد در حصص مختلفه افغانستان واقع است)

* و در الجبال مجدده و غیره و در مختلفه اوانها و عریض بود * (از کوهها بعضی

نهایت سفید است و صخر و برنگهای مختلف و بسیار سیاه

۱۲

راه پاو منازل

(۱)

از کابل الی غزنی

شمار	نام منزل	ارتفاع از سطح دریا	مسافت از منزل قبل	کیفیت راه
۱	کابل	۶۵۰۸	۰۰	
۲	ارغنده	۷۲۲۸	۱۲	نصف راه افشار و گشت زار است پس سنگزار سرپایانی رفته نزدیک منزل سرپایانی میاید +
۳	میدان	۷۷۴۷	۲۰	سرک اول در کوه رفته آخر در همواری میاید
۴	شیخ آباد	۷۲۳۷	۱۰	سرک اول در وادی لوگر رفته بدریای تند دو چار میشود شش میل آخر وادی تنگ میگردد و هر دو طرف تپه های بلند سر میکنند پس بکنار دریاچه رفته دو میل از جید خیل عبور میکنند
۵	بفت	۷۷۵۴	۱۰	سرک پنج خورده در میان وادی تنگ میرود کرمات قلعه با بازراعت دارد لکن علات اکثر خشک است
۶	شنگار	۸۵۰۰	۱۰	در اطراف سرک سنگزار بسیار است

۱۳

اول سه میل تا دمان شیر با لایم و دیشتر این دره خطرناک و در زمستان پر برف چسبند - ده میل آخر سطح مرتفع هموار است و نزدیک عقرنی اندک سرپایانی است x	۱۴	۷۷۲۲	۷ عقرنی
	۷۶		

هو الذی جعل لکم الارض ذلولا فامشوا فیها کما کتبنا لکم سبلان خدا ایست
که زمین را بر اسه شما تابع و خادم ساخت پس در راه ما و دره ما پیش
بروید x

از عقرنی الی قندار (۲)

راه در جهه کوئی بدامن گل کوه و خوب است لاکن علاقه خشک است و برگزار	۱۸	۷۵۰۲	۱ جفت
سرک بدامن گل کوه اول سرپایانی دارد زراعت بذریعہ گاریز میشود - سیب		۷۳۰۴	۲ قره باغ
ناک - زرد آلو - بادام - و انار - بکشت است - بمقام مقرر چشمه ماسه است که دریا به تنگ راستگیل میکنند	۴۴	۷۴۲۰	۳ جراد
		۷۳۲۵	۴ زوبه
		۷۰۹۰	۵ مفر
قطعه مرتفعه و سرسبز و کشت زار است باطراف سرک پشته ماسه است	۱۴	۷۰۶۸	۶ آغوجان

۱۴

۷	چشمه تنک	۶۸۱۰	۱۴	امون قلعه بیابان است اما نزدیک ترنگ
۸	چشمه شاد	۶۶۶۸		نهرها و برآنها دما ت آباد است - آب تازی
۹	مومن قلعه	۰۰۰۰		سرک بکنار دریای ترنگ رفته
۱۰	تازی	۶۳۲۱	۴۸	پس تا قلات غلرای کساره میگردد
۱۱	سراپ	۵۹۷۳		و در علاق خشک میرود اما در بعض
۱۲	قلات غلرای	۵۷۷۳		جایا انار جاریست *
۱۳	جلدک	۵۳۹۶	۱۴	اکثر حصه را بزرگ است - در میان
				راه خدایین قبائل درانی و غلرای
				بواسطه پل متعین شده است
				آخر ریزار است *
۱۴	تیر انداز	۴۸۲۹	۱۷	زمین اکثر خشک است الا در بعض
۱۵	شرفا	۴۶۱۸	۱۴	موضع از دریای ترنگ سیراب میشود *
۱۶	خیل خند	۴۴۱۸		
۱۷	مومن طوطو	۳۹۴۵	۱۵	سرک از دریا برآمده بمیدان وسیع
				داخل میشود که اقده مار ممتد است *

۱۵

۱۸	قندار	۳۵۰۰	۱۲
			۲۲۵

از قندار الی کوسه

۱	مندها		۱۲	راه هموار و از دریای ترنگ سیراب و آباد است
۲	ماکو		۱۶	در میان راه دریای ارغستان عبور میشود
۳	میل منده		۱۸	سرک در میان دره بارخانه می رود که (۱۶۱۰۰) فست بلند است - پس در دای دوری می آید که به کشت است - از تخمین بزرگ قائم شود مثل روان است
۴	کالی		۱۴	تیمای خشک و پست است الا در بعضی جایها جو بهیاست
۵	دنگ	۴۰۰۰	۶	میدان خشک است چنانکه آب است شیرین است
۶	چاه	۵۶۰۰	۱۹	چاه سراللی دارد - بعد از چاه آب و هوا خوشگوار و مینوهای بسیار است
۷	کوره کورک	۷۴۱۰	۱۸۱۰	سرک ریز کوه خواجه عمران می رود - بشرط روانی دریای لوراد گر راه هم است

۱۶

۸	ارسی	...	۲۰	دو میل اول راه تقریباً عمود و راست نزدیک ده سوری علاقه هموار میشود
۹	سیکلرانی	...	۱۵	سرک بکنار دیاسه نورامیرود تا منزل کرد وادی پشین ده سرسبز و آباد است
۱۰	چکلک	...	۱۸	راه صاف است و هموار
۱۱	کوش	...	۱۳	
			۱۵۱	

رابطها

ما بین کابل و قندهار

- (۱) قلعه قاضی (۲) کوٹ عشرو (۳) قلعه شیر محمد خان (۴) شنج آب
(۵) مکیه (۶) شش گاو (۷) غزن (۸) تانی (۹) نوشکی (۱۰) کوه آتین
(۱۱) ادبه (۱۲) چشمه مقر (۱۳) آغوجان (۱۴) مقر (۱۵) شیار
(۱۶) قلات (۱۷) تازی (۱۸) سراپ (۱۹) جلک (۲۰)
نیراندار (۲۱) شرفا (۲۲) خیل آخند (۲۳) قلعه اعظم

۱۷

از قند مار الی دو بر

(براه محال غزنی)

سه مترل است (۱) منحصار (۲) تحت پل (۳) نرنگ

از قند مار الی گر شک

چهار مترل در میان افتاده است (۱) کوکران (۲)

چون مدد (۳) خاک چوپان ۴ کشک خود

ساده تقریباً به قناد میل است - شانزده میل اوّل

راه از میان جویا میگذرد - باقی راه سنگرا و کم آب

است تا ده یاسه بلند که نزدیک گر شک هنگام

آب شدن بر فها یک میل عرض میگذرد -

(از گر شک الی مرغزار)

چهار منزل در میان است (۱) سیادت (۲) منزل نیک
(۳) بیابانک (۴) سیابک لنگ.

(از مرغزار الی جیح)

ده منزل است (۱) منزل لبار (۲) دلارام (۳) میاد^{وی}ا
(۴) سلطان کبوا (۵) سیاب (۶) خرابا لک
(۷) شهر فراه (۸) ساج (۹) خشک آب (۱۰) دهنه خسف
از فراه سرک جانب شمال میرود و براه وادیا و پشته
بسیار واقع است - در میدانها مردم مالدار آبادند -
از گرشک الی فراه تقریباً (۱۷۰) میل مسافت است -
ما بین فراه و سبزوار (۷۱) میل - ما بین سبزوار
و هرات (۹۳) میل -

راه آسان است فقط در سلسله کوه که در میان
حائل است دشوار گردد و میگردد.

قریب بهرات میدان ما و وادیای فراخ
و حاصل خیز واقع است. از اینجا راه نامی بسیار
سوی هندوستان میرود لهذا بهرات را باب الهند
میگویند.

(از حبیبه الی بهرات)

بهفت منزل است (۱) در واجی (۲) تحت اسپر
(۳) خواجه عربیان (۴) ادریس کن (۵) مزال (۶) شاه
۷ میرداود.

(از بهرات الی قلعه)

۲۰

بهشت منزل است ۱ تخت کرخ ۲ اربلاک ۳ منزل

وسطان (۴) خواجه دو برابر (۵) منزل مغد ۶ سرپل

۷ تحت قلعه مرغاب ۸ بوکن ۹

از بهرات الی کافر قلعه

(بطرف راه مشهد)

چهار منزل است (۱) ده سنخ (۲) برج (۳) نیش

(۴) سترپل پس از ان علاقه رؤس شروع میشود

از کابل الی بهرات

(براه هزاره)

بیست و نه منزل است (۱) سرچشمه (۲) جو قول (۳)

را قول (۴) باد آسیا (۵) فراغ علوم (۶) کوتل خرقول

(۷۱) مارخانہ (۸۱) زردشتک (۹۱) پنجاب (۱۰۱) اسفرت
(۱۱۱) کرمان (۱۲۱) اسقابه لعل (۱۳۱) قرظ گرآب (۱۴۱) دولت
(۱۵۱) بادگاہ (۱۶۱) کاسی (۱۷۱) آہنگران (۱۸۱) متر بولاق -
(۱۹۱) گندیم (۲۰۱) منزل سرک (۲۱۱) تنگی زرد (۲۲۱) زروجه
(۲۳۱) خواجہ چشت (۲۴۱) منزل (۲۵۱) کلات (۲۶۱) ولایت
(۲۷۱) مارآباد (۲۸۱) توران (۲۹۱) پہلوان پوری +

رباطہا سے جنوب مشرق

(از کابل الی گردیز)

(۱) چار آب (۲) محمد آغا (۳) حصارک (۴) التورہ -

از گردیز الی ارگون

(۱) لک دیوار (۲) سرخ دیوار +

(از گردیز الی خوست)

(۱) منزل و زو (۲) المرو جدران

(از گردیز الی خوست براو میرود)

(۱) میرز که (۲) میدان کل (۳) سید کی چکنی +

(از کابل الی چاریکار)

سرک جانب شمال در کوهدامن میرود - بسیار سبز

و شاداب است - استائف بقاصده (۱۸) میل

واقع است - سرک از کاروانها پر میباشد که برستان

میروند؛ از استائف تا چاریکار ۲۰ میل مسافت

است +

(از چاریکار الی بامیان)

۲۳

(دوره راه است)

(۱) برج گلجان (۲) سیاه گرد (۳) فرخیل (۴) قلعه
(۵) قلعه قاضی بیضا (۶) شمل شبر
(۲)

(۱) جو قول (۲) گردن دیوار (۳) سیاه سنگ بسود

(۴) منزل کالو (۵) توپچی بامیان *

اند بامیان الی مزار شریف

(۱) آق رباط (۲) سوخته چار (۳) ده ایمان (۴) روتی
سنگ

(۵) منزل مدد (۶) ذوالشاه پسندی (۷) منزل روتی

(۸) سعد باغ (۹) منزل خرم (۱۰) ایبک (۱۱) حضرت سلطان -

(۱۲) منزل حیا (۱۳) تاشقرغان (۱۴) نواباد (۱۵) گور مار *

۲۲

از مزار شریف الی میمنہ

- (۱) سیاه گرد (۲) بلنج (۳) ہرچاہ بولاق (۴) نصرت آباد
(۵) آقچہ (۶) چخی (۷) شبرغان (۸) حضرت امام (۹) شری
(۱۰) بلند غور (۱۱) قورچی (۱۲) بل چراغ (۱۳) کمنہ قلعہ •

از میمنہ الی مہرات

- (۱) بازار جاے المار (۲) جمکتو (۳) منزل تابنج +
از مزار شریف جانب دریاے امو سیاه گل
و تپہ کیسرو واقع است بعد ازین مزار اعلیٰ
بخارا شروع میشود •

از کابل الی کوتل غاواک

- (۱) ده کپک (۲) دکو (۳) قره باغ (۴) چار پیکار
(۵) گل بهار (۶) زمان کوٹ (۷) رخه (۸) لولنج
(۹) دواب (۱۰) لوخ (۱۱) سفید شیر (۱۲) کبرشتخانه

از قطغن الی بدخشان

- (۱) دشت شیر (۲) نوبهار (۳) آب چشمه (۴) تل امیر قلعه
(۵) لرم برکه و تیمور (۶) شوراب (۷) خانه آباد (۸) قسندز
(۹) آبدرد سرکنگ (۱۰) خیر آباد (۱۱) آبدرد شاقلی (۱۲) نیضار
(۱۳) بغلان (۱۴) غوری (۱۵) رباطک (۱۶) چال (۱۷) شور تو
(۱۸) تاتقان (۱۹) دشت و یاه (۲۰) کلفطان (۲۱) هزار باغ (۲۲) ضنی

(۲۳) حضرت امام *

از بدخشان سوے روس

(۱) بستاق (۲) چاباب (۳) عبد النظرنگی (۴) آب سیاه (۵) ^{عن}هر
(۶) ششبد (۷) ایم (۸) ارگو (۹) السیق جلوه (۱۰) فیض آباد (۱۱) شکشم
(۱۲) چاکلان (۱۳) زینباک (۱۴) تشگان (۱۵) واکان (۱۶) شکان
(۱۷) درواز (۱۸) سفید دره (۱۹) بازگ (۲۰) بدخنین

سرحد روس است

بامیان بلندقامت (۵۰۰۰) فٹ واقع است - از اینجا راه مدده
اخی می رود که بلند ی آن (۴۰۰۰) فٹ است + پس از دره دندان
و قره کوتل که (۱۰۰۰) فٹ بلندی دارد گذشته طرف شمال بخلم میرسد
و بدست چپ سو بلنج می رود - تحت تل جانب مغرب بلنج و شبرغان
بمغرب نخته پل واقع است - میمنه بمغوب مغرب شبرغان

و مرغاب بجنوب در هرات میرسد +

راهیکه از چاریکار بغیض آباد میرود اول از پروان یعنی جبل المراج
در میان دره سالک میگذرد. پس از اشکوش گذشته بخواجه کلج
بعد از ششم بشمال مشرق میرود. راه از پنج شروع شده در میان
ظلم گذشته بقندز میرسد. بعد از آن بطرف راست تالقان
واقع است. پس کلفغان می آید و رستاق بجانب شمال
است. بعد از آن سیاب و جان قلعه وقوع دارد.

از کابل الی جلال آباد

(۱) بخاک (۲) خاک جبار (۳) باریک آب (۴) جگه لک (۵) سرخ پل
(۶) نمک (۷) بیاولی. (براه لسته بت هیچ طاعمر منزل است
بعوض خاک جبار که حالا راه عام است)

از کابل الی جلال آباد

(براد تنگی غارو)

(۱) پل چخی (۲) گوما منده (۳) سروبی (۴) کج عزیز خان
(۵) کج محمد علی خان - این راه قریب تر و خوش منظر است
دریای پر شور همراه آبشار سماهی پر نظاره عجیب دارد

از جلال آباد الی اسمار

(۱) شینوه (۲) نورگل (۳) شلوتی (۴) نوآباد (۵) شیگل

از جلال آباد الی دکه

(۱) گردی کج (۲) باساول

از کابل الی جلال آباد

(۱) خور دکابل - این دره (۷۵۰۰) فٹ بلندی دارد

ده میل اول راه بجانب مشرق میرود و از وادی
دریا س کابل میگذرد - ده میل دیگر رخ بجنوب
در میان تپه های خشک و بلند همراه آب تند میرود
(۲) تیزین - بلند می این دره (۸۲۰۰) فٹ است - بعد
از کوه بچه های تیزین راه بنشین مے درآید - پس
از فرود آمدن (۸۰۰۰) میل در وادی تیزین مباحثه
که از کابل سی میل فاصله دارد .
(۳) جگدک - این دره بسبب هلاکت های انگلیز
برای شان بسیار هولناک است .
(۴) گندک - بلندیش (۴۶۰۰) فٹ است - صحرای
در میان علاقه غیر مزروع میرود - تپه های کوههای

بلند واقع است و بعضی جایها جو بیار و انست،
راه دشوار گذار است .

(۵) فتح آباد - بعد از هشت میل راه مشکل است - از وادی
نمله سبز نمودار میگردد و در جوار فتح آباد از اضی فرورود واقع است
(۶) جلال آباد - اول ۸ میل سرپایانی ناست - چهار میل از جلال
آباد زمین هموار است و بغایت سرسبز و شاداب .

(از دکه الی پشاور - فاصله ۱۴۹ میل)

(۱) کندلی کوتل - سرک در میان بحری دریا کابل میرود تا لندی خا
که نصف میل از منزل است فراخی دره در میان دو و سه صد ف
میماند و کوهها بهر دو پهلو تقریباً عمود و ار است .

(۲) التباغ - کوههای بلند و پست بلب سرک واقع است - راه دشوار

گذراست قریب منزل دست در یک نیم میل میشود.
(۳۳) علی مسجد عرض در میان چهل و سیصد فٹ است. در راه آنجا
عمارت یونانی بود دست قریب منزل به بیست و یک مایل و کوها بسیار بلند.
(۳۴) جبرود دره خیر نزدیک علی مسجد یا خلم میرسد و از اینجا
تا جبرود بلند می (۶۰۰) فٹ است +
را یکی دیگر از دره که الی جبرود در میان تاز و بشان دره خیر میرود
و هر دو طرف آن تان میل جبرود کوها واقع است یک راه
دیگر نیز بیرون دره خیر میرود +
از کومات سوے کابل

(۱) تهل (۶۶) میل بجنوب مغرب کومات واقع است
(۲) قلعه کرم (۵۰) میل از تهل واقع است - ارض حاصل آنجا

(۳) حیدرخیل - از پنج تا غزنی فاصله بیست و دو میل است *

(۴) خوشی - از گرم ۸۰ میل فاصله دارد و از پنج تا کابل

سرک راست است *

راهی از دیره اسمعیل خان به سوی غزنی میرود - اول ^{سیاه} مانگ

شش فرساده میل بعد از آن دره گومل شروع میشود و راه بکنار
دریا س گومل میرود *

راهی دیگر سخی به راست اما خوراک و آذوقه در عرض آن بهم نمیرسد *

از دره بولان هم راهی از افغانستان بمنده میرود *

از قندمار و فراه و کوئته و غیره بهمای مختلفه بسیستان میرود *

از چاریکار و جلال آباد و اسمار و غیره بهمای

بسیار بهوستان میرود *

۳۳

دریائے

(۱)

دریائے کابل

این دریا مهمترین دریائے افغانستان است بحر
شمالی این تا کوه هندوکش است و جانب مشرق از دریای
مذکور ذیل صورت مکمل اختیار میکند که سه دریای اول آنها
تقریباً سیل از کابل و اصل بآمین میگردند

(۱) - دریای کابل از دره او فی برآمد که بفاصله چهل و

نیم میل از کابل است در میان شهر گذشته نیم میل دورتر از آن
با دریای لوگر ملحق میشود که بشمال سطح مرتفع غلزان میروا

۳۴

این هر دو دریا و ادیرهای نزدیک را شاداب میکنند.

(۲) جوی باران آبهای هندو کش را از او پی غوریند

و جبل السراج و پنج شیر کز انیده کوهد من را سیراب گردانیده

مولد نباتات و باغهای میوه جات میگردد.

(۳) دریای تگاب از هندو کش برآمده با طرف

نورستان جاری گشته باعث شادابی آن علاقه میشود.

(۴) دریای الیشنگ - از طرف چپ شامل دریای

کابل می شود و غرب نورستان را سیراب مینماید.

(۵) دریای الکنار بطرف جنوب و بابت سرسبز بکن داشته و دریا

جبل الارمن قنار را و جبل خلکها و افشار را و جبل بین البعین حاکم جزا.

خدا تعالی زمین را قرارگاه ساخته در میان آن نهرها جاری کرد و دریاها

و دریاها فاصل ساخت.

گذشته بدیای الیثنگ متحد می شود .

(۶) دریای کنر- این طویل ترین معادنهای دریای

کابل است- تقریباً شش میل از جلال آباد بموضع کامه بدیا

کابل الحاق میکند لهذا دریای کامه هم نامیده میشود- بطرف

شمال این را دریای کاشغر و بیلام می نامند زیرا از بناب پایه

برآمده از هر دو مقام گذشته ۲۰ میل طول دارد .

(۷) - بعد از روانی شصت میل از جای اتصال کنر

دریای کابل داخل میدان پشاور شده آبهای سوات

و پنجگوره را در خود میگیرد و در آنجا لندی سین موسوم میگردد-

آخر از نو شهر گذشته نزدیک انک به دریای انک

ملحق میشود و آنجا اباسین گفته میشود .

۳۶

(۲)

دریا سے ملند

در طول و نیز در عرض کلا تیرین دریائے افغانستان است
منابع این در کوہ بابا و کوہ لغمان مابین کابل و بامیان است
در علاقہ ہزارہ رواتہ ہشتاد میل مسافتے نمودہ بگرشک
باعث سیرابی اراضی میگردد۔ پس از خنداب باین پیوستہ
عرضش را تقریباً یک ہزار فٹ و عمقش را تقریباً دہ فٹ میگردد و پند
بطرف جنوب و بدست چپان ریگستان واقع است اما کثرت
از نباتات و باغات سرسبز و معمور است۔ از منبع آن مجری
بجنوب مغرب است و در سیستان رسیدہ و در شمال سے نہر
و درین حال تقریباً ہشتاد میل پیویدہ از دمانہ تا سے متعدد و

بنداب سیستان می افتد - کفی طولش تقریباً ۱۵ میل است
معا و نه با بلند

(۱) - از غنّاب مساوی کلانترین بلند از هزاره جاست
شمال مغرب غربی سرکشید و از علاقه مرفعه غلزا فی بقعه مارگذاشته
چهل و پنج میل از گرگشک داخل بلند می شود - آبش تنگ
اما تنگ است و در گرنا پایاب و گاه خشک میگردد - برف
جنوب آبیاری بسیار نموده وادی را مزروع و آباد میسازد
اکمّش قدری شور می دارد - طولش تقریباً دو بیست و
سی و پنج میل است -

(۲) - تنگ - محبوب مغرب قند مار بفاصله سی میل
بار غنّاب نزدیک میگردد و پیر این هر دو سطح مرفعه غلزا فی

را احاطه نموده متوازی یکدیگر روان اند - طول تو نمک تقریباً
دویست میل است - نسبت بار غنای آبش کمتر
اما سیرایش بیشتر است .

(۳) دریای لورا در عین جنوب افغانستان روانست
اگرچه تعلق ببحری هند دارد اما آبش بآن شامل نمیشود .
از قله های کند و جبه در کوه سلیمان برآمده جانب مشرق دروازه
پشین جاریست - در اینجا بسبب نشیب آبش بزمین افاده
نمیکند اما در شورا بک سیرابی مینماید - طولش دویست میل
بوده در ریگستان منتهی میشود .

۳۹

(۳)

خاش رود

از نشیب های جنوبی کوه سیاه می برآید و بطرف
جنوب روان شده آبیاری کنان در مرداب سیتان
میریزد. در موسم باران طغیانی بسیار داشته کاروانها را
از عبورش مانع می آید.

(۴)

فراه رود

از سیاه کوه برآمده بطرف جنوب روان میشود. باعث
سیرابی اراضی و در حالت طوفان موجب زحمات قافلها
میکردد. عرض این در فراه یکصد و نیم گز و عمقش یک گز میشود

۴۰

(۵۱)

دریاے ماروت

از جنوب مغرب ہرات برآمدہ بعد از روانی ۲۴۵ میل در بند
مستان میں افتد۔ جو یہاں شراضی سبزوار و اناردرہ
را آبیاری میکند۔ دھانہ اش در پانزدہ شاخ منشعب
چمن و سبزہ زار مایسازد و بنت اشجار سیدو گز و چنار میگرد

(۶)

دریاے کشک

این دریا معاون ماروت ست و قریب میدان بان محق
میشود۔

۴۱

(۷)

هری رود

از شمال رودخانه زیادے تشکیل میشود کہ دوے اینہادنے
نزدیک دریائے بلخ باین شامل میشوند۔ اول صد میل بغرب
روان بہت و پس از جاورتا او بہ بہرعت بسیار در شب مسفر
اینجا نہر مائے دیگر دیرین داخل میشوند اما پچنان جو یہا سے بسیار
ازین خارج میگردند۔ سپس ۶۵ میل رفتہ بجنوب ہرات طبری
میشود و سرک قندھار برین عبور میکند۔ بعدہ در میان جنگل در
راہ شمال میگیرد۔ حصہ جنوبی ہری رود کہ وسیع بہت بسیار آبی
میناید حتی در تابستان بسبب کثرت سیرابی و اراضی قریب با قنات
میرسد۔ حصہ شمالی خشک بہت و ریگ بسیار دارد۔ شمال

۴۲

بمقام سیاه بیک کشتی کلان دران رفته میتواند۔ بجنوب کاشان
نہر سے دیگر را دربر گرفته کہ آخر شان جوی مشہد بہت در شید
دامن کوہ انجام مے پزیرد۔

{ دریا نالیکہ بجنوب دریا کابل کو دریا سندھ جا تہ
کرم و گول و غیرہ می باشد }

(۸)

دریا سے کرم

از اطراف جنوبی سپین غر برآمدہ وادی کرم را شاداب میکند
بوستان و مرغزار و آبادانی علاقہ منہر بہین بہت۔ دو بہت میل
بے کردہ نزدیک علی غیل واصل دریا سے سندھ میشود۔

۴۳

(۹)

دریائے گومل

از کوہ سلیمان برخاسته اگرچه در طول مساوی دریائے کرم است
اما مع معاونهایش رقبه بویعتر را سیراب میکند - بعد از گذشتن
تپه ها معاون دیگر بنام ژوب بهمان قدر طول و عرض از کهنه جزو
برآمده باین لاقی میشود - از دیرجبات گذشته گاهی در بین راه
خشک میشود و گاهی در ریای سند بهر می پیوندد -

(دریائے ترکستان و بخشان)

(۱۰)

دریائے آمون

از درمیان کوہ سیان شان و هندوکش میبراید - از وادی صیغ

۴۴

گذشته بسیار معاونه را با خود میبرد دارد. بشمال مغرب رجوع
کرده سرحدات بخارا را تماس نمود و خوار اسیران
بجنوب بحیره اراک نزول میکنند.

در زمانه قدیم این دریا مابین ایران و توران حد فاصل بود
موضع منبع آمو بیشتر بام دنیا مشهور بود و حالا قلب عالم منجمد
در آغاز خود آمو بدو منقسم میشود یکی بطرف شمال که معاونه
سرخاب و کسو و خنگاب است و دیگری بحبوب که در علاقه پامیر و
سرحدات افغانستان و بخارا و چین را از هم جدا میکند.
مشهورترین دریای پامیر پنج است که دیگر معاونه نام دارد
یکی از شرق که ۱۲۰ میل طویل است و دیگر از شمال شرق
۸۰ میل درازی دارد. بمقام قلعه سرنجند و معاونه دیگر

۴۵

و شاخه از طرف شرق وصلش میشوند. نیز از شرق
دیگر معاونه آید که حصه شمالی شرق آقو و وسطی را مرغان
و جنوبی را بارتنگ مینامند.

بایست دریا و نجاب و یوب کوف را از خود بگیرد. بعد از
دریا یا خوش بدست راست و یوب بدستان دریا
کو که بدست چپ لاحقش میگردد. بعد از شمالیت دریا
مرخاب دریا و آمو بهمه این آبهاست متحده روانست

(۱۱)

دریا قندز

بطرف مشرق از انهار کوه بابا صورت میابد. در میان این
درود دیگر که لاحقش میشود آثار حقیقه ضحاک بر یک تپه وسیع و

۴۶

که علاماتِ کوه آتش فشان دارد - از بنجادر یاس قندز
بجانب شمال در هزاره جات می رود - پس دو معاون دیگر
در یاس سیغان و کامرد درین داخل می شوند -

(۱۲)

در یاس اندراب

بطرف راست نزدیک غوری وادی وسیع را تشکیل
میکند (اوزنگ زیب پیرین ساخته بود) در یاس بغلان زنارین
و خورست آمده باین شامل می شود -

(۱۳)

در یاس خان آباد

در یاس خان آباد مع معاونهایش فروزنگی در تالقان

۴۷

خوست روانست - یکدیگر معاوشش شوراب از شکمش میگذرد

(۱۴)

دریا کے فلم

دریا کے فلم بجانب غرب جارست و قبل از رسیدن بآمو
در آبپاری صرف میشود - بشمال بامیان بمقام دو آب نشأ
پنداین دریا دو منبع دارد - راه ترکستان تقریباً همه
بکنار این دریا میرود که نایک گردش ایستاده است اکثر خشک
و برهنه است در بعض جایها سبزه و اشجار بسیار دارد -

(۱۵)

دریا کے بلخ

بجانب غرب روان بنام دماس مشهور است - منبعش نزدیک

۴۸

برای افسانه‌ها باز و خلاقی است - وادیه‌ها فراخ و حاصل‌خیز
پیدا میکند هر ده نهر پنج قنات سیراب چهارصد ده ماسر نیز و شاد
میسازد -

(۴۹)

دریاچه شگلک

از بند ترکستان برخاسته و از سرپل میمنه گذشته شبرغان
سیراب میکند - آبش قابل خوردن نیست - آخر در صحرا جذب
میشود -

(۱۰)

دریاچه مرغاب

از شاخه‌های شمالی کوه بابا برآمده که میدان وسیع را شاداب

۴۹

میسازد که پیشتر حنجر جنتان بود و حالا در هزاره جاست است -
طرف پایان روانی آب خیل تند میشود - از پنجه و مرو
گذشته در ریگستان جذب میگردد -

بنداب تا

(۱)

آب ایستاده

بر سطح مرتفع غلزان بجنوب مغرب غزنه فی بار تعلق ...
فٹ واقع است محیطش زیاده از چهل میل و عمقش تقریباً دوازده
فٹ است - دریا غزنه آبش را امهیا میسازد پس بدین
آب شورش فواحی آن شوره زار و غیر مزروع است -

۵۰

(۲۱)

بنداب نور

بدامن گل کوه در غرب غزنی واقع است و رقبه بزرگ را احاطه
میکند.

(۳۱)

لوره مامون

بجنوب کوه پشت وقوع دارد و دریا به لوره درین می افتد.

(۴۱)

مامون زرره

بجنوب مغرب افغانستان واقع است و تقریباً

یکصد میل پهنائی دارد.

۵۱

(۵۱)

مامون سواران

بجانب غرب واقع است و بر خه آنهاے خاش رود
و فراه رود و ناموت درین مے آید۔

(۶۶)

بند اب سیستان

مامون زره و مامون سواران هم گلهے توسیع یافته باین
میشوند۔ باوجود توده مے گل و ریگ که از دریای مهند
بطرف شمال این فراه مے آید شیب این بند اب از میدانها
بجوار چهارصد فٹ و بندیش از مجری دریا نایک صد فٹ میباشد
در زمانه قدیم بر تمام سیستان حاوی بود حالا فقط بدانه دریا نایک

۵۲

جمع میشود - طولش تقریباً ۶ میل و عرضش تقریباً ۸ میل است

(دیگر آبهای ابتداء بر قبات کم نیز بود است)

تقسیم ملکی افغانستان

وطن ما بر پنج ولایت و چهار حکومتی اعلى منقسم است :-

ولایات

(۱) - ولایت کابل (۲) ولایت قندهار (۳) ولایت

هرات (۴) ولایت ترکستان (۵) ولایت قطن ^ن خوش

حکومتی های اعلى

(۱) حکومتی اعلى سمت مشرقی (۲) حکومتی اعلى

سمت جنوبی (۳) حکومتی اعلى فراه (۴) حکومتی اعلى

میمنه -

۵۳

ولایات در تحت اداره نایب الحکومه و حکومتی های علی در
زیر اداره حاکم های میباشند و نایب الحکومه کابل و
گفته می شود.

ولایات و حکومتی های علی بر حکومتی های کلان حکومتی
نیز مشتمل است. حکومتی های کلان حکومتی های را و حکومتی های
علاقه دار بهار اداره میکنند. پس هر علاقه قریه را شامل
اداره علاقه دار و اداره قریه را یک یا دو نفر
دار نمایند. حکومتی های به درجه انقسام یافته است اول دوم
و سوم و علاقه دار ها و درجه داران اول و دوم.

ولایت کابل

ولایت کابل اکثر اگوها دارد اما اراضی مرز و عمده بسیار است

۵۴

گندم و جو زیاد کاشته میشود۔ فراوانی غله در سن فنی و گو
و بامیان میباشد۔ روغن زرد بیشتر و هزاره جات و جواران
میشود۔ مردم دثات زیاد تر در بزراعت و مالدار می مشغول اند
سبزها و ترکاریها در کابل و چارلیکار می شود و رونق باغات
در کوهدامن و غیره روز افزون است۔ گو سفند ما بر اے پشم
و گوشت و شتر و قاطر و یا بوجبهت بار برداری تجارت
مابین ترکستان و هندوستان و خراسان و گاو در نو اخی کا
یافت میشود۔

(۱)

شهر کابل

شهر هیر کابل بهر دولب دریا بار تقاع ۶۳۹۶ فٹ بالا

۵۵

سطح بحر کائن است - عرض البلد شمالی ۳۴ درج ۳۰ دقیقه
و طول البلد شرقی ۶۹ درج ۶ دقیقه میباشد -
احاطه شهر تقریباً پنج میل است و در او درشکوهای و
زمانه قدیم قصیل داشت با هفت دروازه - آثار این دیوار
باقیت شهر کابل تقریباً مثلث و ارتفاع ده است
و بر او ریخه‌های مشرقی بالاحصار یکصد و پنجاه فٹ بندی
دارد - بازارهای مسقف آن بسیار است اگر چه چارچوب از دست
انگیزیان خراب گشته اما علی الرغم شایندگی بازارها گرم با
خرید و فروخت و صنعت و حرفت و هجوم مردم خود مختار و آزاد
بسیار شده مساجد و حمامها و سرائیهای تجارتی بکثرت
چند اول که پیشتر در غرب یکت قصبه علیحده بود حالا بشهر
مستقر شده

لا یغریک تقلب الذین کفر و فی الیوم - متاع دنیا در گردن کافران در شهر آفریننده بایمانی است

نقریباد و هزار خانه دارد که سکنه آن بیشتر فرزندانند کل
شهر تقریباً پانزده هزار خانه دارد و تعداد نفوس آن یکصد و بیست و یک
بالعیشود. جویمای دریا س کابل باغات و چمنزارها
سیراب میکنند که در نواحی شهر با فراط اند. در باغ بالا که قصر عا
دار و منظر است خوش فضا یک از چمن ها و باغ های برکی
رقش رو بالا میشود. علاقه چاردهی مناظر دلکش را دارا است
و علاوه بر باغات رعیتی مهتاب باغ و قصر چهل ستون و گلستان
و غیره نصارت حوضه چاردهی را مضاعف میکنند بسیار
خوبی آب و هوا و کشت و گی فضا در اینجا اعلی حضرت غازی شهر
جدید دارالامان عمران میفرمایند. طرف بینی حصار نیز عمارت
و باغات بسیار است. از شهر آرا گذشته که برج شاندار و قصر

باوقار و در شستمان بردارالافغان ^{و فرای} شکار از پهلوشین پنهان می رود و آنجا نیز باغها
و عمارت آتشنگ موجود است از توجه شانمانه خانه های جدید تعمیر و باغ
عمومی آن در افغانستان بنظر کشیده پنهان مسقط الراس و ات شهریار
غازیست ارگ مبارک که نشین ذات شهریار است در شهر
کابل واقع است و قصر دکشا که بر اے در بار اے
عمومی است عمل میشود عمارت قیمت دار است مقبره امیر عبدالرحمن
خان مرحوم نزدیک ارگ مبارک و مقبره تیمور شاه مغفور
بلب دریا ایستاده است متصل این از شفقت شانمانه ^{لی} بر
شهر باغ عمومی تیار میشود مقبره بابر شاه یک میل لغبر
شهر قصر و باغ شانمانه دارد که آنرا نیز عاطفت همایونی بر آ
تاشکے رعایا مبدول داشته است در شهر و مضافات

آن دیگر فزارات بسیارست مثلاً عاشقان و عارفان شهیدان
صالحین قائم و سوچا بیکه بهم آمیزست - در اوقات معنیه
سیرگاه بهل مردم میشود -

آب و هوا که کابل اگر چه نفس شهر خوب نباشد خوشگوار
و صحت بخش است - در موسم برف که تقریباً سه ماه میباشد
استیافندی سیری طاری میشود - از قدرت کرمایه الهی
همچو الارض بعد موزنها بهار کابل باز لطف شباب را نشان
میدهد -

در عهد امیر معاویه کابل تجار تگای عظیم الشان بوده فقط نیکو
بهشت لک دینار در اینجا فروخت میشد - یعقوب لیث کابل
ناخت و تاراج کرده حکومت خود قائم نمود - تا زمان سلطان

۵۹

محمود این شهر گاه در قبضه هندوان میرفت و گاه به سلطان
برین متصرف میشدند - بابر در ترک خود فیوید که اشیای
خراسان و روم و بابل و چین بگی در کابل یافت میشد
چنانچه بابر این را اول پائے تخت خود ساخت ^{به سلطنت} آخر در

افغانان سدوزائی تیمور شاه دارالسلطنتش ساخته تا حال
بهمان اغاز در افغانستان سرفراز است - ^{شاه} اعلیٰ حضرت یاد
غازی ماکابل را بے عزیت باخشیده - ^{شاه} و زار بهانها
و مکاتب عاید و ذکور و اناث ملکی و عسکری تاسیس کردند

خوشا عشرت سرا کابل و ^{شاه} کجانش که ناخج دل گل منیر و مرگان ^{شاه}
خوشا و قینک چشم از سوادش برچین ^{شاه} شوم چون طاشقان و کارفان جان ^{شاه}
خضر چون شد بکر قیبت از اسبش اگر خوشتر نیاید از بهشت انیس ^{شاه}

٦٠

ز و صفی که او رنگ بر روغن امان	نگه را چهره خون میازم رسیه ز غوان
نارنج واجب میشود بر پاکدامان	سفیدی میکند چون دلش بزمین
حصار را پیش از دماغ گنج ران	که می از روی گنج شایگان هر خشت
تعلی الله از باغ بند و قصه شمع آرا	که طوبی خشک جا مانده بر این شک
اگر در فست برج فلک سایش نی	چرا خورشید را از طرف فدا ده
تکلف بر طرف انقسم ملکه را باین	امیر چون امان الله غازی بدو

بجان سر شدم یکبارگی از دل گرفتار
 دهم خون عزیز خویش تا سازم چو گلزار

تفسیر این شعر بخاری

استالف

قصبه ایست در کوهدامن بقا صله بیت میل شمال مغرب
کابل که مقام خوشنما و شاداد است خانه دایره زینیه و
ساخته شده است آخرش زیارت ایشانست و تخت محمد
ایقچان نظاره عجیب را داراست وادی پایانه جوی
صاف و تند سیراب میکند که بهر دولتش باغات
انگور و سیب و غیره موجود است اراضی مزرعه
در نواحی بسیار است و در میان آن بعضی جای پنا قلعه
و برجهای استاده است که در بهار امانی شهر در آنها اقامت
می پذیرند

۶۲

چارکار

این قصبه بقاصه بمیت میل شمال استالف واقع است -
یک جوی از غور بند گذشته چارکار را سیراب میکند -
تعداد نفوس تقریباً ده هزار است - راه بلخ قدیم از اینجا میگذشت
سکندر نزدیک - هوپیان که قریب اینست شهر آباد
کرده بود -

جبل السراج که پیشتر پروان نام داشت بسبب ارک
شاه از وقت گاه برقی مشهور است که بزور آن ماشینها
اسلحه سازی و پشم بافی و روشنی برقی و غیره در کابل
روانست دیگر قصبه ها و قریه های کلان مانند مگور و قو
در ولایت کابل بسیار است ه

۶۲

(۴۰)

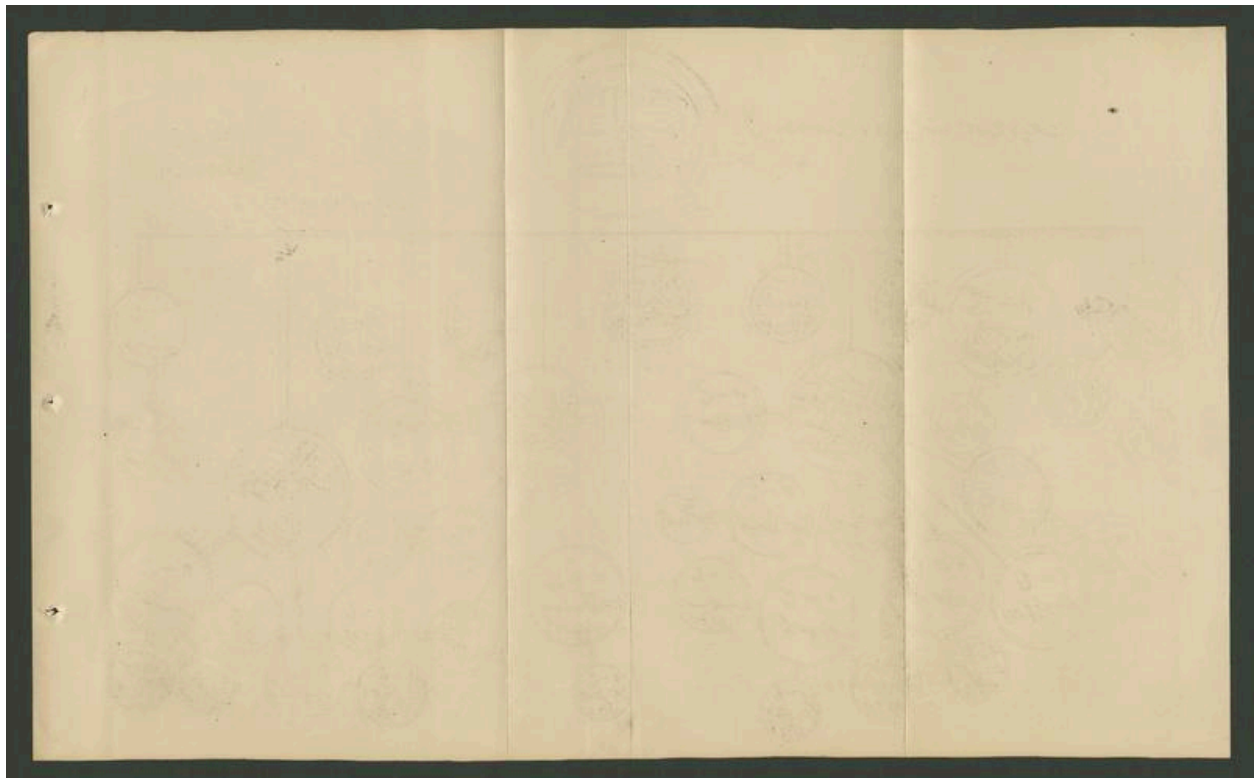
غزنی

غزنی بر سطح مرتفع وسطی افغانستان بر سر کے مابین کابل و قندھار واقع است از کابل بحیث جنوب مغرب مسافت ۸۵ میل دارد و از قندھار شمال مشرق ۲۳۳ میل - ارتفاعش از سطح بحر ۲۶۷۷ فٹ و طول البلد شرق ۶۸ درجه ۲۰ دقیقه و عرض البلد شمال ۳۳ درجه ۳۷ دقیقه است -

شهر بجدگل کوه در دامن آن وقوع دارد و قلعه در گوشه شمالی شهر یکصد و پنجاه فٹ بلندی دارد - دور شهر و قلعه فاصل با برهباست که یک میل محیط دارد - گرداگردش خندق است که از دریاے غزنی پر میشود - خانه های غزنی

مثل دیگر بلاد افغانستان دو دوسه سه منزل است بازارهای
کچ کوچ است بجزندو بازاریکه در وسط شهر تقاطع میکند
تعداد نفوس تقریباً ده هزار است - سرمایه غزنی در ضمن
رفته است بمرصه سه ماه سه فتن برف میاید در تابستان
شب ها گرم می باشد و گاهی طوفان گرد و باد میخیزد +
در زمانه قبل الاسلام غزنی دارالسلطنت الرخاج بوده بنام
زابل میاد میشد - تجارت هندی در اینجا بسیار بود - در قرن
هجری عمرولیت غزنی را بنانهاد به عهد سلطان محمود گیل
خروج یافت شهر نفیسه سلطان محمود آباد کرد از دست
علاءالدین غوری و پختایان برباد رفته حالا فقط دو منار
آن باقیست که تقریباً یک ونیم صد فتن بلند می دارد شهر حاضر

صرف قلعه قدمیه است بر سر کابل یک میل از غزنوی
روضة سلطان محمود است که عظمت و جلال آن پادشاه غازی
بیاد میدهد - مقبره پدرش سبکتگین و دیگر سلاطین و مزار اعیان
بسیار علماء و اولیای کرام در غزنوی موجود است
همه ملک که در آن غزنوی واقع است بنام شلگر معروف است
و افغانه اند همیشه در اینجا سکونت پذیر اند - تجار پونند
در تابستان بغزنوی اقامت میگزینند چه بر سر دره گول
فاین است که راه تجارت است



۶۶
تقسیم ملکی ولایت کابل
قریه ها

- (۱) قلعه هوشمند (۲) بسین حصار (۳) زن
بانان (۴) یکه توت (۵) بی ماهر و (۶)
وزیر آباد (۷) ده کپک (۸) برکی (۹) ده مزنگ
(۱۰) گذرگاه (این قریه ها حالا متعلق علاقه دار چاردهی اند)
علاقه ها (درجه اول)

- (۱) چکری مع خور د کابل و تیسزین (۲۰) پنجاک
مع قلعه احمد خان - بگرامی - شینه و پل چرخ
وکری - موزائی - شیوکی - سرباک - ده پیو
ولایتی - بسین حصار - خمدان - قلعه حسن خان

(۳) ده سبز مع خواجہ چاشت - نجستیاران -
ترہ خیل - وہ بکھے - پاسے منار - الفو فی قلعہ
التفات - قریہ دانشمند (۴) پھقان - قنتر
بیگنوت - ارغندہ - مرغیہ ان (۵) چار دہی از
دہنگ الی قلعہ قاضی - وہ دانا - توابع چہل ستون
الی ریشخور - توابع دارالامان از قلعہ شادہ الی
تنگی ہ موسی - سفید سنگ - رحمت آباد - چا
اسیا - خیر آباد - چہل دختران - نونیاز - لندہ
حکومتی ہا

(۱) وردک (حکومت درجہ دوم) علاقہ دارپہا
تحت آن (درجہ دوم) (۱) جغتو (۲) دایمیردا

(۳) وره شینه الی شش گاو

(۲) میدان (حکومت درجه دوم) علاقه داریها تحت

آن (درجه دوم) (۱) تکانه - جلریز - سرچشمه - ادنی

دریمیر داغزین - سنگالغ - (۲) صدم ده +

(۳) بامیان (حکومت درجه اول) علاقه داریها آن

(۱) یک اولنگ - (درجه اول) (۲) سیتقان کهر

ویدر (درجه اول) (۳) شنبلی و شبر (درجه دوم)

(۴) لوگر (حکومت درجه اول) علاقه داریها آن (درجه

اول) (۱) از سید سنگ تاشکی و اغوجان - سرخا

زرغون شهر - کاریز - (۲) از تنگی و اغوجان الی

حصارک مع خوشی (۳) چرخ - خسروار - التمو +

جیل السراج (حکومتی کلان سمت شمالی) قریب
آن (۱) جیل السراج (۲) سید خیل (۳) گل بہا
(۴) سالنگ (۵) شتل (۶) متک
(۷) تمدرہ (۸) سعد اللہ +

علاقہ دار یہاں آن (درجہ اول)
(۱) چاریکار (۲) دولت شاہی۔ لغمانی
سجدہ درہ۔ جیکل۔ قریہ جات۔
خالصہ۔ رباط۔ خسروٹی۔ قلعہ یوزباشی۔
(۳) توغ بردی۔ صیادان۔ بالتوخیل۔
جمشید خیل۔ قلعہ بلند۔ خواجہ خضری۔ بگرام۔

حکومتی سست شمالی

(۱) کوپہامن (حکومت درجہ سوم) علاقہ دایہا
آن افسرہ بلخ۔ بلخ عالم۔ بلخ عارق۔
(درجہ دوم) ۲۔ آقا سراے۔ زمہ۔ بازاری
جوبار۔ قلعه پیرک۔ مشوانی۔ سراے خواجہ
بابا قحطار۔ دکو۔ گذر میوہ خاتون۔ لوچکان۔
کارندہ (درجہ دوم) ۳۔ گل درہ و قسریہ جا
شکر درہ و کاریزا (درجہ اول) ۴۔ استالف
استرغ۔ خلازانی۔ سرزہ۔ سرنگ۔
(درجہ اول) ۵۔

(۲) شگاب و سپین و سکین (حکومت درجہ سوم)

علاقه داریهای آن (درجه دوم)
(۱) کوه صافی (۲) ازبین و بادپش - دوآبه -
گوگامنده

(۳) غوربند (حکومت درجه دوم)
علاقه داری آن (درجه اول) سرخ و پارسا
(۴) ریزه کوهستان و شیرخان خیل (حکومت جاول)
یک - علاقہ داری آن (درجه اول)
(۱) - دره کلان - دره فرخ شاه - دره نمک -
دره پیله (نجراب)

باقی علاقہ داریهای آن (درجه دوم)
(۲) خم زگر - به لعین - سجن (۳) اشترگرام جمال آغا

د ثات دشت دم، رنخه بازارک دره ده، دره پشه خان (کابل)
 (۴) محمود عراقی - در نامه گياوه ده، زرشوی خراب (۵) بنو چیر
 غزنی د حکومت کلان ۱ - قریه های آن -

(۱) روضه (۲) رحمت (۳) تاسن (۴) خواج میری

علاقه داریهائے آن (درجه اول)

(۱) اندی و میری (۲) قره باغ (۳) جغتو نا وره سراب (۴) ^ن _{لستان} ^{میر آینه}

حکومتی های آن

(۱) جاغوری (حکومت درجه سوم) علاقه داری آن

پیشی - شیر داغ (درجه دوم)

(۲) اجستان و چنق زاسه ملک (حکومت درجه سوم)

(۳) مقرر (حکومت درجه دوم) علاقه داری های آن (درجه دوم)

(۱) ناره - گیلان - (۲) هیل خیل - آب بند

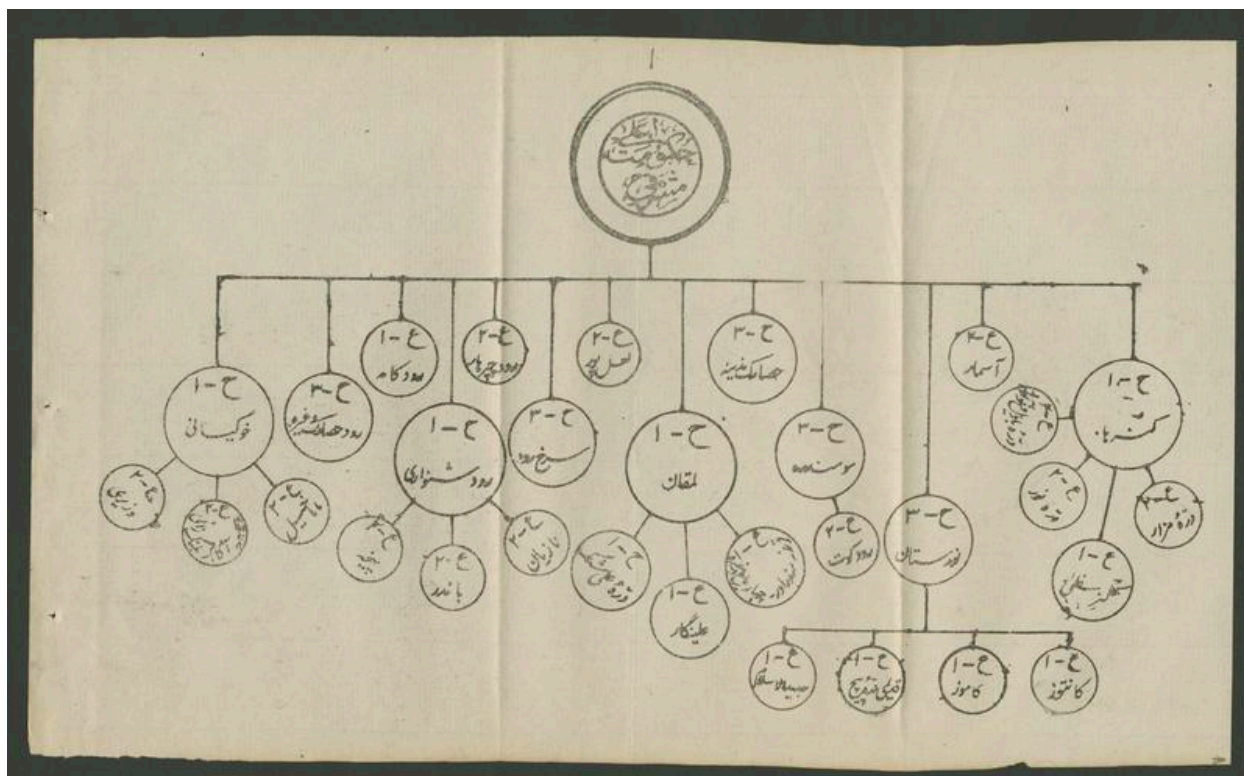
دارنگل (حکومتی کلان) علاقه آن دای کنده و توابعش (درجه اول)

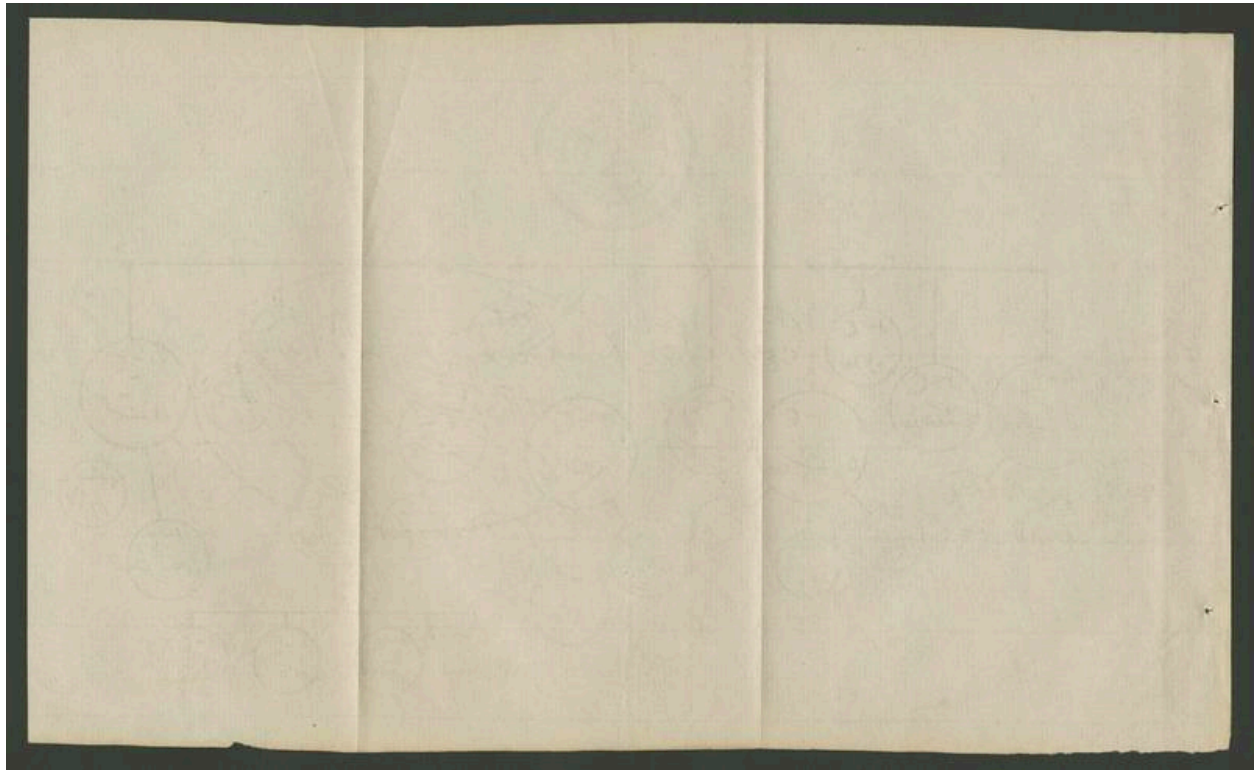
حکومتی آن بسود (درجه سوم) علاقه آن خوات جریغ نو برهی گی (درجه دوم)

جلال آباد

در سیدانے بجنوب دریائے کابل بر ارتفاع ۲۹۴۶
فٹ واقع است و مسافت یکصد میل از کابل و نو دو ویک
میل از پشاور دارد۔ در میان جلال آباد و کابل دره
جگد لک و خور و کابل حامل اند۔ ازینجا گشتہ چون بحد
جلال آباد برسند ہوائے مختلف محسوس میکنند کہ در
آبستان گلہی باد سموم میگردد۔ مابین جلال آباد و پشاور
دره غیر و غیره قاضل اند۔

شہر جلال آباد بعضی سی محاط است کہ تقریباً ۱۰۰۰ گز
احاطہ دارد۔ تعدد ان نفوس اندون دیوار تقریباً ۱۰۰۰ گز است





میدانیکه در نواحی جلال آباد مبسوط است تقریباً
۱۵ میل طول و چهار میل عرض دارد - حصه وسطی
از دما ت و قلعه ها و باغات مملو و کل علاقه خیل شاد آ
است - علی هذا القیاس لغمان هم بسیار سرسبز است
علاقه بجنوب دریای کابل را انگهار موسوم میکنند +
در علاقه جلال آباد بطلموسی مقام داشت - اولیا
اسلامی نیز در اینجا بسیار گذشته اند - آثار تمدن
بده در وادی زیاد یافت میشود - بابر در اینجا باغها
آراسته کرد - جلال الدین روشانی که در زمانه
شاهان مغلیه پادشاه پشتون گفته می شد این شهر را
تاسیس نمود و بنامش جلال آباد مشهور شد +

۷۵

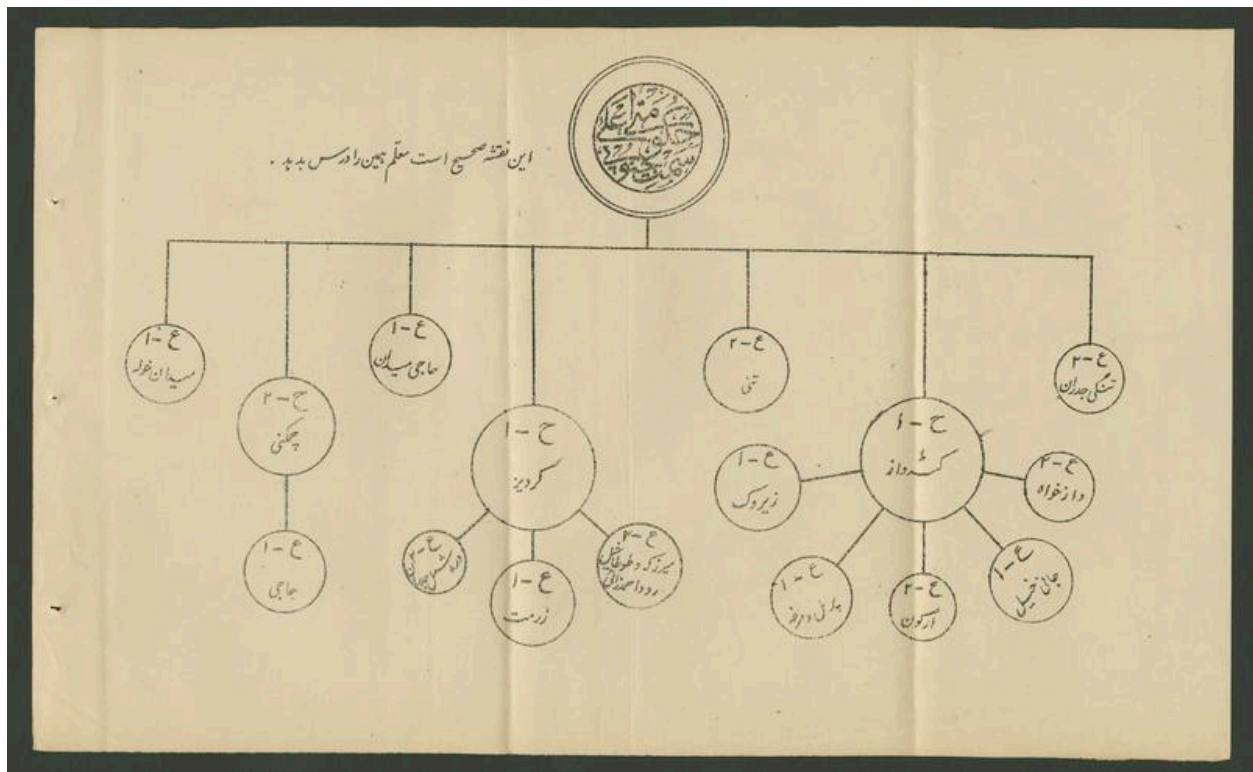
حالا جلال آباد و لغمان بسبب رجعت اشتهار شده
رونق مزید پرزیده قصر با و باغهای عالیشان و انگ گشته
جلال آباد (حکومت اعلای سمت مشرق)
قریه های آن

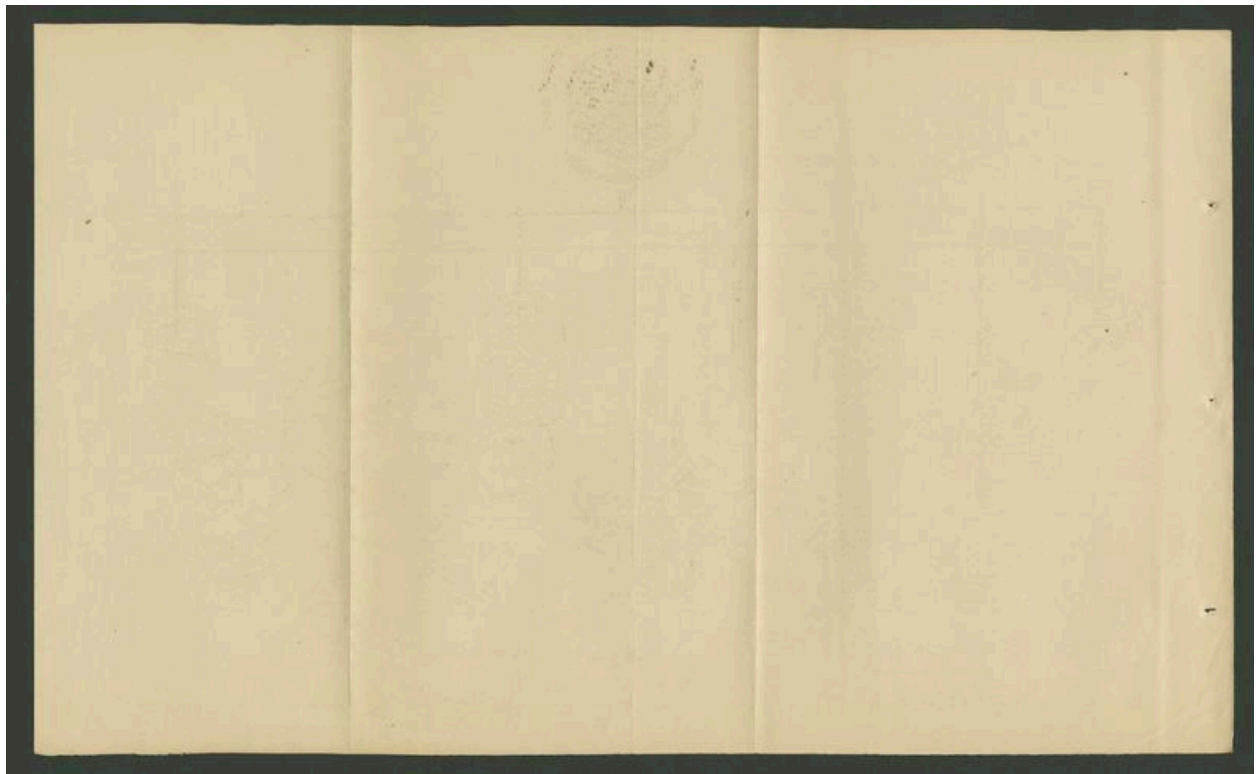
(۱) بسود (۲) نهر شاهی (۳) بابر می (۴) ده عربان (۵) قلعه
شاه مردخان (۶) خوش گبند (۷) سرخیل (۸) ده شریف
(علاقه های آن)

(۱) رود چیر مار (۲) لعل پوره (۳) اسمار (۴) رود کامه
درجه دوم
درجه اول
(حکومت های آن)

۱- نورستان (حکومت درجه سوم) (علاقه های آن) (در اول)

(۱) قدیمی در پیچ (۲) جدید الاسلام (۳) کاموز (۴) کانتوز





۲- سهند دره (حکومت درجه سوم) علاقه آن رود کوٹ (درجه دوم)

۳- سرخ رود (حکومت درجه سوم)

۴- رود حصارک - جگدک - فرمان بیگ از - قاسم

خیل لوگر (حکومت درجه سوم)

۵- کنرا حکومت درجه اول علاقه های آن

(۱) دره لور (۲) دره هزار (۳) دره باریل و نو آباد (۴) کنر سفلی

درجه اول

درجه دوم

۶- لنجان (حکومت درجه اول) علاقه های آن (درجه اول)

۱) دره علی شنگ (۲) دره علی نگار (۳) از قرغه و مندر اور

و چارباغ و کچ عزیز خان الی و درنه

۷- رود شینواری حکومت درجه اول علاقه های آن (درجه دوم)

انازیان ۲ تاندر ۳ بیخه +

۸- خویانی- کچر (حکومت درجہ اول) علاقہ ماسے آن (درجہ دوم)

(۱) ماماخیل (۲) پچیر و آتام و پلنگ زائی (۳) وزیر

خوست (حکومت اعلیٰ سمیت بیخہ) قریہ مائی آن

(۱) اسمعیل خیل (۲) باک مند وزائی (۳) قدم (۴) لکن ۵ شون

(علاقہ ماسے آن (درجہ اول)

(۱) میدان خولہ و زاڑہ کوٹ (۲) جاجی میدان و باک

(۳) زیر وک (۴) تنی

(حکومتی ماسے آن)

۱- چکنی (حکومت درجہ دوم) علاقہ ماسے آن (درجہ دوم)

(۱) لچ منگل (۲) جاجی +

۲- ارگون حکومت درجه اول علاقہ ماہے آن

(۱) تنگی جدران (۲) و از خواہ (۳) یوسف خیل کتہ و از

(۴) جانی خیل (۵) برتل و مرغ ^{درجه دوم}

۳- گردنیز حکومت ^{درجه اول} علاقہ ماہے آن

(۱) درہ شمل جدران (۲) میرزکہ - طوطا خیل (۳) رود احمد زراعت ^{درجه اول} ^{درجه دوم}

(قندمار)

قندمار کہ یکی از کلا نترین شہر ماہے افغانستان است

بر ارتفاع ۳۴۰۰ فٹ در عرض البلد شمالی ۳۱ درجه

۳۷ دقیقہ و طول البلد مشرقی ۶۵ درجه ۴۳ دقیقہ واقع ^{ست}

کلات غلزانئی بفاصلہ ۸۵ میل و غلزانئی ۲۲۲ میل ^{ست}

و برآه این هردو مسافت کابل بطرف شمال مشرق ۴۱۵ میل است
گرشک بفاصله ۷۵ میل و فراه ۲۲۵ میل است
و برآه این هردو مسافت هرات بجانب شمال مغرب
۳۷۰ میل است - از قندمار تا پیشین فاصله
۱۱۰ میل است و از پیشین سو به هندوستان سه راه میرود
موقع شهر قندمار تقریباً مربع است و ضعیف این تقریباً
چهار میل محیط دارد - بلندیش تقریباً ۳۰ فط
و عرض ۱۵ فط است و خندق دورا دورش
۱۰ فط عمق دارد - چهار بازار در مرکز شهر یکدیگر را
تقاطع میکنند و در آنجا یک گنبد بلند وقوع دارد
بازار مافراخ است چهار بازار شهر را در چهار محله

تقسیم میکنند که در آنها درانی و غلزان و کاکر و پارس
و آن سکونت دارند. تعداد نفوس تقریباً ۵۰۰۰۰
پنجدهزار است. پارسیو آنان بیشتر در محله توپخانه سا^{کرانه}
اگر چه از غنای آب بسیار علاقه را سیراب میکند
اما زراعت بذریعه کاریر هم میشود. در قندار
هر قسم غله و میوه پیدا میشوند که برای امالی
آن کافی بل وافی است. گندم و جو و دیگر
حبوب و انگوزه و شبدر و تمباکو و انگور و سیب
و زرد آلو و انار و پودر پیدایشود. از معدنیات
ملاد فاذر و سیر و زراک و سرب و سنگ آتاک
و سنگ شاه مقصود که از آن تسبیح میسازند و برق

و گنج و نوشادر و گوگرد و سومیانی و عینہ بکثرت است
و میل بشمال شهر یک معدن محفور طلا موجود است
اشیاء برآمد - پشم و پنبه و روغن اس و انگوزه
و میوه نارس تازه و خشک و ابریشم و بنفشه و زیز و غیره
اشیاء درآمد - نیل و چرم و قند و نمک
و آهن و مس و شال و بوٹ و موزه و دیگر
و پوستین و ابریشم و تریاک و فروش و قمارخانه
(باصدارات و واردات خود قند نار یک تجارتگاه عظیم
افغانستان است) بعضی میگویند که راجه گندهار
قند نار را آباد کرد و دیگران بر آنند که سکندر
بنایش نهاد - تقریباً چهار میل بغرب شهر در میدان تاک

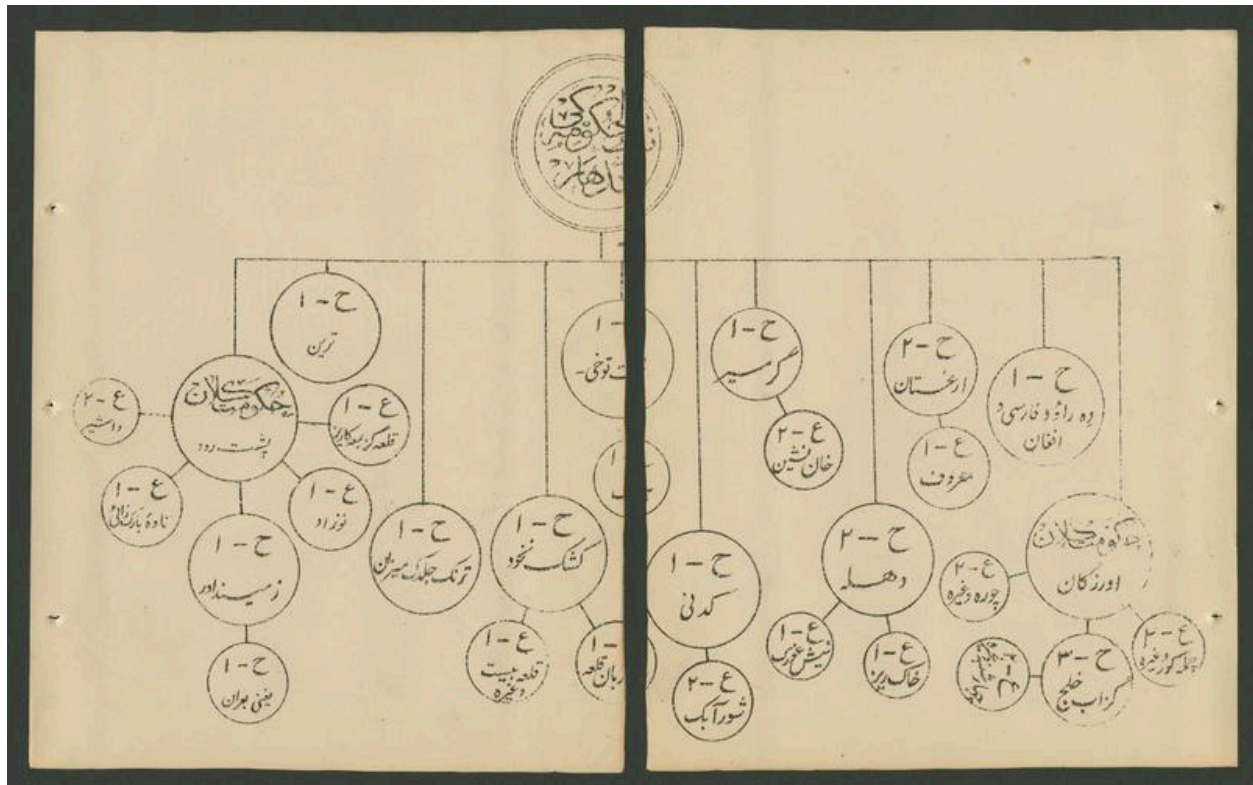
داسن و شیب کوه آثار عتیقه قندمار واقع است
که از دست پادشاه تپه شده بود و مقبره احمد شاه
مع دوازده قبر اولادش عمارت شاهانه است
و خرقة شریفه حضرت رسول الله صل الله علیه و آله و سلم
قندمار را تقه پس خاص می بخشد
قندمار در قرون اخیره گاهی در تصرف شاهان ایران
و گاهی در تسلط پادشاهان هندوستان میرفت
حاجی میر و بیس خان هوتک یوغ ایرانرا از دوش خود
انداخته اعلان استقلال افغان نمود و پیشتر شاه محمود
برین اکتفا نکرده اصفهان را در قبضه خود آورده و سکند
از مشرق ایران چو قرص آفتاب شاه محمود را بنگیر

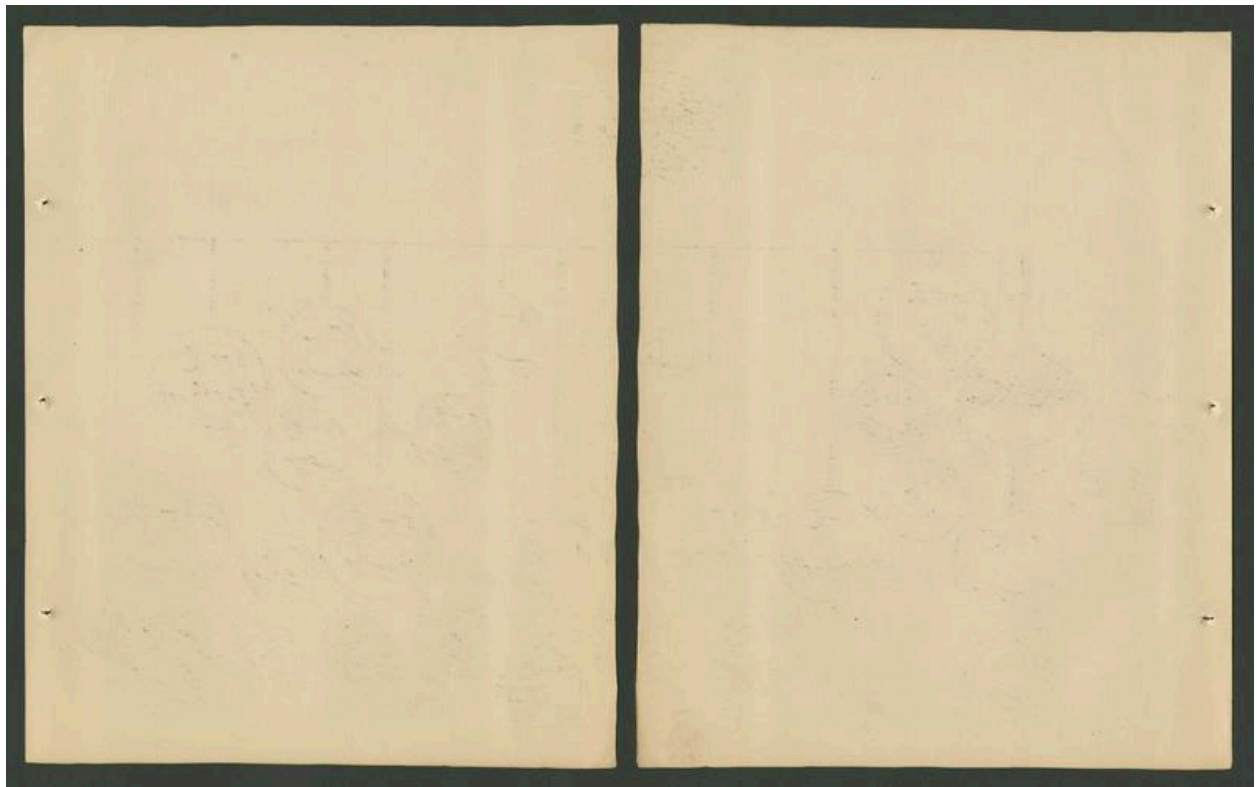
۸۳

سیادت انیسابند نادرشاه باز سلطنت ایران را
بعد محاصره قاهره یکسال در قندهار قائم کرد. بعد از قتلش
احمدشاه سدوزائی درانی پادشاه افغان شد
قندهار را پایتخت افغانستان ساخت
تا پیش از تهورشاه بکابل سریر آرائی را ترجیح داد
هوای قندهار گرم است. اگر گاهی برف بهار
زود آب میشود. در زمستان به قیاس الهوا بوقت نیمه روز ۹۴
و در تابستان ۹۸ درجه میباشد.

کلات غلزلائی

مسافت ۸۹ میل از قندهار واقع است. در اینجا
یک قلعه مستحکم لب راست ترنک بر ارتفاع





۸۴

۵۷۷۲ فٹ از سطح بحر ایستاده است و بسبب
جنگ با انگلیزان شهرت دارد
گرشک

برشاهرای مابین قندهار و سرات واقع است
و یک قلعه مضبوط دارد که بوجه جنگ با انگلیزان
و محصور می لشکر میندی مشهور است.

ولایت قندهار

قریه ها

(۱) ده خواجه (۲) ده ماسنر (۳) محله جات (۴) کنر قلچ آباد
(۵) ذاکر (۶) ذله خان (۷) تیموریان (۸) میسر بازار
(۹) چهل زینده (۱۰) مرغان

۸۵

حکومتی ما

- ۱- ترنگ و جلک (درجه دوم) ۲- ارغستان (درجه دوم)
علاقه آن معروف (درجه اول) ۳- دبله حکومت (درجه دوم)
علاقه مائے آن (درجه اول) ۱- نیش و غورک (۲) خاکریند
۴- قلات توحی حکومت (درجه اول) علاقہ آن (درجه اول)
ہونک ۵- گرم سیر حکومت (درجه اول) علاقہ آن
(درجه دوم) خان نشین ۶- کدنی حکومت (درجه اول)
علاقہ آن (درجه دوم) شورابک ۷- کشک خود
حکومت درجه اول علاقہ مائے آن (درجه اول)
(۱) ساربان قلعه - ماربل (۲) قلعه بیست - کارینر
بارکزائی - کامیز سہ کاری - لشکر بازار خشک آبہ x

A4

۸- دہراود۔ فارس و افغانی حکومت درجہ اول،

۹-ترین حکومت درجه اول x

پشت رو (حکومتی کلان) علاقہ ماے آن

(۱) د اشیر (۲) قلعه گز مع کاریز ۳۲۰۰۰ ناود بارگزائی (۴) نوزاد

درجه اول درجه دوم

حکومتی آن

زمین داور (حکومت درجہ اول) علاقہ آن (درجہ اول)

یعنی۔ بفران۔ کمرز۔ تزیین *

اززگان (حکومتی کلان) علاقہ ماے آن (درجہ دوم)

۱۱) جیلہ کور مہزار بنز۔ شوئی و پو باش (۱۲) پورہ۔ بابلی

نوری۔ کہیاں

۸۷

حکومتی آن

گلاب و خلیج (درجه سوم) علاقه آن (درجه دوم چهارشنبه)
تنی - نهران الی گردنه جبرستان

فراه

بکنار دریای همنامش واقع است - راه
قندهار و هرات ازین میگذرد اقل الذکر بمسافت
۲۳۶ میل و آخر الذکر ۱۶۴ میل - دورا دورش فزید
کلا نسبت مع برجها و خندق راه اندرونش مسقف است
و دو دروازه دارد - از نقطه نظر عسکری جا
محفوظ و مهم است - در نواحیش آثار عتیقه بسیار است -
چنگیزخان این را تاخت و تاراج نمود - تا در شاه

۸۸

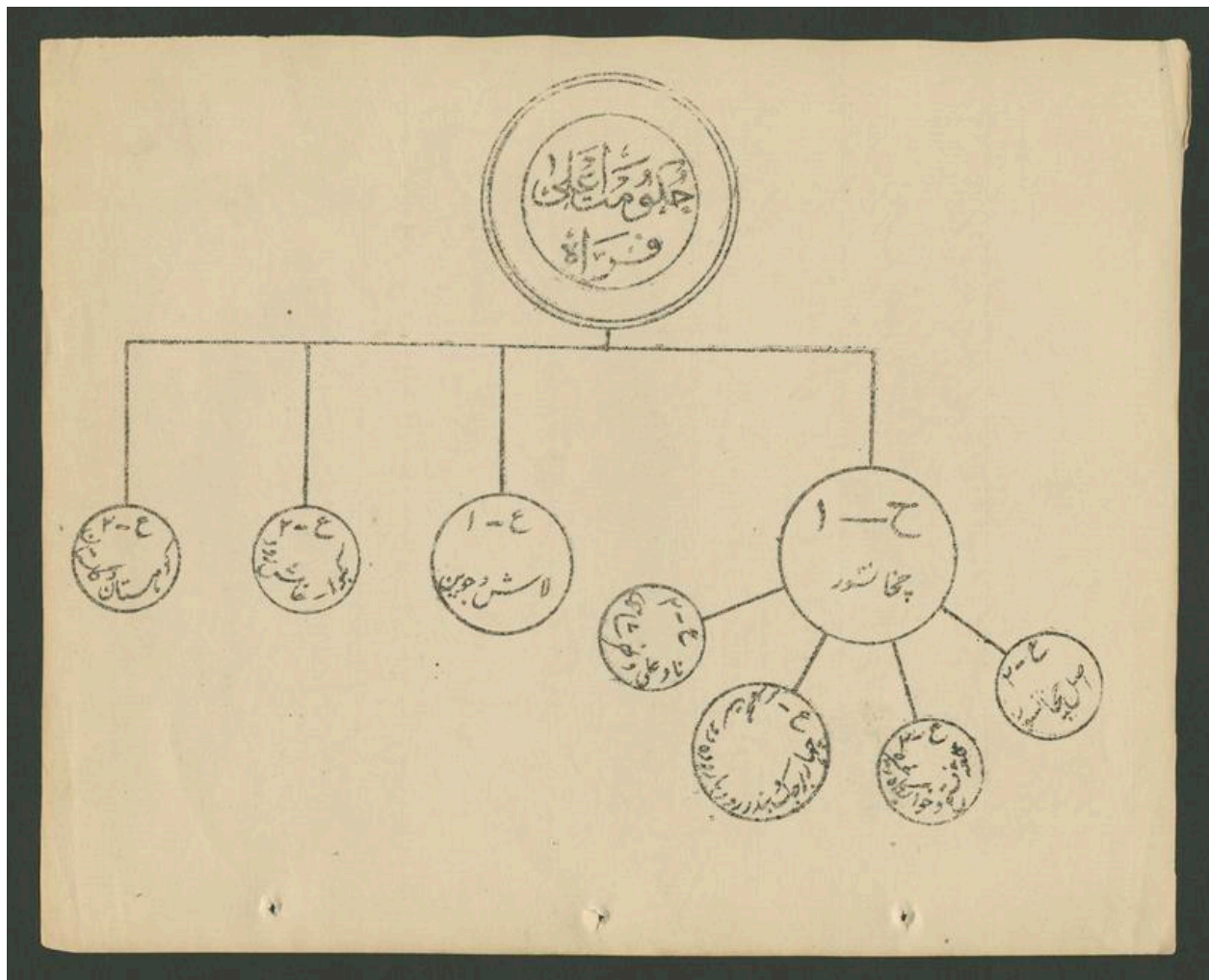
شش هزار نفر از اینجا بقندار برد بعضی علمای
مشهور از اینجا برآمده اند *

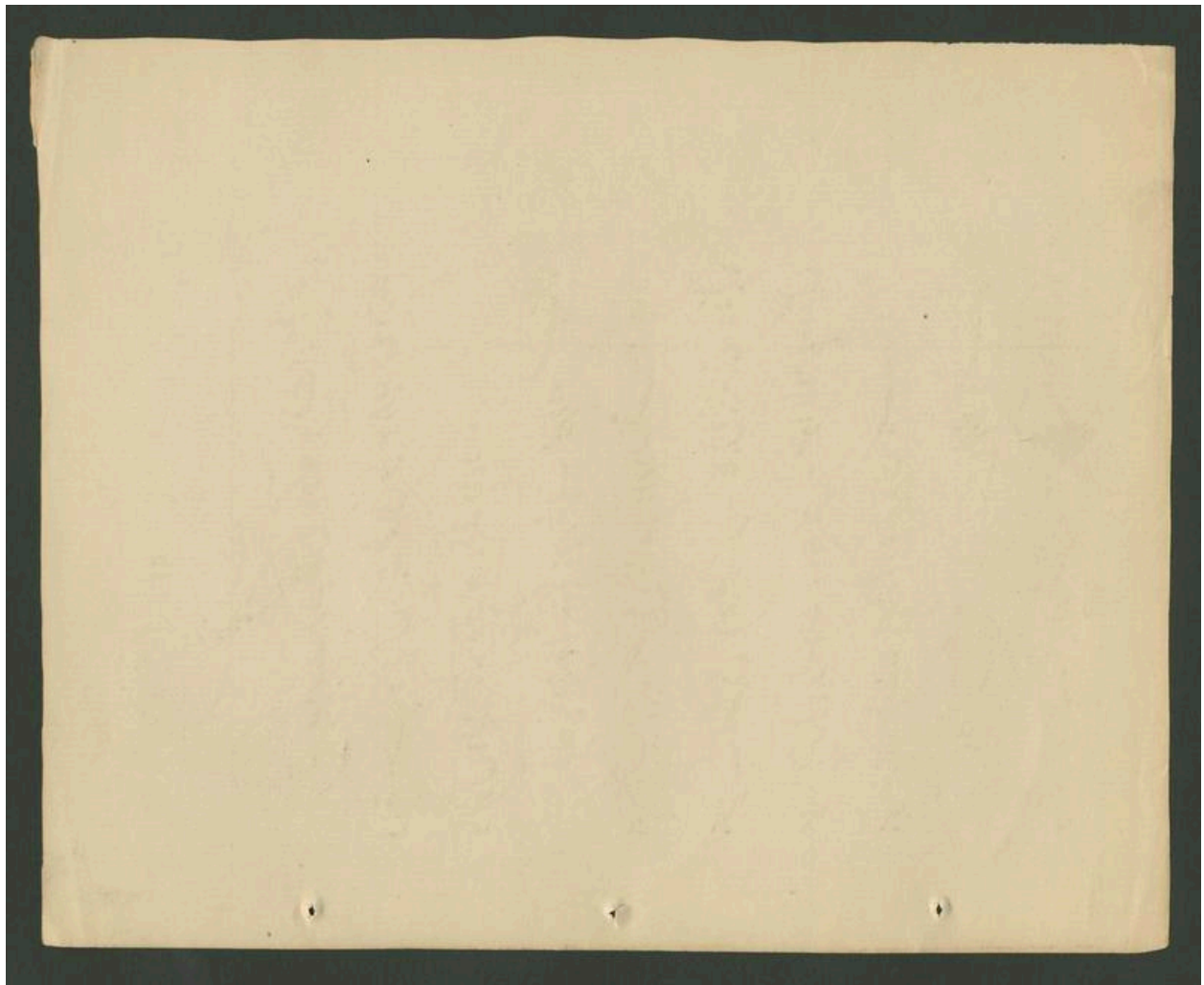
سیستان

جوانگاه پهلوانی رستم شده سیستان در قبضه تازیان
و ساسانیان رفت - از دست خلفای بغداد
برآمده ساسانیان برین مسلط گشتند - سپس
شاهان عرتوی و صفوی حکمرانش گردیدند
تا دولت افغان متفرش شد الا حصه غربیش
در ایران داخل است و سرحد آن مجری قدیم هند است -
عرض البلد شمالی سی و یک درجه و طول البلد مشرقی
شصت و دو درجه میباشد *

در علاقه چنانسور و ناد علی گندم و جو و خربوزه و بوز
و بقول و جنوب بسیار پیدا میشود. در دیگر علاقه
بجز سواحل هلمند زراعت کم میباشد گا و گوسفند
بسیار است +

چنانسور و لاش و جوین قلعه های مضبوط دارند.
کده که در مشرق واقع است آتشکده زایل بود.
دیگر آثار قدیمه در سیستان بسیار است.
مامون بشمال و جنوب و مغرب ممتد است. خاش رود
رود هلمند و ماروت درین مامون می افتند و گلها یکبار
دریا مای آوند مامون را بست و یک بلند تر ساخته میرود حتی
سیستان هم بر مرداب قدیم واقع است. سیستان را





۹۰

نیمروز میگویند زیرا چون آفتاب در آنجا بنصف النهار

میرسد نصف کرده تمام روشن میباشد،

فراه (حکومتی عالی) علاقه مای آن

(۱) کوشان - گلستان (۲) بکوا - خاشخود (۳) لاشخوین

درجه اول

درجه دوم

حکومتی آن

چخانسور (حکومت درجه اول) علاقه مای آن

(۱) اصل چخانسور (۲) قلعه فتح و خوابگاه (۳) ناد علی و نهر شای

درجه دوم

(۴) چهار بر جک و بند رود بار و ده دوست محمد

درجه اول

هرات

شهر هرات برآمدن قلعه ۲۶۵۰ فٹ از سطح بحر
واقع است و عرض البلد شمالی ۳۴ درجه ۲۲ دقیقه
و طول البلد ۶۲ درجه ۹ دقیقه دارد .

راه با از هرات بهر طرف میرود - سیستان
بجنوب ۲۰۰ میل فاصله دارد - قندهار
بجنوب مشرق ۳۰۰ میل - کابل بمشرق ۵۰ میل
بخارا بشمال براه میمنه ۶۰۰ میل - خیوا براه مرو ۷۰۰ میل
بجانب غرب چهار راه بایران میسرود .
رقبه شهر تقریباً یک میل مربع و مستطیلاً
واقع است - دیوار شمالی دو عمارت دارد و ارگ نو

بیرون واقع است - دیوار برتیه های کلان ساخته شده
که بدامن ۲۵۰ فٹ پهنائی و ۵۰ فٹ بلندی دارد -
باز بالای این تپه فصیل ۲۵ فٹ بلندی
و ۴۴ فٹ ضخامت دارد - یک و نیم صد برج دیوار را
متخل است - زیرش خندق است ۴۵ فٹ فراخ
و ۱۶ فٹ عمیق - شهر باین حصار بکرات حله های جنگیز
و تیمور و ایرانیان را برداشته نهایت مضبوط و محکم
ثابت شده است .

شهر پنج دروازه دارد - چهار سوق از مرکز شهر که
گنبد دارد و چهار طرف میرود - زیر گنبد کلان در وسط شهر
حضرت که آبش هنگام ضرورت برای آبیالی شهر و

فوج تا یکسال کفایت میتوان کرد. بازاری طرف
دروازه قنداری سقف است و دکانهای قشنگ دارد.
جامع بهرات عمارت عظیم الشان است بارقه
۸۰۰ گز مربع. بحال آراستگی این مسجد ۲۰۸ گنبد
۱۳۰ درجه ۲۲ منار و شش دروازه داشت
اگرچه قدمت در عظمش رخنه انداخته باز هم یکی از
عالی و نفیس ترین عمارات ایشیا شمرده می شود.
مقبرهای خواجه انصاری و حضرت جامی و دیگر
اولیا و علما باعث تقدیس بهرات اند. قبرهای
شهبازگان تیموری بسنگ مرمر تعمیر شده اند.
این مقام را که از جویهای سیراب و از باغها شاداب است

گذرگاه میگویند - امیر کبیر نیز در اینجا مدفون است .
شهر بدررفت آب ندارد - باد تندی در وقت معین میوزد
هری رود تقریباً سه میل از شهر میگذرد و از پل مالان عبور می شود
نهرهایش که میادین هرات را آبیاری میکنند در کمال فنی
نظیر ندارند - تقریباً چهار صد مربع میل دور هرات از اینها سیراب
شده غله و میوه برای لکها نفر مینمایند - تعداد و هات تقریباً
ششصد و در آنها پنجاه هزار خانه آباد است یکصد سال قبل
نفوس شهر از یک لک بیشتر بود بعد از آن کمتر شده رفت
و حالا باز رو بترایداست - اهالی شهر اکثر افغان و تاجیک اند
و کمی یهود و هندو نیز میباشند - بمشرق و شمال مشرق و
جنوب مشرق قبائل کوهی سکونت دارند که از انجمله چهار ایلق

بکثرت اند .

تجارت هرات مشتمل است بر اشیائی که مالدی
اسباب داخلی از ایران و ترکستان و هندوستان
و دیگر حصص افغانستان وارد می شود. از هرات قالین
و نمودگرگ و برک و قنادیز و دیگر اجناس پشمی و ابریشمی و غیره
به ممالک دیگر می رود. معدن چودن هرات و سرمه و غیره
مشهور است. پسته و بزغنج و انگوزه و زرشک و غیره
در علاقه کوهی بسیار پیدا می شود. میوه های هرات
در افراط و لذات بمثل است. انگور تقریباً شصت قسم دارد
کوکنار بسیار شده می تواند اما ضرر بصحت از منفعت
مالیش زیادتر است. گندم قیم اعلی می باشد و پنبه

از جنس امریکه خوبتری شود .

هرات بنام هری در ازمنه قدیمه هندوان و یونانیان
و ایرانیان پای تخت آریانه بود. بسیار انقلابات مشاهده کرد
در سگاه امام فخرالدین شد. پس چنگیز در اینجا قتل عام نمود و پیش
نیز تباهی کلی میاورد اگر آب و هوای اعلاای هرات شایع نمیشد
چون این را کلید هند میگفتند حمله آوران هندوستان اول
این را در قبضه خود میگرفتند .

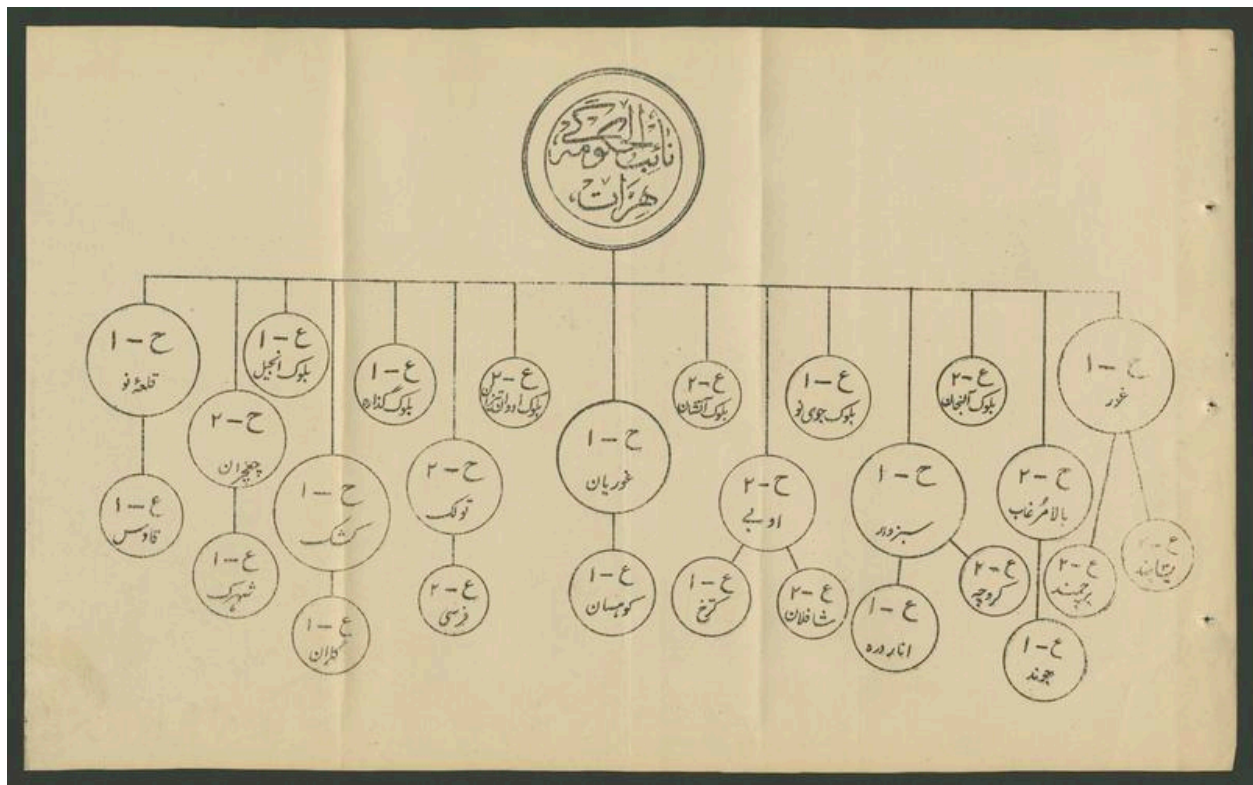
سبزوار

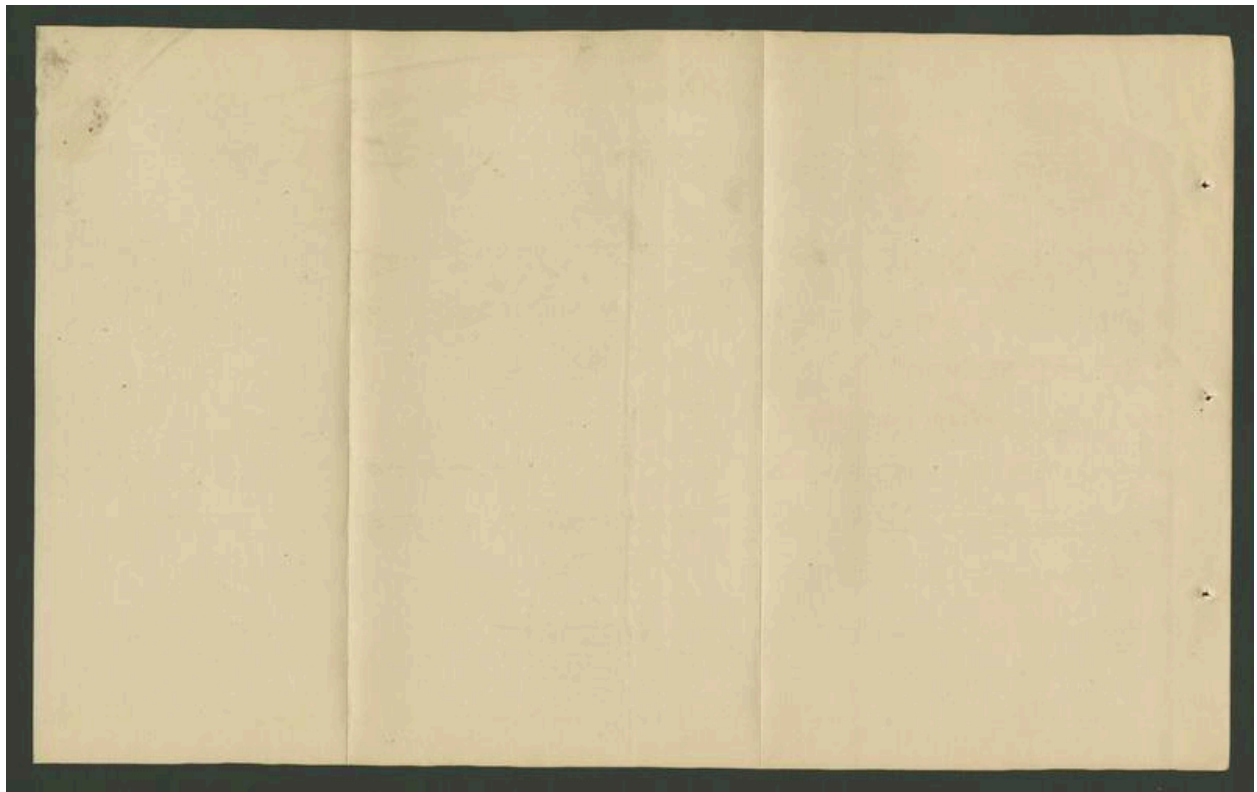
اسب زار قدیم در تاریخ ایرانی و افغانی مشهور است -
از هرات ۹۳ میل مسافه دارد - قلعه که پیشتر یک بازار
داشت درون شهری عظیمی بود که آثار سابقه آن بیرون آشکار است

سیرابی سبزوار بذریعہ نہر پائست کہ از باروت میاید -
زراعت خوب می شود .

فرنی

قریه ایست خورد در علاقہ غور بمشرق برات کہ در سابق
پای تخت غوریها بود و آثار قدیمہ شان در مصافات بسیار
فصل کہنہ احاطہ اش کردہ است نفوسش تقریباً دو ہزار است
کہ اکثر شان سوری و تائینی میباشند - موقع این
در وادی ایست کہ جو یہالیش ماہی بسیار دارد - تپہ ہا
نواح از اشجار و تاکہا پوشیدہ است پیشتر چند خانہ کبر
در زرنی بودند .





۹۸

ولایت ہرات

قریہ ہا

کارۃ علیا - کارۃ سفلی - نوین - جٹان - کیا پیان
مالان - محلہ بابہ جی - زیارت گاہ - سیاہستان
ابول - ولی جان -

علاقہ ہا

{ (۱) بلوک بچان (۲) بلوک اتشان (۳) بلوک دوان تیزان } درجہ دوم
{ (۴) بلوک جوی نور (۵) بلوک کند (۶) بلوک انجیل } درجہ اول

حکومتی ہا

- ۱۔ بالا مرغاب (درجہ دوم) علاقہ آن جوئند (درجہ اول)
- ۲۔ ادبہ (درجہ دوم) علاقہ ہا آن (۱) کرخ (درجہ اول) (۲) شافلان (درجہ دوم)

۳ - توکک (درجه دوم) علاقه آن فرس (درجه دوم)

۴ - چنچران (درجه دوم) علاقه آن شهرک (درجه اول)

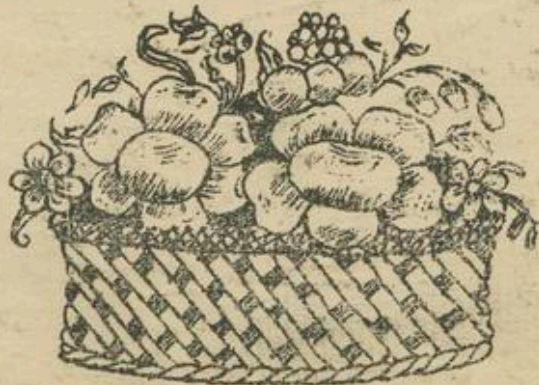
۵ - غور (درجه اول) علاقه های آن (۱) برچمند (درجه دوم) (۲) پسایند (درجه دوم)

۶ - سبزوار (درجه اول) علاقه های آن (۱) انار دره (درجه اول) (۲) کرچه (درجه اول)

۷ - خوریان (درجه اول) علاقه آن کوهسان (درجه اول)

۸ - ششک (درجه اول) علاقه آن گلران (درجه اول)

۹ - قلعه نو (درجه اول) علاقه آن قادوس (درجه اول)



ترکستان

ولایت بسیار مهم افغانستان است -

از سرحد پختان بمشرق تا بالای دریای مرغاب بمغرب
این ولایت نصف مجری آمو را احاطه میکند دریای آمو

سرحد شمالیش را تشکیل مینماید از موصل در پاسه کوچه

تا خواجه صالح - بجنوب کوههای بلند هندوکش از مشرق تا مغرب

این ولایت را از دیگر حصه افغانستان متفصل میسازد .

مزار شریف

بکنار دریای بلخ واقع است و بیشتر از دو هزار خانه دارد

آبادیش روز افزونست نه میل بشرق بلخ مزار حضرت علی

کرم الله وجهه وقوعه دارد

گویند که مرقد علی در نجف است و بلخ بیابین چادر الشرف است
پنجاه سال گذشت که سلطان حسین پادشاه هرات
مرقد مبارک را تعمیر نمود و این دو گنبد دارد. در پهلوش
امیر شیرعلیخان مدفون است. گلپکه در مزار می رود
نهایت لطیف و خوشگوار است. در موسم گل سُرُخ
مردم از هر طرف جمع آمده زیارت روضه مقدسه می نمایند
آب و هوای مزار معتدل و صحت بخش است
فلذا اهالی ترکستان و پنجایلات می کنند. مزار شریف
تجار نگاه کلان است و علاقه آن بسیار حاصل
خیز است.

۱۰۲

بلخ *

بجده نهر آن مشهور است که تقریباً چهارصد ده را سیرب
 میکند. اراضیش حاصل خیز است و سیب و زردالو و غیره
 در آن بسیار می شود. آب و هوایش خوب نیست.
 بلخ ۸۰۰ فف بالای سطح بحر واقع است. تعداد نفوس
 از دو هزار بیش نیست که در آنجا هندو و یهود و کاتاری می کنند.
 بلخ را ام البلاد می نامند. در عصر قدیم بنام باختر
 در پنجاه سلطنت عظیم الشان بود. در عهد مسلمانان این را
 طخارستان و قبیله الاسلام می گفتند.

* و کما اهلکنا من قریة بطوت معشجها مثلک مساکنهم لم تسکن من بعدهم الا قلیلا
 و چند قریه بار بار کمره کردیم که در گذران خود فروخته بودند پس اینست مسکن آن که بعد از آنکه آباد

۱۰۳

فنادام البیلا و بلغ در پیری بویاری چو صادر شد فرزندان نا ایش تکاملها
سلف ازین عمرین ساختن شبته اسلام خلف بنیاد آن کنند از راه کاسلها
احاطه شهر قدیم تقریباً بیست میل بود و در حصارش دینم میل
اندرون قلعه یک تخت سنگی هنوز باقیست و دیگر آثار عمارات
و مساجد و حمامها و مقابر بسیار موجود است - سه محراب عالی جامع
تا حال قائم است و نیز انبیه چهار سوق - دو دروازه شهر قدیم
بطرف مشرق است - یک قلعه کلان مع دیوار با و برجهای بزرگ
بطرف شمال تا حال ایستاده است شهر و قلعه خندقها
جدا گانه داشت - آثار بده در اینجا بسیار یافت می شود
طریقه زردشت نیز اینجا فروغ یافته بود - یک بتخانه بنام
نوبهار اینجا مشهور بود .

تخت پیل^{۱۰۳}

هشت میل بشرق شهر قدیم کاشن است. چون امیر محمد افضل خان
تخت پیل را پای تخت ترکستان افغانی ساخت بسیاری از
مردم بلخ در اینجا منتقل شدند. کرد اگر تخت پیل دیوار دولا به
است که سی فٹ ارتفاع و برجها و مورچلهها دارد و خندق وسیع
دورش است.

آقچه

تقریباً چهل و پنج میل بغرب بلخ براه بهرت واقع است
اگرچه بعد از انقلابات زیاد حالا جای کوچک است اما در
بهتری دارد. قصبه بهصار محاط و اندرون آن قلعه است.

۱۰۵

شبرغان

تقریباً بیست میل بغرب آنچه واقع در میان آن یک قلعه
است - اهالی آن مشتمل بر سیزده هزار ترک و تاجیک افغانند
در جو از زراعت و باغبان بسیار است - خربوزه اش
شهرت دارد .

آندخوی

تقریباً بیست میل بشمال مغرب شبرغان چون
نخلستان در صحرا بکنار دریای سگلخ کاشن است - میوه و
غله و پنبه و مواشی بکثرت میباشند و تجارت اینها
بادیگر علاقه های افغانستان می شود - تجارت شتر با ضلع
بالای آمو و تجارت قره قلی بایران و غیره جاریست در قرون گذشته

۱۰۶

این یک شهر معمور بود بعد از آن خراب شده حالا باز آباد است
تقریباً سه دینم هزار خانه دارد - اندرون حصار کهنه یک قلعه
بلند است که سیصد گز طول دارد - بیرونش بازار است
بارونق که بروزهای معتین خرید و فروخت در آن بسیار می شود.

تاشقرغان

حصار پهن محاط است - در نواح آن باغات
بسیار است و انا برای آن مشهور - تجارت زیاد دارد تقریباً
بیست هزار خانه در علاقه آن آباد است - بروزهای معتین
در هفته بازار منعقد میگردد که در آن خرید و فروخت اشیای بخارا
و هندوستان و اسپ و قاطر و گاو و گوسفند و بز می شود -
پارچه های نخی و ابریشمی از هندوستان چرم و پشم و دانه

۱۰۴

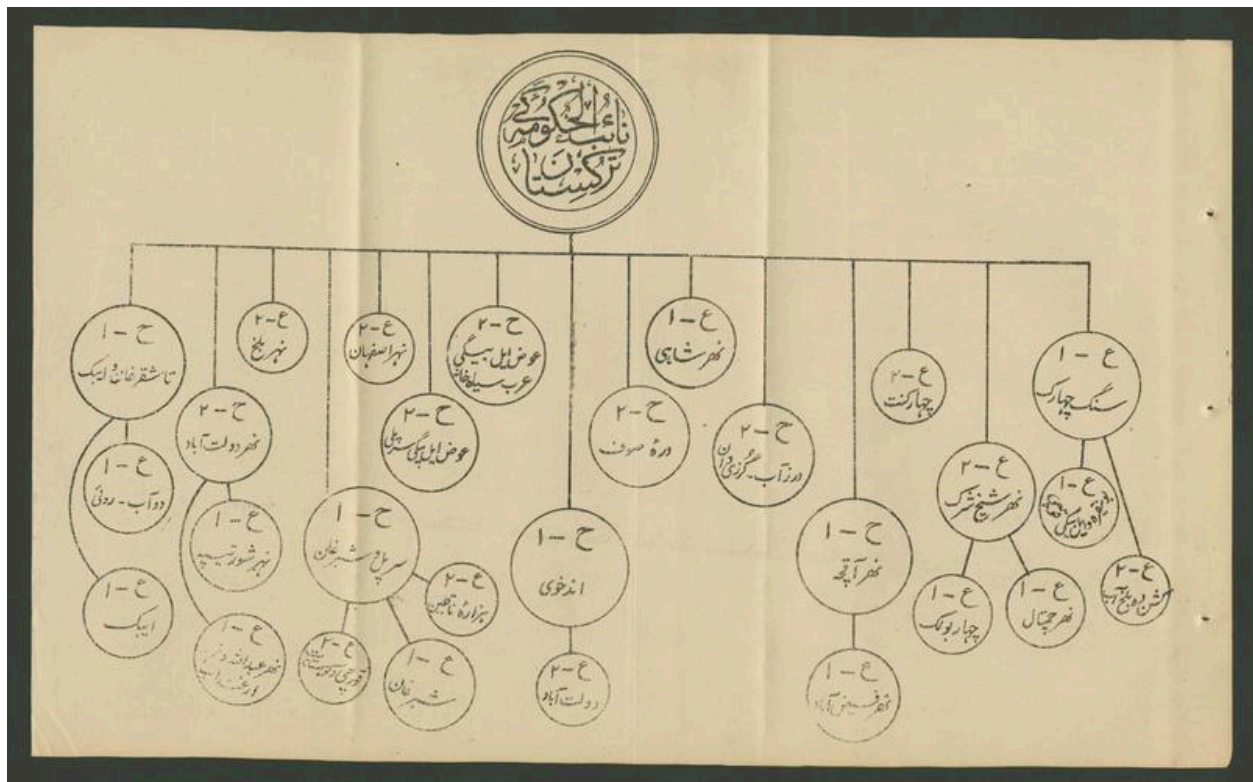
و بوٹ و موزه از طرف بخارا انگور و کشمش و انار و آلوی خشک
از دپات زین و یراق اسپ از کابل نیل و بعض رنگها از
دیگر مقامات درینجا آورده می شود. هندو ما درین بیج و شرا
بسیار دخل دارند. خربوزه و دیگر میوه فروشی مردم کابل میکنند
تجارت یا رفته بدست بخارا اند جان است که بعض چای
گو سفند و پوست میخرند (همین قسم بازارها در دیگر بلاد ترکستان هم
میباشد).

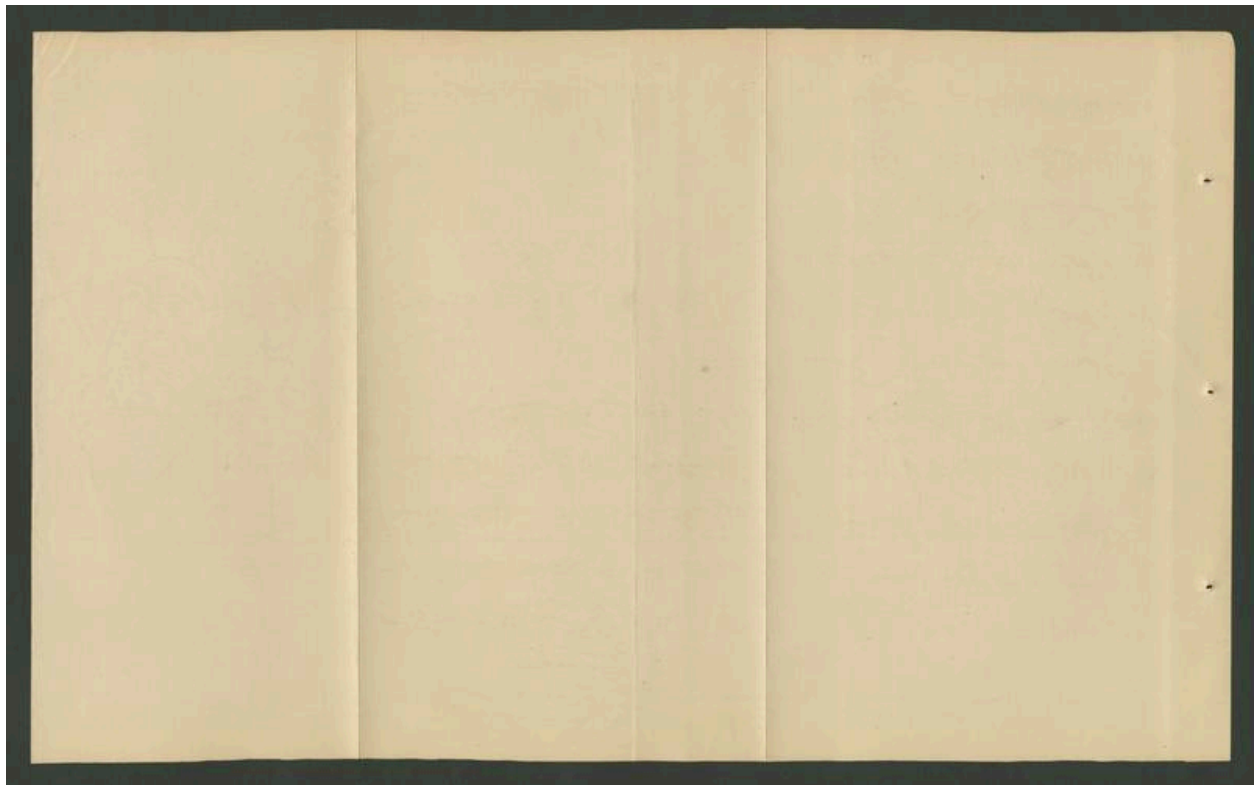
ایک *

در میان آن قلعه مستحکم است و دورش خانه های گنبدی آباد

و بر آکرم فی الارض تخت و من سمولها قصود و تختون الجبال و

و شمار از زمین آباد ساخت تا در میشش محل تعمیر میکنند و از کوهها خانه های زیاده





۱۰۸

منظر عمارت آن خیلی خوشنما است. دودی خلم درینجا وسیع میشود
علاقه بسیار حاصل خیز است اشجار میوه دار زیاد دارد.
در ایک تخت رستم از کوه تراشیدگی و بمجاذش عمارت قدیم
دیگر است که بر عظمت سابقه این موضع دلالت میکند.

ولایت ترکستان

قریه ها

- (۱) عزیز آباد (۲) تخت پل (۳) لنگر خانه (۴) ویدادی -
- (۵) شیر آباد (۶) بوات قلعه قل محمد (۷) مارل (۹)
- شادیان .

علاقه ها

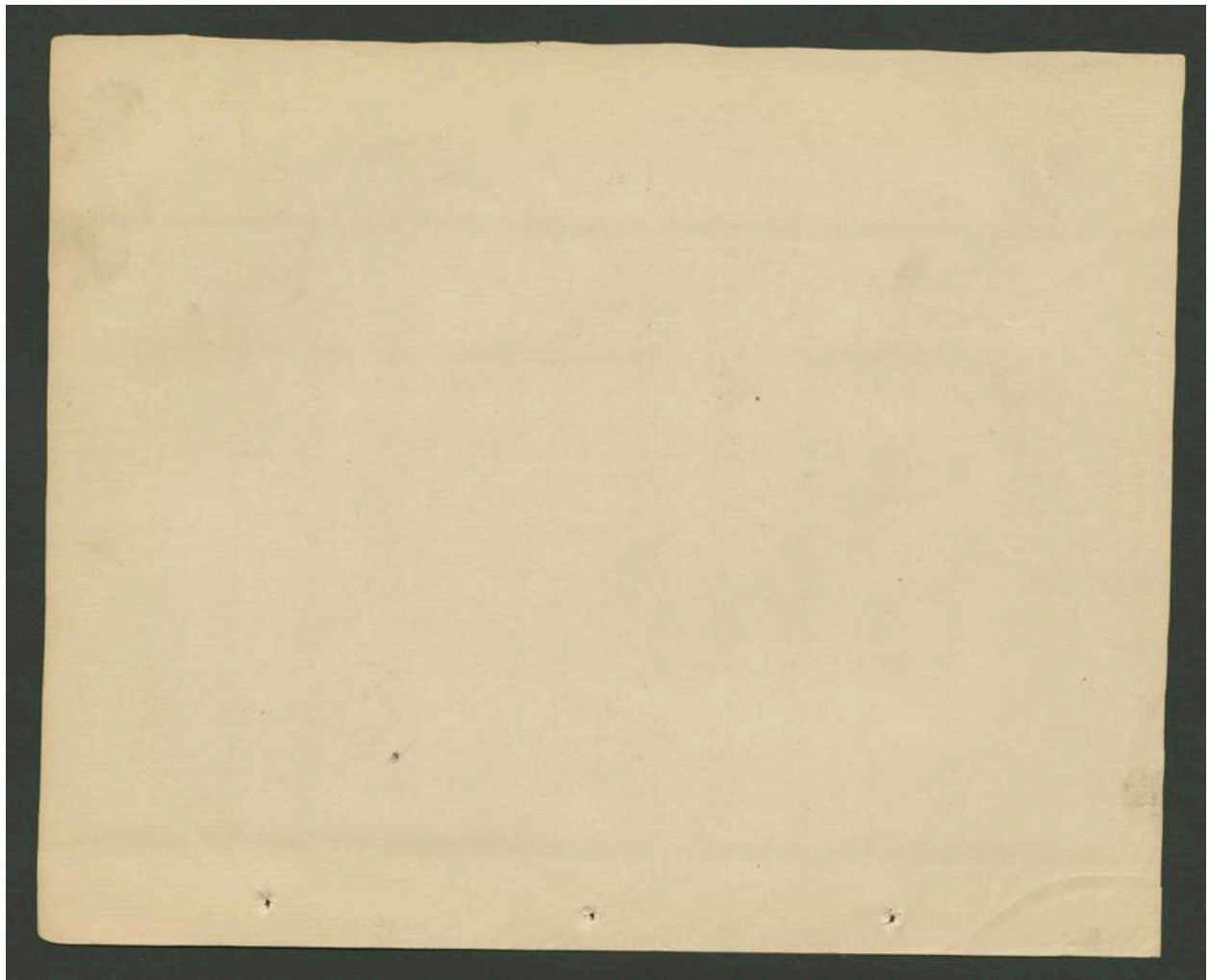
- { (۱) چهارکشت (۲) نهر اصفهان سیاه گرو (۳) نهر بلخ } درجه دوم

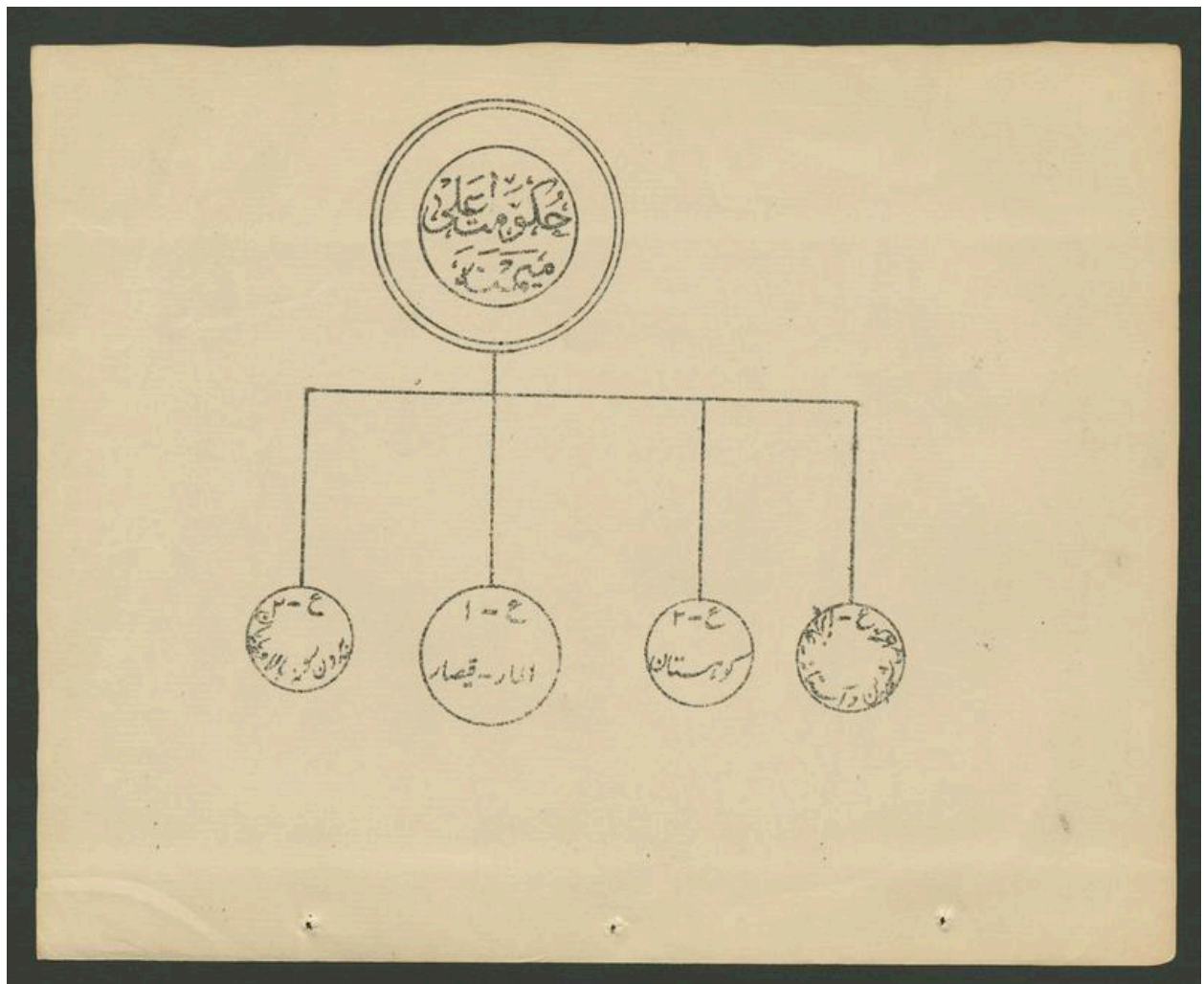
۱۰۹

(۴) نهر شاهي (درجه دوم)

حکومتی با

- ۱- شخسک (درجه دوم) علاقه های آن (درجه اول) (۱) نهر چیتال
- (۲) چهار بلاق ۲- درزاب و کرزیوان (درجه دوم) ۳- دره نشتو
- (درجه دوم) ۴- عوض ایل بیگی سرپلی (درجه دوم)
- ۵- عوض ایل بیگی عرب سیاه خانه (درجه دوم)
- ۶- نهر دولت آباد (درجه دوم) علاقه های آن (درجه اول)
- (۱) نهر شورپه (۲) نهر ارغنداب و عبد الله
- ۷- سنگ چارک (درجه اول) علاقه های آن
- (۱) بونقره ایل بیگی - قوچی (درجه اول) (۲) کنده و بلنج آب (درجه دوم)
- ۸- نهر آقچه (درجه اول) علاقه آن - فیض آباد (درجه اول)





۹- اندخوی (درجه اول) علاقه آن دولت آباد (درجه دوم)

۱۰- سرپل (درجه اول) علاقه های آن (۱) شبرغان

(درجه اول) (۲) هزاره ناکلین و مالدار افغانیه (درجه دوم)

(۳) قورچی و کوهستانات (درجه دوم) ۱۱- تاشقرغان

(درجه اول) علاقه های آن (درجه اول) (۱) ایبک

(۲) دو آب دروهی

میمنه

یک صد و پنجاه میل بطرف جنوب مغرب بلخ شمس

میمنه در میدانی در میان تپه ها واقع است و فصیلش دوازده

بلندی و پنج فست خنک است دارد - چهار دروازه است

با برجهای در گنج - محیط فصیل دو میل است - درون شهر بازارها

کهنه است - علاوه بر مساجد و مکتب طرز قدیم داشت
که حالا مثل دیگر بلاد افغانستان بمکاتیب جدید تبدیل و
اصلاح یافته اند .

علاقه میمنه بسیار حاصل خیز است و تجارت
و صنعت فروغ زیاد دارد - زاج و شوره و گوگرد پیدا میشود .
ایلی میمنه مرکب اند از ازبک و تاجیک و بهراتی و افغان
و یهودی و هندی و اینهمه مانند باشندگان دیگر اضلاع
افغانستان ملت افغان گفته می شوند .

حکومتی اعلای میمنه

قریه ها

(۱) مالدار افغانیه (۲) کوزاب (۳) شاگردیشه (۴) کنش پوچی

۱۱۲

علاقه ها

- (۱) بیرون سونه بالا و پایان (درجه دوم) (۲) تگاب شیرین
و آستانه و غارتیه (درجه دوم) (۳) کوهستان (درجه دوم)
(۴) المار - قیصار (درجه اول) .

قطغن و بدخشان

در حد مشرقی افغانستان واقع است - بشمال
و مشرق آن مجری دریای آمو است و بجنوب و مغرب
هندوکش - بمشرق سطح مرتفع پامیر واقع است - بدخشان
در وادی بالا و دریای کوچیکه کائن است - اگر بیشتر علاقه
کوهی است اما پلین و ادویه حاصل خیز هم بسیار دارد
مردم تاجیک و ترک و عرب و افغان و برخی شیعه مذاهب اند

سرمایه‌هایت شدید می‌باشد حتی ده‌ها از برون
و دریاها از تخریب بسته می‌گردد. به سبب جنگل‌ها باران بسیار
می‌بارد. زراعت و ثروت معادن نیز بسیار است
در وادی کوچکی که کوه‌های نمک و گور و قریب فیض آباد
آهن موجود است. لعل و لاجورد که بدخشان را شهر آفاق
ساخته بکنار راست آمو دوازده فوٹ بالای آن نزدیک
اشکاشم و کوچکی و در غار آن یافت می‌شود در بعضی جاها
چشمه‌های آب گرم جاریست (حکیم ناصر خسرو از جرم برده بود)
قطعات متعدده حاصل خیز فیض آباد را تشکیل می‌دهند
علاقه کوچکی فیتل و شیوه بسیار آباد است. در تمام
بدخشان سطح مرتفع شیوه خوبترین و بزرگترین مرغزارهاست

۱۱۴

درین یک بنادب بنام سرکول واقع است. سطح مرتفع
ارغو پانزده میل طول دارد و هشت میل عرض. در فیض آباد
و نواحی آن باغات اثمار و از پار بیشمار است. ظروف
آهنی و کفش و موزه و الاچه در اینجا تیار می شود که بامیرش
ابریشم و نخ می سازند.

همرم بسیار و دایه های حاصل خیز دارد و معادن لعل
و لاجورد و سرب و زاج و نوشادر و گوگرد و مس و غیره
در اینجا موجود است.

دشت بهارک یک میدانی وسیع است که
پانی تحت بدخشان بود. دماست بسیار در اینجا آباد است
و کلان شوندگان درین مواضع میلاق میکنند.

کاروانها ازین مقام میگذرند -

واخان در حد شمال مشرق وقوع دارد و بر دو دلی
دریای پنجه شتمل است - بهر دو طرف کوههای بلند است
بطرف جنوب حصه شمالی هندو کش است که قله پای
دشوار گذار دارد آسان ترین اینها بروغل است -
و دانه هزار فف بلند که بچترال و گلگت میرو - کله پای
گوسفند خوش گاو سر پای مردم میباشند - واخان
به سبب ارتفاع زیاد قابلیت زراعت ندارد حتی آنان هم
پوره پنجه نمیشود - چراگاه بسیار است و بعض جایها
جود غیره کاشت میشود - مثل پامیر پست ترین مقامات
۸۰۰۰ فف ارتفاع دارد و سرحد که بلندترین است ... ۱۱ فف

بلندی دارد .

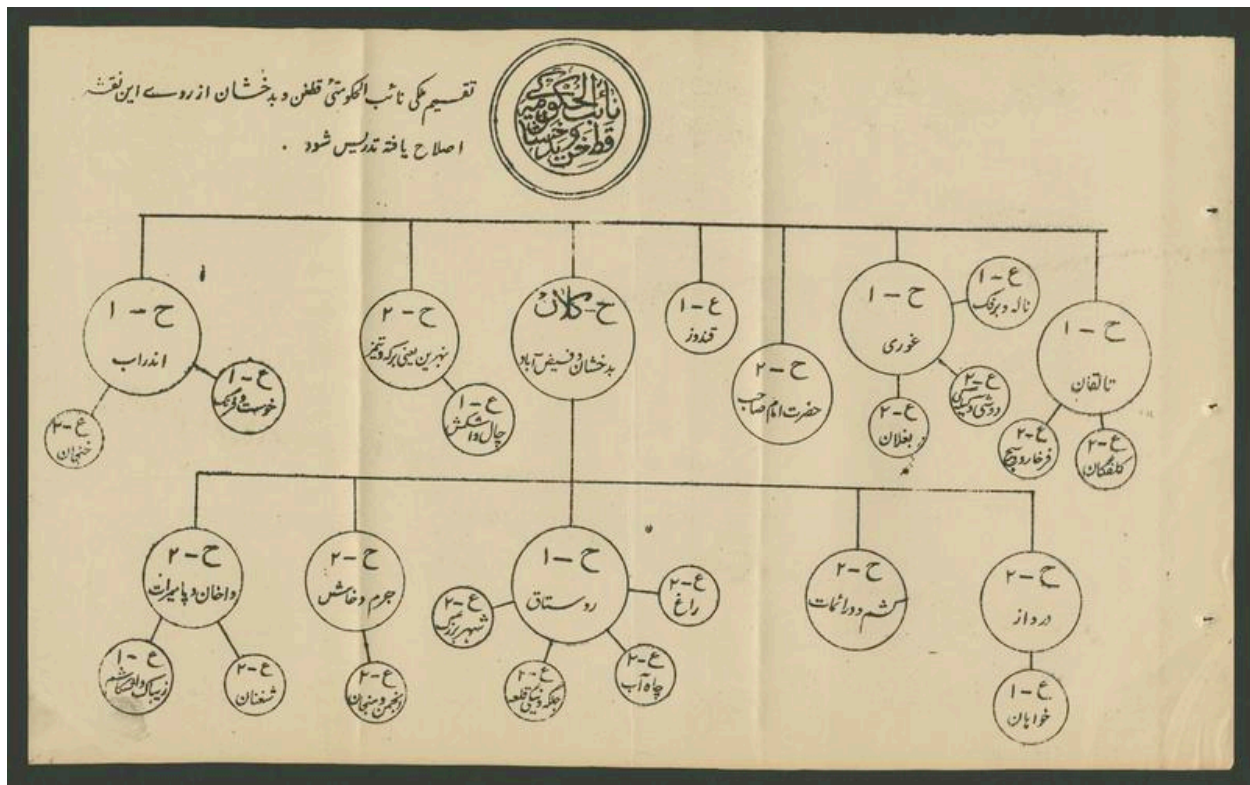
حضرت امام در میدان شاداب واقع است .
یک قلعه دارد که گرد آن خندق است . بیست و پنج هزار
خانه دارد . در زمان قدیم این قصبه بنام ارهنگ مشهور بود .
اندراپ که بدین کوتل خاداک واقع است
در عهد سلاطین سامانیه دارا الضرب داشت غالباً
بوجه گانهای نقره که در پریان بود .

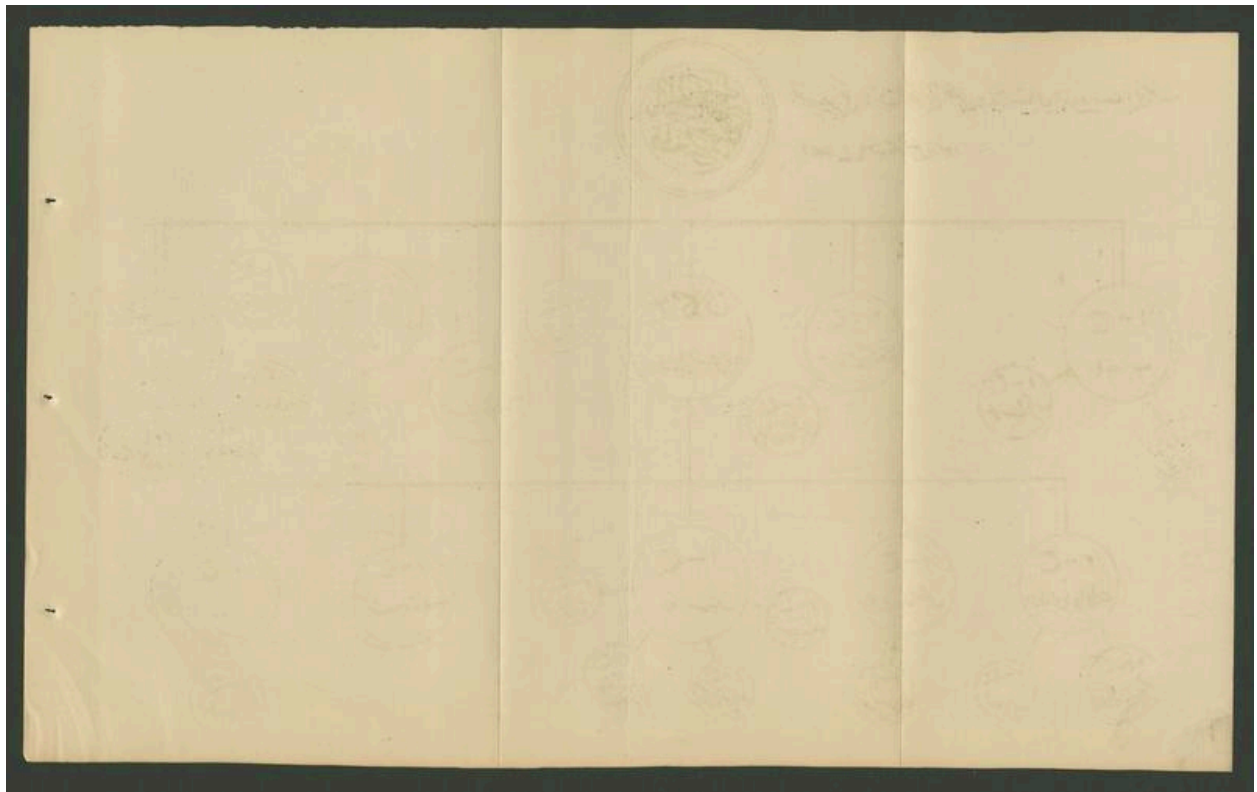
تالقان قلعه دارد که آنرا چنگیز محصور نموده بود . مراد بیگ
این را پای تخت خود ساخته بود . تالقان تقریباً سی هزار
خانه دارد .

در بهشتان عموما گندم و شالی و نخود و باغی و پهنه

و کوکنار و سیب و انگور و توت و آلوپا و جوز و خربزه
و تربوز و کدو و شلغم و ترب و زردک و اسفناخ
و کندنا و درخت های بی ثمر برای عمارت می شود
توت غذای خاص است و تربوز در بعضی راههای بی آب
به منزله آب خورده می شود .

خن گاو که اسپ دم هم میخوانند شش بسیار
میباشد مردم گله های آن و اسپ و گوسفند و بز
و شتر و یابو بکثرت دارند از حیوانات وحشی روباه
و گرگ و شغال و خرس و گراز و آهو و شیر و از
طیور کبک و تندر و ذراغ و سبزه قبا و مرغ دشتی
و قسی از باز پیدا می شود .





۱۱۸
ولایت قطن و بدخشان

حکومتی قطن (خان آباد) (علاقه های آن)

(۱) نهرین و اشکس (درجه اول) (۲) قندز (درجه اول)

(۳) برک و تیز (درجه دوم)

حکومتی های آن

(۱) خوست - فرنگ (درجه دوم) (۲) تالقان (درجه دوم)

اندراپ (درجه اول) (علاقه آن - خجنان) (درجه دوم)

(۳) غوری (درجه اول) (علاقه های آن) (درجه دوم)

۱ - تاله و برتک ۲ - بغلان ۳ - دوشی .

۱۱۹

حکومتی کلان بدخشان

قریه ها

چیت و شورابک ترکنی قشقار بتاش باغ شاه
کری حصار لای آیه لیشی خانقاه باغ مبارک بای مله سی
اوسطی یفتل بالا یفتل پایان .

علاقه ها

(درجه دوم) ۱- شغنان ۲- انجمن ۳- راغ ۴- شهر بزرگ
(درجه اول) ۱- کشیم و درایمات ۲- زیبک اشکاشم و غزال
حکومتی ها (درجه اول)

(۱) چاه آب و رستاق (۲) و اخان و پامیر
(۳) درواز (۴) جرم و خاش

اهالی افغانستان

تعداد نفوس وطن عزیز ما تخمیناً یک و نیم کرو است که
از روی حمیت و دیانت شجاعت و دیانت بر مضاعف
خود غالب می‌آیند. اگرچه ما علاوه بر باشندگانیکه
در همین ملک مقدس از ابتدا سکونت داشته‌اند
مجموعه اقوام مختلفه ایم که از مصر و شام و عرب ایران
و تاتار و یونان و هند وستان درازمنه متفرقه آمده
در اینجا ساکن شده اند اما با وجود اختلاف انساب
آن یکن منکره عشرون صابرون یغلبوا ما بین - اگر اوشما
هیست نفر مابت قدم باشند بر دولست غالب می‌آیند

۱۲۱

همه ما یک ملت و احد افغان شمرده میشویم و آن در قبال جدا گانه
منقسم است -

(۱)

درانی

این قبیله جلیله تا عهد احمد شاه بنام ابدالی مشهور بود
زیرا منسوب بابدال می شد که یک بنیره اشش زیرک
چهار اولاد داشت پوپل زائی - الکو زائی - بارک زائی - موسی زائی
و دیگرش پنجپای پدر نور زائی - علی زائی - اسحق زائی - خوکینی
و ماگو گفته می شود - سدوزائی شاخ نیست از پوپل زائی و احمد شاه
و تیمور شاه و وزیر شاه و لیخان سردار جهان خان دین شجره داخل اند
محمد زائی طائفه ایست از بارکزائی و وزیر پائنده خان و وزیر فتح خان

۱۲۲

و وزیر اکبر خان و امیر کبیر دوست محمد خان الی امیر غازی ما
 اعلیٰ حضرت امان الله خان باین تعلق دارند .
 (در خاتمه اول نام طائفه و تعداد تخمین و چه پیش از آن
 مسندرج است و در باقی جدول مکن)

در جنوب قندهار و ارغسان	بارک زائی
و بکنار بلمند و در دیگر مقامات	پنجگاه هزارخانه
خاکریز و حصه کوهی بشمال قندهار و مشرق آن و بجنوب	مالداری ملکداری
در ده ذاکرو بالاقرص و شوراندام و زارست و (مصفا)	ملازمت دولت
گرشک و بمغرب بلمند و کرسیر و غرب ارغنداب .	پوپیل زائی
در شاداب ترین علاقه در انیان یعنی مشرق قندهار و شمال غرب	۲۵ هزارخانه
ارغنداب پنجوائی و شمال مغرب خاکریز و شمال مشرق بلمند و غیره	مالداری ملکداری
(امیرخان عبدالغنی خان و وزیر یار محمد خان زین طائفه بودند)	نور زائی
کرسیر و ده راوت و کوهستان شمال شرقی هزاره جات	۵۵ هزارخانه
و فراه و سبزدار تا مهرات و بجنوب قندهار	مالداری ملکداری
و سیروان و مشرق ارغنداب .	

۱۲۳

علاقه شان زمیندار است و حد فاصل مابین ایشان	علی زائی
و علكو زائی در پای هلمند می باشد .	۲۵ هزار خان
	مکداری
	۱۰ هزار خان
در گرسیر به موضع و نیز در رادوت و غیره	۲۵ هزار خان
(این طائفه هم در پنجای داخل است)	مکداری
از مغرب کند بار بکنار غناب تا قلعه بیست و چند موضع	اسحق زائی
در چک بمشقی پلند و گرسیر و فراه و سبزوار	۱۵ هزار خان
و لاشن و جوین و شمال سیستان و بلخ .	مکداری لیدی
در خواجه عمران توبه بعلاقه کوهی کوسفندها دارند و بشمال مشرق	اچک زائی
شورابک در صحرا شتر با (این طائفه در بار زائی داخل میشود)	۴ هزار خان
	مالداری

موسی زائی کم تعداد دارد و در قندهار و غیره ساکن است .
 آکو و خوکسانی نیز نسبت بدیگر طوائف کم اند و در قندهار
 و غزنی و غنیه سکونت دارند .

علی زائی در پنجاب بکثرت رفته در راولپنڈی تقریباً
 بیست و چهار قریه آباد کرده اند .

۱۲۴

محل تعداد در اینان تقریباً بیست لک است .

طائفه ترین

ترین در شجره پدر ابدال است و دو پسر دیگر داشت

تورترین و سپین ترین (در اینان ضرب المثل دارند

که ترین ی خیم پلاری)

در پیشین جنوب علاقه در اینان - ملکیشان	تورترین
تقریباً چهل میل طول دارد و سی میل عرض	۹ هزار فاضل
	ملکداری و تجارت
	بستان
در علاقه که از پیشین تا کوه سلیمان امتداد دارد	سپین ترین
ده دادی ژوب و عنبره	۴ هزار فاضل
	ملکداری بالایی

قوم شیخ بدینی

این طائفه در سرحدات تقریباً شش هزار کس اسلحه بردار دارد

۱۲۵

و در هندوستان هم بسیار آباد شده است - قبیله عظیم
غلزائی از نسل دختر بطنی گفته میشود که در طوائف زیاد منقسم است -

جنوب مشرق قلات غلزائی و شمال مشرق قندهار که سرحد و غیره	هونک
یک نیم هزار خانه شازانه شاه به ایران که چارو حاجی میرزا	۱۴ هزار خانه
و شاه محمود و شاه اشرف فاتحان ایران ازین طائف بودند -	ملکداری
در کلات غلزائی از چیل سنگی تا علاقه شبر شمال	توخی
هزاره جات و میزانه و دادی ناده و مرغند و خاکان افغانان	۲۵ هزار خانه
در کله و از و زمرست و نانی و لندرو و نواحی جلال آباد	سلیمان خیل
و غیره (طوائف احمدزائی و غیره درین داخل اند)	۴۰ هزار خانه
	ملکداری و کوچی
	علی خیل
	۱۴ هزار خانه
زمرست و غوست و مقرو و غسیره	ملکداری
	آکاخیل
در مقرو و جائه های مختلف افغانستان	۳۰ هزار خانه
	شترداری کلیم بانی

۱۲۶

در علاقه شکر و غنیره	اثر
	۲۴ هزار خانه
در مقر و ناده و غنیره	ملکداری و غنیره
	ترکی
در مقر و ناده و غنیره	۲۴ هزار خانه
	سوداگری مالذری
خردار و زرمست و پنهان و بیگیتوت	استحقاقی
	۱۱ هزار خانه
دنگاب و لغمان و غنیره	سوداگری و غنیره
	ناصر
در علاقه کوپدا من کاه دره (کل دره)	۲۴ هزار خانه
	سوداگری مالذری
شکر دره و حاجی گلک و غنیره	خرونی
	۱۰ هزار خانه
در علاقه از مشرق کله داز تا کوه پرل	مالذری کوچی پرمند
	در کوه سلیمان و غنیره
در مقر و نزدیک قندهار و غنیره	زاد و زانی
	۴۴ هزار خانه
	بهار مست
	زراعت

۱۲۶

در جاهای متفرق از کابل الی قندهار

ژمریانی

۳ هزار خانہ

تجارت و غیره

خدو زائی و ژمریانی بسیاری هم منسوب میشوند
و بهین نسبت بسی طوائف افغانه معروف اند مثلاً
شاه محمود هوتک پسر حاجی میرویس خان بهین نسب
سکه زده بود. بهر حال همه طوائف در ملت افغان داخل اند
بعضی غلزائی را ترکی النسل می پندارند بهر کیف این طائفه کلان
ملت افغان بر تقریباً بیست و هفت کاک مردم مشتمل است.

افغانه لودمی

این طائفه در ثروت و حکومت در زمان قدیم تقدیم نموده بود
اول در ملتان حکومت داشته سپس در دہلی پادشاهی ورزید

۱۳۸

بعض قبائل لودی در سوداگری سبقت مینمایند و ماورای
افغانستان در هندوستان بسیار آباد اند - تقسیم اینها
در ذیل است :-

پرتگی - این طائفه در افغانستان نادرالوجود است بهلولی

و سلطان سکندر و سلطان ابراهیم افراد دراد

این طائفه گذشته اند که در دہلی پادشاهی کردند .

سوری - این هم در افغانستان شاذ است - سلطان شیرشاہ

ازین طائفه بود که در دہلی پادشاہ عظیم و صاحب عزم

گذشته است .

نیازی - در قندهار و غزنی و شیوکی کابل کوچی گری میکنند

تعدادشان کم است .

دوتانی - چند صد خانه در سرحد دارند و تجارت و زراعت میکنند
تور - چند صد خانه در نانک داشته تجارت و زراعت میکنند

لوحانی

این یک حصه طائفه لودی است که بچند قبیله
منقسم است مثلاً خیو و پلج و مروت که در بنو سکونت
دارد آما و شاخ مشهورش میاخیل و دولت خیل است.
میاخیل - در علاقه دره بن سکونت داشته در تمام
افغانستان اموال تجارت می برند - در پوشنده با
مشهورترین میباشند - شش هزار خانه دارند
و قوم نجیب و شریک حال شایسته
دولت خیل - بسیارشان در سرحد و بعضی در کامنده

۱۳۰

وزمه و کافر قلعه و جوار کابل ساکن اند تقریباً

۱۴ هزار خانه دارند - زراعت و تجارت

کسب شانت .

سروانی

این را از اولاد سردانی می شمرند که برادر

لودی و غلزائی بود و اینها یسران شاه حسین غوری

از بنت شیخ بٹنی گمان می شوند صرف نوابان بالیر

کوٹله درهند اولاد سردانی باقی مانده اند.

تعداد طائفه لودی در افغانستان تخمیناً سه لک

نفوس میباشد .

۱۳۱

اولاد کرطان

در شجره مروجۀ افغانان درانی و برورانی از نسل
 سره بن گفته می شوند از پنجم ارمر که پسران زیاد داشت
 سید عبداللہ کرطان را پنجم خود خوانده بود قبائل حلیل القدر
 افغانه از او پیدا شدند مثلاً دلازاک - اورک زائی - مگل
 مقبل - خوگیا نی - آفریدی - خشک - وزیری - شینک

جدران اتمان خیل و غصیره :-

طائفه	تعداد	کسب	مکان
دلازاک	چند خانہ	تجارت و غیره	در سرحدات
اورک زائی	سی ہزار آسمند	تجارت و غیره	سرحدات
مگل	۲۰ ہزار نفوس	مالداری	سمت جنوبی

۱۳۲

مقبیل	چند صد خانه	مالداری غیره	خوست و غیره
خوگیانی	۱۱ هزار خانه	ملکداری مالاری	شمال مغرب سین
آفریدی	۴۰ هزار سلیمان	مالداری ملکداری غیره	سرحدات
خٹک	هشتاد هزار نفر	زراعت تجارت	علاقه وسیع در حد فک
جدوان	۲۰ هزار نفر	ملکداری	خوچ شمشق روست علاقه سرسبز
اتمان خیل	۲۰ هزار خانه	میدوه فروشی غیره	کوداسن و علاقہ یوسف زائی
جاجی	۲۵ هزار نفر	مالداری ملکداری غیره	شمال مغرب خوست
قوری (شیخه)	۱۶ هزار سلیمان	رمداری زراعت	شمال خوست در حد
پڑیہ	۱۰ هزار نفوس	زراعت تجارت	در خوست
درمان	سصد هزار نفر	زراعت تجارت غیره	دریکه خوست

۱۳۳

وزیری شستل بر اتمان زانی احمدخان سپهسالار	۸۰ هزار اسلحه بند	ملکداری و غنیمت	خیسور دوز کرم کوه گبر
گرنه وزیری	ده هزار نفر	ملکداری مالذاری	خوست
لالی وزیر	ده هزار اسلحه بند	زراعت تجارت و غیره	شمال مغرب سین
دوژ	۲۰ هزار اسلحه بند	نامدار نیستند	نزد علاقه دوزیری
تنی	۴ هزار اسلحه بند	ریمه داری و تجارت	درگاه صاکن گوشه و غنیمت

از نسل کرژان دیگر قبائل در خوست بتعداد

هفت هزار نفر میرسند - گل شان در افغانستان
و سرحدات و غیره تخمیناً پانزده ک نفر میباشند

قوم شیرانی

اکثر این طائفه در کوه سلیمان بود و با شش دارند

۱۳۴

دکب شان خرید و فروخت چوب و زراعت است
در قبائل متعدد منقسم اند. مثلاً بریپال جلوانی
میان غرشین اما مشهورترین شان بابڑ است.
(غرشین را از اولاد بلال میگویند).

بابڑ	تقریباً یک نفر	تجارت دافر	قصد دارد که بلوگر کنز و غیره.
------	----------------	------------	----------------------------------

مطالع

در شورابک و نزد سیستان و بکنار بلند
و قلعه بیت سکونت دارند. یک شهر بنام شان
در هندوستان آباد است. تعدادشان در فغانستان
تقریباً پنجاه هزار نفر است. شتر برای بار برداری و غیره

۱۳۵

بسیار نگاه میکنند .

ارمژ

در کار نیگرم و برکی برک و بعضی علاقه های افغانستان
و سرحدات و هندوستان سکونت دارند. بمثانت
و صلاح معروف عموماً مملکداری میکنند. تعدادشان
تخمیناً چهل هزار نفر است. - پیرودشان ازین طائفه بود که
با اکبر جنگ آزمائی کرده فوج مغل را هزیمت داد .

یوسف زائی

علاقه این قبیله کلان بشمال بنیر در وادی سوات
و چله واقع است اکثر مملکداری میکنند و بعضی مالدار ی-
تعدادشان تقریباً دو لک است شعبه کلان یوسف زائی

۱۳۶

مندر زائی است که بنوع تقریباً سه لک نفوس دارد - از سکند
تا بابر و غیره همه حمله آورانی هستند از علاقه اینها گذشته فقط

مملکتیانی	ده هزار خانہ	ملکداری	مابین دریای کابل و سوات رود آبه
ترکمانی	هفتاد هزار نفر		باجور و نواح آن
صافی	۲۰ هزار خانہ	ملکداری	سورکر نزد باجوڑ و کوه صافی و غیره

اگر دیگر الوسبهای را که همراه این سه طائف ساکن اند
شمار کنیم تعداد کل تقریباً به دو لک میرسد
غور یا خیل

مهند	۲۰ هزار خانہ	ملکداری مالیری	میدان پشاور
------	--------------	----------------	-------------

۱۳۷

برهمنند	۱۳ هزار خانه	ملکداری مالذری	در کوهها
داؤد زائی	۲۰ هزار خانه	" "	جنوب دریای کلل
خلیل	۲۰ هزار خانه	" "	میدان پشاور و قندهار
چکنی	۱۰ هزار خانه	" "	شمال گرم دسپین غر و غیره

زیرانی و ملاگوری در سنگنههار سکونت دارند
 و بعضی در تاتره - کسب شان زراعت است
 اینها در جمع تاجیک هم شمرده می شوند اما همه افراد
 ملت افغان میباشند - تعداد غور یا خیل مع شوب
 مشلقه آن تقریباً بخش کک نفر بالغ می شود .

۱۳۸

زمنند

این طائفه اول در پشنگ سکونت داشت - یک شعبه آن
خویشگی در غور بند ساکن است و دیگر شعبه اش ممن زائی
در علاقه یوسف زائی ملکداری میکند - تعداد خانه های زمنند
تقریباً ۱۵ هزار نفر میباشد .

کالنسی

این قوم در جایهای متفرق افغانستان سکونت
در زیده است - قبیلۀ مشهور این شنواری است
که بدرۀ خیبر و غصیره آباد است - بصنعت و تجارت
می پردازند - دیگر شعبۀ معروف سنگوخیل است که
بقعده شش هزار خانه سکنه مغرب سپین عزاند -

۱۳۷۹

محل تعداد کانی تقریباً یک و نیم لک است .

غوغشت

بقرار شجره افاغنه سطره بن بیٹی غوغشت سه فرزند
ملک عبدالرشید خان قیس بطلان اند. حالا غوغشت
بنام کاکڑ موسوم است که در جنوب مشرقی افغانستان
بر تپه های کوه سلیمان و توبه سکونت دارند نصف
قوم در زراعت مشغول است و باقی در تجارت
ورمه داری و صنعت. شعبه کلان کاکڑ پنی است که
در علاقه سوی ساکن بزراعت و تجارت نیل می پردازد
تعداد شان تقریباً یک و نیم لک است. بانی نزدیک
قندهار و قلات نصیر تاجران متمول اند. تقریباً

۱۴۰

هفت هزار نفر میباشند. مسند و خیل بهر دو ثوب
زراعت در مه داری میکنند. ناغرد ادوی و دیگر قبائل
نیز بکارها شامل اند مثلاً تائینی که در جمله چهار ایماق
بکوه سیاه در غور سکونت دارند و گدون که بجنوب
مهابن در بیست قریه آباد اند و بختیار و دیگر طوائف
که در سرحد ساکن اند. تعداد تمام کاکڑهای افغان
تقریباً به یک نفر میرسد.

اولاد سید محمد کیسودراز

اگرچه استرانی و مشوانی زور رک و مہنی را
بسیادت منسوب میکنند اما با وصف آن این همه
طوائف افغانان خالص میباشند و حصہ ملت

۱۴۱

افغان گفته میشوند- تعدادشان تقریباً دو لک نفوس است

استرالی مشتمل بر کسندۀ پور	هفتاد هزار نفر	زراعت و تجارت	جنوب علاقه بابر و سرحد
هنگی مشتمل دو مشتمل	۴۵ هزار نفر	زراعت و جناس فروشی	جنوب مشرق چین و کوه گرم
وردک مشتمل میر خیل نورئی	بیست و پنج هزار خانہ	ملکداری و ملازمت سرکاری	شرق هزاره جات و غرب لوگر و زنگی و شرق آباد شیر نو خانہ و سیاب و جغتو
مشوانی مشتمل لودین	دو هزار خانہ	زراعت و تجارت	قدقهار و سرحد

خوندی

در قدقهار و فواحی آن بتعداد قلیل سکونت دارند

بسیار و معنونی اند اما بطائفه غرغشت تعلق

دارند .

۱۴۲

سپندی

در پیشنگ زراعت و تجارت میکنند و با طائفه
ترین شامل میباشند .

سادات

بعضی سادات در کابل و کنز و کوهستان پشین
و میر قریه افغانستان سکونت دارند و دیگر طوایف
افغانه مترادف نگشته اند با وجود آن جزو ملت افغان
میباشند اکثرشان مملکداری میکنند و تجارت نیز
میپردازند چنانچه سیدان پشین خیلی تجارت مسمول اند .

قریش

در تعداد از سیدان کمتر اند و مثلشان در هر علاقه

۱۴۳

چند خانه دارند ملک داری و اماست مساجد میکنند:

عرب

در جلال آباد و کابل و ترکستان و غیره سکونت

دارند. زراعت تجارت و دکانداری و غیره میکنند

بنگش

عموماً در سرحد ساکن اند و شجاعت پیشه اند

بذریعه قاطر و زنگاد بار برداری میکنند. تقریباً

بسیست هزار خانه دارند.

تاجیک

این طائفه عظیم ایشان در هر حصه افغانستان

موجود است. در کابل و غزنی و پنجشیر و غور بند

۱۴۴

و هرات و ترکستان و سیستان و ننگرهار و غیره تعداد کثیر
دارند. سوداگری شان باعث رونق و فروغ بلاد
افغانستان است. زراعت هم میکنند. مثل افغانه
والاور و بهار در هر جوان شان اسلحه بند است.
تاجیک قسم معتدبه ملت افغان است و تعدادشان
تقریباً پانزده لک نفوس است. از پنجمله سه قبیلہ شان
مشهور است. (۱) برکی که در تخاک و برکی برکی ابلان
و غیره سکونت دارند در جمع تاجیک ممتاز شمرده میشود
(۲) فرطی که در قلعه بیست بغرب بلند و کابل و لوگر
آباد است و مثل دیگر تاجیک با بزراعت و تجارت
می پردازد (۳) سه دهی که بمشرق و جنوب غزنی

۱۴۵

در سرده سکونت دارند.

هزاره

شکل و شباهت اهل چین و جاپان دارند زیرا غالباً
از نسل مغل میباشند. چنانچه یک طائفه هزاره نزدیک
مرغاب بنام مغل موسوم و بهمان زبان گویاست باقی
هزاره با در فارسی حرف میزنند. چنگیز آنها را در کردیهایی
هزاره منقسم نمود و این وجه تسمیه شایسته در نزد ابرار
مینامد علاقه شان شمال مغرب افغانستان است
که مشتمل است بر وادیهای بالامرغاب و بلند و هر دو طرف
سلسله هیندوکش تا اندراب و علاقه کوهی بامیان و حصص
شمالی دریای بلخ و مرغاب و هری رود. رقبه علاقه شان

۱۴۴

تقریباً سه هزار مربع میل است - درین علاقہ حالا افغانان کم
سکونت گزین گشته اند و مردم هزاره در دیگر علاقہ پانسم
جای گرفته اند - تعدادشان تقریباً پانزده لک است -
بعضی اوصاف خاص دارند مثلاً تحمل و زحمت کشی و نشان
زدن و شہسواری - باره و خود میسازند - مرض جدری بر آنها
کم اثر میکند - پیشتر بطور غلام و کنیز خرید و فروخت میشدند
اما اعلیحضرت غازی این داغ را قطعاً از ناصیہ شان
برداشتہ مثل دیگر قبائل شیعیہ اینہارا نیز داخل ملت
افغان فرمودہ .

ایماق

اینہارا چار ایماق ہم میگویند چہ مشتمل اند بر تائینی

۱۴۶

فیروز کوهی جمشیدی و هزاره‌ستانی اکثرشان خانه بدوش اند
در مرداری گوسفند و شتر و گاو و اسب پیشه‌شانست
مثل مردم پامیر گوشت اسب هم می‌خورند. علاقه‌شان
غور و فیروز کوه و میادین وسیع در میان جبال سبزوار
و غیره است. تعدادشان تقریباً هفتک می‌باشد.
کیانی

این طائفه از اولاد کیکاووس استم گفته می‌شود.
مسکن‌شان سیستان و قندهار و هرات است
ملکداری و ملازمت سرکاری ذریعه معاش‌شانست
تقریباً یک و نیم هزار خانه دارند.

۱۴۸

مغل

این طائفه بقیه النسل شاهان دیشان مغل است
که در زمان قدیم بر اکثر ممالک تسلط داشتند در دهات
بهرات و کوه جمشیدی و علاقه غزنی و غیره سکونت دارند
و بعضی شان زبان ترکی بهم میدانند. تعداد خانه های شان
تقریباً سه هزار است.

تولباشی

غالباً ترکی النسل اند. نادرشاه اینهارا از ایران
بافغانستان آورده - حالا اکثر ده شهرها بودو باش دارند
پیشتر در رساله و توپخانه ماهر فن عسکری بودند الان در علم
و ادب فضیلت دارند - بسیار شان در کابل و باقی

۱۴۹

در قندهار و نهرات میباشند. بسبب مذهب تشیع
مردم بیات را با آنها شامل میکنند اما آنها گرو
تقریباً هفت هزار خانه دارند.

ازبک

در مقروض بعض دیگر علاقه با قندهاریان تقریباً
ده هزار نفوس است و در ترکستان هفت لک
زراعت و تجارت و ملازمت سرکار میکنند.

دیگان

در کنر و باجور و لغمان سکونت دارند. زبان
شانز لغانی میگویند که بیشتر الفاظ هندی دارد. از
قبل الاسلام درین علاقه با بودو باش داشته اند.

۱۵۰

هندکی

این طائفه مشتمل است بر چند قبائلیکه از هندوستان
آمده در افغانستان آباد شدند- مردم جت که در مشرق
افغانستان و در سیستان اقامت گزین اند اگرچه بنام جت
در پنجاب هم بسیار اند اما تعلق شان با نکرده و چپسی که
از اچیت مشتق است ینمایند (بجای منسوب در یورپ هم
میکردند- کسب شان خدمت ملکاری و سازندگی
و جمائی جاروب کشی و اسب فروشی و غیره میباشد.
مردم پراچ در کابل و غیره تجارت میکنند- یک طائفه
پراچی در خراب زمین قسم زبان هندی دارند- مردم
ادان در مشرق افغانستان آباد اند و این قبیله پنجاب است

۱۵۱

هندو

در اکثر شهرهای افغانستان هندوان چند خانه دارند
اما اکثریت شان در مشرق است - دکانداری و زرگری و غیره
میکنند - اینها با سهندگان قدیم نیستند بلکه در عهد شاهان
دلی چون افغانستان به هندوستان ملحق بود در اینجا
آمده آباد شدند - مردم سکه نیز در بعضی دیات سکونت
دارند - کل هندوان تقریباً یک - و نیم لک خانه دارند.
شمانی

اول سکنة علاقه شلمان بکنار دریای کرم حالا
در علاقه پیرسف زائی بمنزله همسایه شان آباد گشته اند.

۱۵۲

تیراهی

این طائفه در تیراه بُت پرستی میکرد تا محمد غوری
مسلمان شان ساخته در شنوار آباد نمود. زبان شان
از پشتو و هندی مرکب است.

کشمیری

در سوات و باجوړ و لغمان و از شمال افغانستان
تا کابل و قندهار یافته میشوند و صورت معاش اکثر شان
شالبارانی خیاطی و غیره است بعضی در خدمت دولت
مصرف اند.

گرو

اکثر در کابل و نواح آن و غزنی سکونت دارند

۱۵۳

و بعضی شان زبان کردی میدانند - کسب شان ملکداری
و کانداری و سپاهگری و غیره است - در کل ملک تخمیناً
شش هزار خانه دارند .

لینکی

چند خانه شان در فراه یافت میشود - اینهارا

نادر شاه از قفقاز آورده در آنجا آباد کرده بود .

۱. علاوه بر فارسی و افغانی که زبان ملی ماست ، دیگر السنه هم در بعضی مواضع رایج

دارد - مثلاً در مری در هرکی برک و کانیکرام پراچی و پیشی در خراسان

شغنی و جدیدی بدره های نورستان و غیره ترکی و هندی و برنی

و دیگر زبانها .

۱۵۴
قلماق

از نسل تاتار اند. چند خانه شان در تمام ملک
یافت میشود.

حبشی

اول بلور غلامان آورده شدند. در بهرات و غیره
تقریباً سیصد خانه دارند.

یهودی

در بهرات و بلخ سکونت دارند. دولستان خانه ها
شانست عموماً تجارت میکنند.

بلوچ

اکثر شان بجنوب میمند و بعضی در کابل و غیره بودند.

۱۵۵

میکند- برای محنت کشتی معروف اند .

دولت شاهي

بقريش منسوب میشوند و قاضی و مفتی از اینها مقرر

میشوند- اکثرشان کاشت و تجارت میکنند- تقریباً

چهار صد خانه دارند .

علاوه بر قبائل متذکرة الصدری دیگر الالسی در ملکها

متوطن اند و همه متفقاً ملت افغان نامیده میشوند- اکثرشان

بنام اوطان سابقه و حاضره یاد میشوند مثلاً سیستانی- کرمانی

برجندی- قاشی- مشهدی- سلغری- کاشغری- اندالی- خشی- شغنی

و غیره که در بر علاقه افغانستان بحجج فارسی و آنان شمار

میشوند- جدیدی یعنی ایالی جدید الاسلام نورستان

۱۵۶

در زمان کفر خود بقبائل سفید پوش سیاه پوش منقسم بودند حضرت
 ضیاء الملک الدین مرحوم اینها را مشرف باسلام ساخته سیاه پوش
 شان را در کابل و کوگرد جلز آباد کرد پس در عسکرا داخل کرده شدند
 و زندهای شان بجز مساری شاهانه چون کنیزان امیر شهید چندی بود
 در عهد اعلی حضرت غازی از آزادی عام بهره ور شدند و پس در ویش
 اکثر شان محروم کرده بعضی در عسکرا بقیما شدند اگر چه خود را بقریش
 نسبت میدهند اما باشندگان اصلی این ملک میباشند و امیرش یک یونانی
 از آنوقت دارند که سکندر از علاقه شان گذشته برهند حمله برد

یا ایها الناس ان الله قد مکرمکم و انفق فیکم و جعلناکم شعوباً و قبایل
 لتعارفوا - ان الله مکرمکم عین الله اذقکم - ای مردم شما را از مرد و زن
 پدید آوریم و طائفه طائفه و قبیله قبیله تان ساختیم تا با یکدیگر
 شناسایی کنید - الهی از خدا معززترین شما آنکسند که از میان شما در پی میزگاری راستی
 بهترین اند

۱۵۶

آثار عتیقه

(۱)

در نواح کابل نزدیک چکری دو منار سیاه و سفید
و بعضی علامات معابد دیده یافت میشود که تمدن دوتیمند
قدیم را یاد میدهد .

(۲)

بشمال کابل در کوچه امن مقامات بلاد قدیمه موجود است
و کلانتر آنها در گرام است که از آنجا هزار پاسکله برآمده
نشان تسلط سکندر و غیره را میدهد .

↑ و کاین من قریه کانت ظالمة ففهی خاویة علی عروشها فبشر معطلة
و قصر مشید - چندین قریه بائیکه اهل آنها ظالم گشتند بباد شده
بر سقفهای خود افتاده است پس چاه با و قصرهای محکم بکار و خرابانده

۱۵۸

(۳)

بجری دریای کابل در تپه شهباز کوهی آثار اسوکا از
شاهان هندو آشکار است و از اینجا بقایای عمارت بد
آغاز شده تا مسافت دور میرود .

(۴)

در بامیان دو بیت کلان بدو موجود است که
در بلندی و پهنائی عظیم المثل است - در زمان قدیم
بامیان در طغیان رستان داخل بود .

(۵)

در جوار کابل خصوصاً بطرف جنوب بر تپه ها آثار عمارت
سنگی بسیار دیده میشود .

۱۵۹

(۶)

دروادی جلال آباد از عمارات قدیمه علامات خفیه
باقیمانده است .

(۷)

در حصارک لوکر آثار یک قلعه و برج که زیر آن خالیست
دیده میشود .

(۸)

در سمت جنوبی بے آثار شاهان قدیم ایران یافت میشود .

(۹)

دروادی ترنگ آثار یک شهر عظیم قدیم موجود است
که آنرا الان رباط میگویند .

۱۴۰

(۱۰)

بلبل بلند نزدیک گرشک توده های وسیع و دیگر
علا مات عمارات قدیمه ظاهر است .

(۱۱)

در قدیم یک ظرف سنگی بود که آنرا کسکول
ساکلی منی بده میگفتند .

(۱۲)

میدانهای سیتان بموضع یلگی و پشادران
و غیره نشانهای شهرهای بزرگ را در بر گرفته اند .

(۱۳)

قریب هرات بسیار شهرهای عظیم الشان

۱۶۱

بقایا گذاشته است که در یکی از آنها قبر بزرگ در بود .

(۱۴)

در علاقه بلخ آثار بده بصورت بتها و گنبد ها

یافت میشود .

(۱۵)

قلعه سید آباد از عمارات صغیره باقی مانده

است .

دیگر بسی آثار صنایع در ترکستان و بدخشان

پشاور و غیره از عهد بس قدیم در حال پدید است که

عظمت و حرمت وطن مقدس ما را ثابت میکند .

۱۶۲

معدنیات

وطن عزیز ما محل معدنیات قیمتهارست که خیلی کم
از آنها بظهور پیوسته است .

(۱) طلا ↑

طلا از جویهای لغمان قدری پیدا میشود و نیز در مواضع
متصله آن و در دیگر اضلاع افغانستان مواد زرفراوان است
یکسکان طلا در قندهار است .

(۲) نقره

در زمانه قدیم نقره از سروادی پنجشیر مصنوع میشد -
در بعض حصه های هندو کش اسباب خام سیم با فلزات موجود است
و قنطیرا المقنطرة من الذهب والفضة .
اینارهای توده توده از طلا و نقره .

۱۴۳

(۳) آهن

دره بای بامیان آهن خالص بسیار دارد. در باجو
دفرملی نیز پیدا میشود.

(۴) مس

مس در افغانستان بکثرت وجود دارد و فلز این
از علاقه های مختلفه یافت شده.

(۵) سرب

سرب در شنوار و کاکړ و بنگش شمالی و در بعضی شعبه
سپین غریب پیدا میشود. کانهای گرانایه آن نزدیک هرات
موجود است. در هزاره بسطج زمین هویدا است. یک کان
کلان و مکمل در فرنجل واقع است.

۱۶۴

(۶) سره

سره نزدیک ارغنداب سی و دو میل بشمال مغرب
کلات غلزائی و در تپه های دروک بیست و چهار میل بشمال
غزنی و در وادی غور بند شمال کابل و در علاقه آفریدی
یافت میشود. در مقدار زیاد از شاه مقصود سی میل بشمال
قندهار میتوان برادر د.

(۷) جست

خاک جست در طباق کره دار از علاقه ژوب می بڑا
که صیقلگران را استعاش میارند.
(۸) گوگرد

گوگرد در هرات پیاره های خورد از زمین میکنند.

۱۴۵

ذخیره های کلان آن در هزاره جات و پیر کسری در سرحد سیستان
موجود است و گمان ماده آتش فشان در آنجا میرود .
(۹) نوشادر زاک غیره

این مواد از سرحد سیستان و مضافات آن می برید .
(۱۰) آبک

آبک در میدان قندهار بکثرت موجود است و از
قریب سطح در پاره های شکنند میکشند .
(۱۱) زغال سنگ

در زردمت و غزنی و غیره زغال سنگ فراوان
است . در بعض جایها مکمل و در دیگر مواضع خام است .

۱۴۶

(۱۲) شوره

در جنوب مغرب افغانستان و در دیگر جایها نیز
شوره با فراط است و در آب کاریزها سرایت میکند.

(۱۳) نمک

نمک در ترکستان و دیگر علاقه های متفرق بسیار پیدا میشود.
نیل طوطیا و دیگر اشیا ی معدنی از مواضع بسیار افغانستان میتوان
معدن جواهر در میان کابل و جلال آباد و بدخشان و غیره موجود است.

نباتات خودرو^۱

به سبب فرط نباتات بر بعض کوهها تپه های متصله آن نیز سبز

میباشد چنانچه بر سپین غروتپه هایش مابین بلندی ۴۰۰۰ فوت

ان الله فایق الحب والنوی - از قدرت خداوندی تخم دخته

شکافه میشود. (تا مرید و سبز شود)

۱۴۶

دیکهزار فٹ درختهای کلان میروید که ممتاز اینها جوز است -
بعد ازین سرد و صنوبر و کاج و غیره بسیار میباشند
علاوه بر اینها فندق و اردج و شفتالو و چار مغز و بادام هم پیدا
میشود - زیر سایه این درختزار از گوناگون گلها چون عسلک
زرشک خارتوت اردن گلبن زرد مرغک و غیره فراوان
سبز میشود - لیمو و انگور دشتی نیز در اینجا یافت میشود اما اکثر اینها
در کوههای شمال است .

درختهای چار مغز و بلوط بر جبالیکه ارتفاع او وسط دارند
نیز پیدا است و شجر الحیات توسه و ابر و خنجک و شفتالو
و کتیره بهم میبالد و بنه نیل مع دیگر بته های خوردن نیز می روید .
پایان تر ازین تا نشیب ... ۳۰۰ فٹ زیتون دشتی

۱۶۸

والوان گل سنگی گل زرد گل خب و اثل و زر شک
و سنج پیدا میشود - نیز گل شیپور و گل فتنه و ساسم و ارک
و اقسام گلکهای نافه میروید .

تپه های پست بحد کوهها جانب غرب برهنه است
و همه سبزه گیاهی به نام و درخت با نام دارد است
کرف و پوزه در سلسله های بلند پیدا میشود - در میان درختان
کوتاه که بر سطح مرتفع خراسان گسترده است خارستر
و اقسام ترنجبین و جوب میروید - نیز هوش گیاه
و اسپند و لپاد و افسنتین و علف شوره و چند قسم
عنب الثعلب یافت میشود .

در بعضی مقامات غرزه و نیل و اقسام گل زرد

۱۶۹

بر لب جویها میروید و انگوزه بر میدانهای بلند و خشک در
مغرب افغانستان خصوصاً ما بین قندهار و هرات میالد
در میدانها بالای کابل ریوایش بسیار پیدا میشود و قسم خورگان
در کوهها میباشند. چار مغز و نا جو نیز پیدا میشود.

سبجد بکنار رودها میروید و غنم الثعلب در کوهها
سبز میشود. پسته بسرحد شمالی بسیار است و جنک در
جنوب افغانستان نیز یافت میشود. جوز در بدخشان و قندز
پیدا میشود.

قایق و میکل و من و دیگر اقسام اینها مع ترنجبین و
شیرخشت و غیره بسیار پیدا میشود.

۱۶۰

زراعت ↑

در اکثر علاقه های افغانستان سالی دو فصل و بر طبق
مرتفعه یک فصل میشود. در فصل بهار گندم و جو و اقسام حبوب
و در دیگر برخی و کارسک و ذرت و اقسام جواری و باغی
و تمباکو و چغندر و شلغم و ثفت و گزر و غیره -
غذای اول در بیشتر حصه ملک گندم است -
و ثانی برخی که در گرم و سوات و مضافات پشاور
بنفاست پیدا میشود. در علاقه کوهی بمشرق افغانستان
باجرا غله مقدم است .

اشجار و سبزیهای انگریزی و هندی هم پیدا میشود.
+ فاخر خبابه نبات کل شیخ فاخر خبابنه خضر -
از آب نباتات هر قسم رویا ندیم و از آن سبزه برادریم .

۱۶۱

در بعض جاها شلغم را نیز خوناک مواشی میسازند. خوبه
و تربوز و اقمام خیار و کدو و تره و غیره خصوصاً در جوار شهرها
بسیار مهم بوده فصل جداگانه تشکیل میدهد .
نیشکر در علاقه های گرم بقطعات حاصل خیز کاشته
میشود و گنجایش نشود نمای زیاد دارد. علی هذا القیاس
پنبه اگر چه کاشته میشود اما هنوز بسیار وسعت
پذیر است .

اروغناس در لوگر و غربی و قندهار عموماً در علاقه های
غربی شامل فصل بهارک میشود. فصل این با وجودیکه در حصه
سه سال تیار میشود خیلی سودمند است .
زعفران هم کشت میشود و بیشتر بخارج میرود.

۱۶۲

بید انجیر اکثر جایها عام است - درو غنش در تمام ملک
بکار میاید - تمباکو که برکش دو بار بریده میشود بسیار
کاشته میشود - تمباکوی قندهار شهرت داشته
به هندوستان برده میشود - تمباکو که چرخ و بعضی مواضع
دیگر هم مشهور است .

شبه در حصه پای مغربی بشرط آبیاری ده بار
درو میشود و علف خاص مواشی میگرد - کومل در علاقه کوئی غنی
و در هزاره جات تا هرات می روید - این را در انبارها
نگهداشته در زمستان با استعمال مواشی
میارند .

۱۴۳

اشجار غسی^۱

همه اشجار یک در یورپ موجود است در افغانستان
پیدا میشود تازه و خشک هر دو بسیار ماکول است
و بخارج نیز میفرستند .

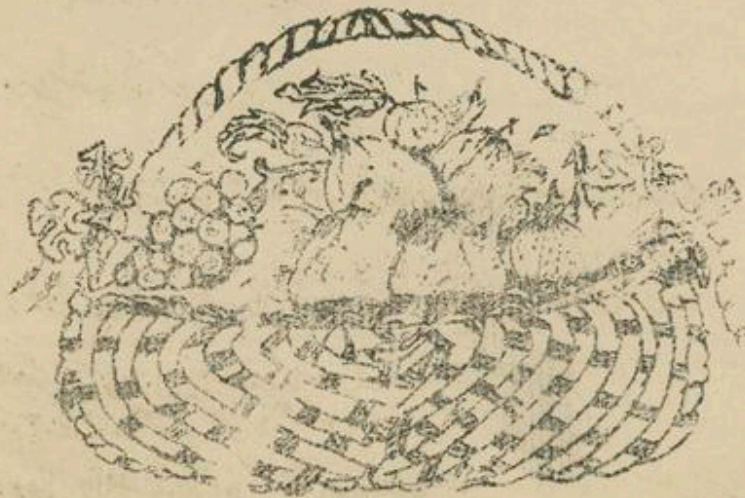
تاک انگور در بیشتر حصه ملک با فراط تمام
فشانیده میشود و اقسام بے شمار دارد - در اکثر مواضع
بر چیل سوار میکنند .

توت با قسام آن در کابل و دیگر علاقه ها بسیار میشود
و خشک آنرا مع آردش در زمستان تبادل میکنند .
هو الذی النشا جنت معروفه و غیر معروفه آنخدا ای باغبان
دچیت دارد و غیر آن بر در شش فرمود .
انظر والی ثمرم اذا اثمر و نیعه - سوی میوه اشش بگریه
چون آن بار میارند و بخت میشود .

۱۶۴

بید و چند و اهر و ساج بلب سرکها
می نشانند و باعث آراستگی و خوشنمائی
راههاست مع فوائد چوب آن .

درخت های سیب و انار و شفتالو و
رردالو و بهی و تاک و بادام و آلوچه و آلو بخار
اقسام آلو باد غصیره در باغها غرس میکنند .



۱۴۵

حیوانات

چون ملک ما بر سرحد سه منطقه واقع است همه

اقسام حیوانات تقریباً در اینجا یافت میشود .

مواشئ اهلی

(۱) شتر

شتر افغانستان بسیار قوی و استوار میباشد

عموماً برای بار برداری مستقل است - دو قسم دارد

و یکی از آنها از ترکستان میاید - از پشم و پت این

البسته گرم ساخته میشود .

۱۶۶

(۲) اسپ

خوبترین اسپ یا از ترکستان و قفقز و سرحدات
خراسان و ترکمان است - یا بوی افغانستان باربرداری
مسافت بیده و منیع را طی میکند - قاطر و خر نیز
باین کار میایند .

(۳) گاو

مادگاو و قندھار و سیستان شیر کثیر میدهد
زگاو جهت باربرداری و قلبه رانی استعمال میشود .

(۴) گوسفند

گوسفند عموماً دنبه دار است - گوشت این غذای خفای
ملت ماست پشمش مایه تاجران است و پوستینش

۱۴۴

از خوردن تا کلان لازمہ زمستان ↑

(۵) گک

گکهای شکاری و تازی در کوهستان و بالای

جلال آباد نگاه میکنند. گک کوچک برای جستن صید

و گک کلان جهت حفاظت رنم با بکار میآید.

↑ وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا رَفٌّ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ وَلَكُمْ فِيهَا
 جَمَالٌ حِينَ تُرْجَوْنَ وَحِينَ تُسْرَحُونَ وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ
 لَّمْ تَكُنُوا بِالْغِيَةِ الْأَلْسَبِقِ الْأَنْفُسِ وَالْخَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْجِثْرِ
 لَتَرْكَبُواَهَا وَزِينَةً - وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا
 أَثَانًا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ * خدا تعالیٰ مواشی را آفرید و در آنها برای شما
 سامان زمستان و متاع است و از آنها میخورید و برای شما در آنها زینت است
 چون صبح و شام بر آنها میبراید - بارهای شما را تا آن شهرهای میبرد که شما را آنجا
 رسیده نمیتوانستید و آبجاکا می - اسب و قاطر و خر برای سواری و آرایش
 شماست - از پوست و پوست پا و موهای آنها اثاث و متاع است
 تا مدتی .

۱۴۸

وحوش شیردار

(۱)

شادی بشمال دریای کابل و در علاقه یوسف زائی
یافت میشود.

(۲)

اقسام پشک در قندهار و غیره و پلنگ تقریباً
در کل ملک و شیر در حصص کوهی بشمال مشرق موجود است.

(۳)

شغال در بلند و ارغنداب و غیره بکثرت است
و گزگ گاهی در کله جمع آمده در زمستان بر نه کوه سفند حمله میکند
کنفتر همچنان از جنگل برآمده بر کوه حمله آور میشود. چند قسم

۱۷۹

رو به اه یافت میشود که پوست آن در استعمال میاید .

(۴)

اقسام را سو و یرسق و قائم و سنجاب و موش خرما
و سو سر و غشیره در بعض مواضع پیدا میشود. خرمنم
است یکی سیاه دیگر زرد .

(۵)

از بانوران اجتراری اقسام بزکوبی و غزال
و پازن و آهو و گوزن بیشتر بشمال مشرق افغانستان
پیدا میشوند .

(۶)

از وحوش خائنده موش درخت و موش دریا

۱۸۰

و غیره بسیار است - چند قسم خرگوش یافت میشود .

(۷)

خلد و کورموش و خارپشت و غیره زیاد است

و هر صنف شپک پیدا میشود .

(۸)

خوک دشتی در جنوب هلمند و قطن یافت میشود -

گورخر در ریگستان بجنوب مغرب و در خان آباد موجود است

طیور

تقریباً یک و نیم صد جنس پرندگان در افغانستان

دیده میشود - از بجمله چند جنس مخصوص ملک ماست

باقی در دیگر ممالک هم پیدا میشود .

۱۸۱

در تابستان بعضی اصناف مرغها از افریقه
و هندوستان و در زمستان از یورپ درینجا
برای پرورش چوچه با میایند .

حشرات الارض

چلپاسه و سوسمار و ملنجشک و بعضی اقسام
مار پیدا میشود .

جنس از سنگ پشت مختص بکابل
است و ماهی از اصناف هندی و یورپی
موجود است .

صنعت حرفت^۱

ابریشم در کابل و جلال آباد و هرات و قندهار
پیدا شده در کارخانه های مقامی صرف میشود و برخی
بخارج می برند- کرم ابریشم بکنار ارغنداب بکثرت
توتها پرورش مییابد- تکه های ابریشی در کابل و هرات
بافته میشود .

گلیم و قالین در هرات و ترکستان می سازند
و بیشتر بخارج می فرستند- نمده و لباده و دیگر پارچه های پشمی

↑ قل من حرم زینة الله التي اخرج بعباده -

چونکه زینت خداوند برای بنده های خود برآورده است که حرام کرده ۹

۱۸۳

از پشم گوسفند و بز و شتر بلخی تیار میکنند صنعت پوستین
در اضلاع ارغنداب رونق دارد اما عمده آن در غزنی
ساخته میشود .

چرم در کابل برای بوٹ و موزه و غیره بطرز جدید بائی میشود
تسبیح در قندهار منسلک شده بخارج خصوصاً بکرمه رود
نیز میره های تازه و خشک از قندهار بسیار بیرون می برند
تجارت پشم و غیره در جنوب افغانستان بدست
تجار شکارپور و هندوانست .

در میان مشهد و هرات و قندهار ایرانیان بر شتم
و فیروزه و اسپ و فرش و غیره میارند و پوست
و پلاس و پارچه های پشم می برند .

۱۸۴

از هندوستان و یورپ براه پشاور در افغانستان

اشیا سے ذیل وارد می شود :-

پنبه - پشم و ابریشم تیار شده - معدنیات

روغنیات - مصالح طعام - چای - قند - تکه های نخی

دیشمی و ابریشمی - نیل - گلابتون - چرم - شال - قیطان

ادویه - و اسباب خرده ریزی و غیره - اشیائیکه

از افغانستان بخارج ملک صادر میشود :-

پشم و ابریشم خام - بادام و چار مغز کشته کشمش

و دیگر میوه های تازه و خشک - پوست های گوسفند و روباه

و غیره - ادویه - مصالح طعام - حبوبات - روغنهای

چوب و شهابیه - انگوزه تنجهای زغری و شلغم و غیره این و اردات

و صادرات ما بین هندوستان و خراسان و ترکستان
بواسطه افغانه لوحانی برده میشود که سلسله های شتران شان
در میان دده های دشوار گذار میگذرند - این طائفه پوئنده
از سطح مرتفع غلزاری روان شده براه پنجاب در کراچی
و بمبئی و رنگون و آسام میرسند و در روس و چین و تبت
و ترکی و ایران و آسترلیا و یورپ رفته خرید و فروخت میکنند
علی الرغم فرنگیان هزار با تفنگ و کلبه کار تو س از بحر
گذرانیده با فغانستان می درازند^۱.

در عهد اعلحضرت غازی همراه اصلاحات و ترقیاتیکه
در هر شعبه دولت رونموده است سرشته موثرها برای پوئته

۱ هو الذی یسیر کمز فی البر و البحر - آن خدای شمار در بر و بحر و زمین سیر میکند
یضربون فی الارض یقبضون فی فضل الله - در زمین میگردند و دولت خدا حاصل میکنند.

۱۸۶

و اموال تجارت شروع شده است - اشیای وطنی
از قبیل البسته و غیره فروغ فراوان یافته اسباب خارجی
قلت پذیرفته می‌رود - از ماشین با در کابل کالا و بوست
تیار می‌شود و این صنایع روز افزون است .

آب و هوا

آب و هوای بلاد ملک^۱ ما نهایت متفاوت است
جای اینقدر سرد است گویا کره زمهریر فرود می‌آید
و دیگر منزل حدت حرارت بخدا شد محسوس می‌شود -
مسافت قریب از کابل برون گاهی نیمبارد و نزدیک تر از آن
هیچوقت آب نمی‌شود - شدت سرما بجانب شمال

۱ رقبه افغانستان از دو نیم لک مربع میل زیاد تر است .

۱۸۶

زیادت دارد اما در تابستان تمازت هم سخت میباشد
از نسیم هندو کش تخفیف میابد و در غرنی بعد از نوروز هم
برف باقی میماند و مقیاس الحرارة از صفر گذشته
ما بین ده و پانزده درجه میرسد - در جلال آباد هوا مانند
هندوستان است و در کرمان بدشت با گاهی باد سموم
میوزد - تقریباً در هر علاقه افغانستان تابستان گرم است
اما افزونی گرمی بیشتر بجنوب هندوستان و نزدیک
دریای انک و قطن میباشد - در قندهار باد سوزان میوزد
در کرشک هوا حبس میباشد و درجه مقیاس الحرارة

در سایه (۱۲۰) میرسد .

↑ هو الذی یرسل الیاح بشرا بین یدی و حنکة -
آن خدای هوا باران پیش روی رحمت خود میفرستد .

۱۸۸

نزدیک خراسان موسم گرما بسبب باد تند و کوه غبار
بسیار ناگوار میگردد. تپه های برهنه هنگام روز حرارت را جذب
کرده در شب انتشار میدهند. اگرچه هرات (۸۰۰) فوت
زیر قندهار واقع است گرما معتدل و سرما خوشگوار میباشد
در تابستان باد تند گرد و غبار میارد. اگر در زمستان برف
میارد زود آب میشود. آب و هوای هرات نهایت صحت بخش است.
تشکیل اساسی ملک

اعلیحضرت غازی امیر امان الله خان بانی آن
استقلال افغانستان است که دولت مارا یکی از دول
علیای خود مختار جهان ساخت. پس ذات مشایه
از همین یک تشبیه بزرگ منجمه سلاطین الوالعزم تاریخی گشته

۱۸۹

نظم و نسق مملکت را مثل ممالک متقدمه بطرز جدید ترتیب داد
باستقامت و ثبات نظامنامه های متعدده برای جمیع امور
سلطنت وضع و طبع فرمود و شریعت اسلامی را مقدم
و مسلم داشته باقتضای زمان قوانین و قواعد برای صلاح
ورفاه و ترقی وطن و ملت و دولت نافذ و شایع نمود.
اگرچه این نظامات در فروع تابع تبدیل است اما در اصول غیر متغیر
و حسب ذیل است :-

مقام مقدس امارت

اعلیٰ حضرت غازی بحیثیت افسر کل نه تنها اداره
و نظارت تمام معظمت و مهمات میفرمایند بلکه قولاً و فعلاً
برای همه مامورین خورد و کلان و سائر افراد که در میرعایا

۱۹۰

اسوه حسنہ اعمال صالحہ و نمونہ پسندیدہ مساعی و خدمات خود
پیش مینمایند از نیجت کافہ ملت، حاکم و محکوم ذات ستوده
صفات شہریاری را بمنزلہ روح و روان افغانستان دانسته
نه صرف متابعت مینمایند بلکه از دل و جان عزیز می شمارند.

ہمیت ادارہ مرکبہ

این مرکب است از وزارت ہای عربیہ - خارجیہ
داخلیہ - عدلیہ - مالیہ - معارف - تجارت و شورای دولت
این ادارہ جلیلہ و نبیسیں وزارت ہائے مشمولہ آن
و ست پذیراند .

۱۹۱

(۱)

وزارت حربیه ↑

وزارت حربیه اجراء امور عسکریه مینماید

و از دوائر ذیل مرکب است :-

دائرة های ارکان حربیه عمومیه - حربیه - لوازمات

عمومیه - محاسبات عمومیه - نقلیات - طبع و بطاری

امور شخصیه - محاکمات - مکتوب نویسی - دفتر اوراق .

↑ واعدوا للهزما استطعتم من قوة ومن رباط الخيل تربون

به عدو الله وعدوكم و آخرین من دو فهرست - آماده سازید

و تیار کنید هر قدر که میتوانید قوت یعنی اسلحه نشان زدن و رساله های

اسب ها که بذریعۀ آن بزمسائید دشمن خدا را و دشمن خود را و بدین

آنها دیگران را .

ک

۱۹۲

(۲)

وزارت خارجه ↑

وزارت خارجه اداره مناسبات با دول

اجنبیه میناید و از دوائر ذیل مرکب است :-

مستشاریت - مدیریت شعبه ایرانی و عثمانی - شعبه

ترکستان و روس - شعبه هندوستان و انگلستان

مدیریت شفره - مدیریت اوراق - دفتر محاسبه

دفتر ترجمه .

↑ وان استنص و اکرم فی الدین فعلیکم النصر الاعلی قوم

بینکم و بینهم میثاق - اگر مسلمانان دیگر ممالک در باره دین

از شما استمداد کنند پس امدادشان بر شما واجب است الا بقبول

آن قومیکه در میان شما و آنها معااهده است .

۱۹۳

(۳)

وزارت داخلیه ↑

وزارت داخلیه اجرای امور مملکت افغانستان
می نماید و مرکب است از مدیریت های
مکتوب نویسی و مامورین و نفوس و دفتر محاسبه
و ادراک - مدیریت های ماشینخانه و پسته
نیز تعلق بوزارت داخلیه دارد - جمیع نایب الحکومه
و حاکم های اعلیٰ ماتحت وزارت داخلیه
میا باشند .

↑ یا ایها الذین کونوا قوامین بالقسط شهداء الله ..
ای ایمانداران بحق و انصاف قائم باشید و برای خدا شهادت دهید .

۱۹۴

(۴)

وزارت عدلیه ↑

وزارت عدلیه اجرای امور عدلیه و نگرانی حقوق و
امنیت رعیت مینماید و مشتمل است بر هیئت عالیّه
تفصیلیه که قاضی القضاات رکن دائمی آنست پولیس
و کو توالی نیز بوزارت عدلیه تعلق دارد و بواسطه یک رئیس
بهمان مربوط است .

(۵)

وزارت مالیه *

وزارت مالیه اجرای امور مالیه افغانستان و موازنه
بودجه سالیانه جمله وزارتها را مینماید و مرکب است از مدیریتها
↑ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِنَّ تَقْتُلُونَهَا فَنَعْبُدَهَا بِمِثْلِهَا
وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِنَّ تَقْتُلُونَهَا فَنَعْبُدَهَا بِمِثْلِهَا
وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِنَّ تَقْتُلُونَهَا فَنَعْبُدَهَا بِمِثْلِهَا

ی

۱۹۵

محاسبه عمومی مامورین - تشخیص دیوان بخش - مکتوب نویسی

و ادراک .

(۶)

وزارت معارف ↑

وزارت معارف اجراء امور علمی و تالیس
و انتظام مکاتب بنیاد مرکب است از مدیریت

مدرسه حسینی و حکام و قضات و اصول و فتره
و دارالعلمین و دارالتالیف و مکاتب فنون و مدیریت

تفتیش و تحریر است و انجمن معارف و مرکز دینیت که

بمجلس است برای اصلاح و اشاعت زبان ملی

↑ یرفع الله الذین امنوا منکم الذین اوتوا العلم درجات -

خدا تعالی از شما مرتبه ایمانداران و صاحبان علم را بلند میفرماید .

۱۹۶

(۷)

وزارت تجارت ↑

وزارت تجارت اجرای امور تجاریه و تدبیر توسیع و تسهیل
ذرائع داخلی و خارجی آن مینماید زراعت معادن و مکملات نیز آن
مرتبط اند.

(۸)

شورای دولت *

شورای دولت مذاکره مصلحت های عمومی مملکت مینماید
و مشتمل است بر اعضای طبیعی یعنی وزراء و منتخبه که از طرف
رعایا وکیل میباشند.

↑ یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان
تکون تجارۃ عن تراض منکم - ای ایمانداران ما لهای تان را
در بین خود بناحق مخورید الا آنکه بر ماضی طرفین تجارت باشد .
* و امرهم شورئکم بينهم - حکم و معاضدشان در بین آنها از مشورت است.

۱۹۶

اداره ولایات^۱

(در میان ولایات و حکومتی اعلیٰ از روی ایفای وظائف
فرقی نیست. در حکومتی اعلیٰ حاکم اعلیٰ می باشد که رأس وزارت و اخلیه^۲
۱- در هر ولایت نائب الحکومه رئیس و مرجع اداره عمومیه می باشد
با وجود آن در امور عسکریه و عدلیه داخل نیست و بنظارت مامورین^۳ اعلیٰ مامور است.
مستوفی- مدیر مکتوب نویسی- مدیر معارف- مدیر مکرک- مدیر نفوس
مدیر زراعت- مامور نقلیات- مامور خارجییه- مامور خزانه- فرمانداران کوتوالی
مامور پست.

۲- در هر ولایت یک مجلس مشورت موجود است. اعضا^۴ مجلس
آن مامورین^۵ اعلیٰ الذکر و منتخب از طرف رعایا انتخاب شده نمایند یا^۶ از^۷
۱ و ۲ احکام^۸ تحت^۹ نظر^{۱۰} مجلس^{۱۱} اعلیٰ^{۱۲} است^{۱۳} و^{۱۴} در^{۱۵} هر^{۱۶} ولایت^{۱۷} یک^{۱۸} مجلس^{۱۹} مشورت^{۲۰} موجود^{۲۱} است.^{۲۲}
چون^{۲۳} مامور^{۲۴} مردم^{۲۵} حکم^{۲۶} کنند^{۲۷} بدین^{۲۸} حکم^{۲۹} نمایند.

۱۹۸

د وظیفه مجلس مشورت در امور بلدیہ - انضباطیہ - نافہ و مالیہ مثل خرید
و فروش سرکاری و تعمیرات و غیره سعی و امداد کردن و نیز محاکمہ مامورین
خطا کار نمودن است .

۳ - ماتحت نائب الحکومہ با حاکمهای کلان میباشند که
دیگر حاکمها زیر دست آنها مع علاقہ دار با حکومت مینمایند - در
حکومتی کلان مدیر مالیہ - مامور زراعت - مامور مرک - مامور پوستہ
و قوماندان کوتوالی و در بعضی مامور خارجیہ نیز میباشد - یک مجلس مشورت
مشمول بر اعضای طبیعی و منتخبہ ہمراہ حاکم کلان ادای همان وظائف
مینماید کہ بدیگر مجالس مشورہ مفوض است .

۴ - با حاکمها نیز مامور مالیہ مامور نفوس منصبدار کوتوالی
و مجلس مشورت میباشد - علاوہ بر دیگر وظائف مہمہ حکام اول

۱۹۹

اینست که مکاتب ابتدائیه بکشایند و معلمین بسیار این
قبائل کوچی استخدام نمایند و بچه های کوچی و دیهاتی را که در کتاب
ابتدائیه بستند تشویق و تحریک نمایند که به تحصیل علوم بنگاز
ولایات و دارالسلطنت شمولیت ورزند .

۵ - علاقه داران با فوقی قریه داران حکومت میکنند
و یک مجلس مشورت نیز برپا ستش میباشند که اعضایش از
طرف اهالی قری و قبائل منتخب میشوند .

۶ - اداره های قریه ها و قبائل کوچی بروسای شان
محول است .

↑ و شاو درهم فی الامر - از آنها مشوره بگیرد کار و حکومت .

۲۰۰

توة عدلیه ↑

محاکمه مامورین در مجالس مشورت و غیره و از عسکر و پولیس
 و کوتوالی در محکمه عسکریه سرانجام مییابد و برای عموم ملت هفت محکمه
 عدلیه وجود دارد که از هر گونه مداخلت محفوظ است :- محکمه صلاحه
 حقوقیه - جزائیه - تجاریه - استثنائیه - مرافقه - تمییزیه
 محکمه اصلاحیه* - در مرکز سلطنت و مراکز ولایات و حکومتی با اعلی
 و حکومتی های کلان یک یک محکمه اصلاحیه تشکیل گردیده
 روسا و اعضای آن از سادات و اشراف مملکت منتخب میشوند
 اختلافات حقوقیه و تجاریه را حتی الویج بمصالحات فیصله میکشند
 ↑ اهل و اهل و اقرب للفقوی - عدل کشیده که آن فقوی نزدیکتر است
 * انما المؤمنون اخوة فاصطفوا بینهم خویبر - مسلمانان فقط برادرانند
 پس ما بین برادران تالی اصلاح نمائید .

۲۰۱

و اگر با وصف کوشش های شان منازعه بصلح نینجامد
دعای تجاریه را بمحکمه های تجاریه و از حقوقیه را بحقوقیه میفرستند
۲- محکمه های ابتدائی که در ولایات و مراکز حکومتی میباشند
دعوی های حقوقیه تجاریه و جزائیه را ملاحظه مینمایند و از بجزایه
دعای حقوقیه و تجاریه تا حدی بلاحق مرافعه فیصله قطعی میدهند
در هر محکمه ابتدائیه یک قاضی و دو مفتی موجود میباشند -
آمران کوتوالی قباحات را و محکمه های ابتدائیه جنحه را و محکمه
مرافعه جنایت را فیصله مینمایند .

۳- محکمه های مرافعه در ولایات و حکومتی های اغلی

و حکومتی های کلان موجود اند یک رئیس و چهار اعضا مرکب اند

و لورده واه الی الرسول و الی ما ولی الامر منهم لعلهم الذین یتنبظون
منکم - اگر آنرا رسول و صاحبان امر اختیار راجع نمایند البته می دانند آنرا که استنباط
و تحقیق میکنند

۲۰۲

دعاوی حقوقیه و تجاریه و جزائیه که از اختیارات ابتدائیه فوقر باشند
یا در فیصله ابتدائیه یکی از طرفین قانع نباشد ملاحظه و تحقیق نمایند و اگر در فیصله
مرفعه نیز اعتراض باشد یا حکم جزای حبس و اموال یا اعدام صادر شود حسب
دعاوی تجاریه یا حقوقیه یا جزائیه از اعضای مراغه تجاریه یا حقوقیه یا جزائیه
وزیر عدلیه یا قاضی القضاة هیئت عالیة تفسیر را تشکیل داده محاکمه میکنند
و فیصله های آنرا بطوری اعلی حضرت غازی پادشاه عادل
تقدیم میکنند و آن فرمان شایسته قطعی واجب الاذعان است.

ایایها الذین آمنوا طیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم
فان تنازعتم فی شئی فمرؤا الی الله و الرسول ان کنتم
تؤمنون بالله و الیوم الآخر فاعلموا انکم فی شئی و اولی الامر
ای ایها الذین ایمان دارند! اطاعت خدا و رسول و اولی الامر خود بنمایید پس اگر در چیزی
تنازع کنید پس آنرا بخدا و رسول رجوع دهید اگر خدا در روز آخر را قبول کرده آید
آنست بهتر از ردی تحقیق خیرین

فهرست مکمل		
صفحه	مضامین	صفحه
۱۲	۱ (از کابل الی غزنی)	ارض قدیم
۱۳	۲ (از غزنی الی قندهار)	تقسیم طبیعی افغانستان
۱۵	۳ (از قندهار الی کوئته)	تقسیم پونا نیها
۱۶	۴ (رابط پامیر کابل قندهار)	نامهای قدیم
۱۷	۵ (از قندهار الی دوری)	حدود اربعه
۱۷	۶ (از قندهار الی کرکک)	رقبہ
۱۷	۷ (از کرکک الی مرغزار)	سطح
۱۸	۸ (از مرغزار الی جیجی)	کوهها
۱۹	۱۲ (از جیجی الی برات)	راهها و منازل

۲۰۴

صفحه	مضامین	صفحه	مضامین
۲۵	(از کابل الی کوتل خاکوکه)	۱۹	(از هرات الی قلعه ولی)
۲۵	(از قلعن الی پختشان)	۲۰	(از هرات الی کافر قلعه)
۲۶	(از پختشان سوی رود)	۲۰	(از کابل الی هرات)
۲۷	(از کابل الی جلال آباد)	۲۱	(از کابل الی کروین)
۲۸	(از جلال آباد الی اسمد)	۲۱	(از گردیز الی ارگون)
۲۸	(از جلال آباد الی وکه)	۲۲	(از کابل الی چاریکار)
۲۸	(کیفیت راه کابل الی جلال آباد)	۲۲	(از چاریکار الی بامیان)
۳۰	(از وکه الی پشاور)	۲۳	(از بامیان الی منار ریش)
۳۳	دریا	۲۴	(از منار الی میمنه)
۳۳	(دریا الی کابل)	۲۴	(از میمنه الی هرات)

جدول مضامین

۲۰۵

صفحه	مضامین	صفحه	مضامین
۳۳	(۱۰) دریای آمون	۳۶	(۲) دریای همد
۳۵	(۱۱) دریای قنذر	۳۷	معادنهای همد
۳۶	(۱۲) دریای اندراب	۳۹	(۳) خاش رود
۳۷	(۱۳) دریای خانی	۳۹	(۴) فراه رود
۳۷	(۱۴) دریای خلم	۴۰	(۵) پارس رود
۳۷	(۱۵) دریای بلخ	۴۰	(۶) کشک
۳۸	(۱۶) دریای سگنا	۴۱	(۷) هری رود
۳۸	(۱۶) دریای مرغاب	۴۲	(۸) دریای گرم
۳۹	بنداب	۴۳	(۹) دریای گول
۳۹	(۱) آبریز استاه	۴۳	دریای ترکستان

۲۰۶

صفحه	مضامین	صفحه	مضامین
۴۱	استالف	۵۰	(۲) بنداب نور
۴۲	چارنگار	۵۰	(۳) لوره هامون
۴۳	غزنی	۵۰	(۴) هامون زره
۴۶	تقسیم مکنی ولایت کابل	۵۱	(۵) هامون سواران
۴۴	(قریه ها)	۵۱	(۶) بنداب سیستان
۶۶	(علاقه ها)	۵۲	تقسیم مکنی افغانستان
۶۷	(حکومتی ها)	۵۲	ولایات
۷۰	حکومتی های سمت شمالی	۵۲	حکومتی های اعلی
۷۲	غزنی	۵۳	ولایت کابل
۷۳	جلال آباد (سمت شرقی)	۵۴	شهر کابل

۲۰۶

صفحه	مضامین	صفحه	مضامین
۹۶	سبزوار	۷۷	خوست (ست جنوبی)
۹۷	فرنی	۷۸	قندهار
۹۸	ولایت هرات	۸۳	کلات غلزان
۱۰۰	ترکستان	۸۴	گرشک
۱۰۰	ولایت شریف	۸۴	ولایت قندهار
۱۰۲	بج	۸۵	(حکومتی با)
۱۰۴	تخت پل	۸۷	فراه
۱۰۴	آقچه	۸۸	سپستان
۱۰۵	شبرخان	۹۰	فراه (حکومتی اعلیٰ)
۱۰۵	اندخوی	۹۱	هرات

۲۰۸

صفحه	مضامین	صفحه	مضامین
۱۲۴	قوم شیخ بهنی	۱۰۶	تاشقروغان
۱۲۶	افغانستان لودی	۱۰۷	ایبک
۱۲۹	لوحانی	۱۰۸	ولایت ترکستان
۱۳۰	سروانی	۱۱۰	میمنه
۱۳۱	اولاد کروران	۱۱۱	(حکومتی اعلائی مینه)
۱۳۳	قوم شرانی	۱۱۲	قطغن و بدخشان
۱۳۴	بهره ایچ	۱۱۸	(ولایت قطغن و بدخشان)
۱۳۵	ارمط	۱۲۰	ایالتی افغانستان
۱۳۵	یوسف زائی	۱۲۱	دانی
۱۳۶	غوریا خیل	۱۲۴	طائفه ترین

۲۰۹

صفحه	مضامین	صفحه	مضامین
۱۳۳	تاجیک	۱۳۸	زمند
۱۳۵	هزاره	۱۳۸	کاشی
۱۳۶	ایماق	۱۳۹	غوغشت
۱۳۷	کیانی	۱۴۰	اولاد سید محمد کیو دراز
۱۳۸	مغل	۱۴۱	خندی
۱۳۸	قزلباشی	۱۴۲	سپندزی
۱۳۹	ازبک	۱۴۲	سادات
۱۳۹	دیگان	۱۴۲	قریش
۱۴۰	هندکی	۱۴۳	عرب
۱۵۱	هندو	۱۴۳	بنگش

مردمان ایران
در
قلمرو

۲۱۰

صفحه	مضامین	صفحه	مضامین
۱۵۴	آثار عتیقه	۱۵۱	شمانی
۱۶۲	معدنیات	۱۵۲	تیسره
۱۶۲	طلا	۱۵۲	کشمیری
۱۶۲	نقره	۱۵۲	سحر
۱۶۳	آهن	۱۵۳	نیزکی
۱۶۳	مس	۱۵۴	قلماق
۱۶۳	سرب	۱۵۴	جیشی
۱۶۴	سرب	۱۵۴	یهودی
۱۶۴	جست	۱۵۴	بلوچ
۱۶۴	مگومرد	۱۵۵	دولت شاهی

صفحه‌های مذکور در این کتاب

۲۱۱

صفحه	مضامین	صفحه	مضامین
۱۴۵	حیوانات	۱۶۵	نوشادہ ذراک وغیرہ
۱۴۵	سوانشی اہلی	۱۶۵	آہک
۱۴۵	(۱) شتر	۱۶۵	زغال سنگ
۱۴۶	(۲) اسپ	۱۶۶	شورہ
۱۴۶	(۳) گاد	۱۶۶	نمک وغیرہ
۱۴۶	(۴) گوسفند	۱۶۶	نباتات خوردو
۱۴۶	(۵) مگ	۱۶۷	زراعت
۱۴۸	وحوش شیردار	۱۶۳	اشجار غری

۲۱۲

صفحه	مضامین	صفحه	مضامین
۱۹۳	وزارت داخله	۱۸۰	طیور
۱۹۴	وزارت عدلیه	۱۸۱	حشرات الارض
۱۹۵	وزارت مالیه	۱۸۲	صنعت و معرفت
۱۹۵	وزارت معارف	۱۸۴	آب و هوا
۱۹۶	وزارت تجارت	۱۸۸	تشکیل اساسی ملک
۱۹۶	شورای دولت	۱۸۹	مقام مقدس امارت
۱۹۶	اداره ولایات	۱۹۰	هیئت اداره مرکزی
۲۰۰	قوه عدلیه	۱۹۱	وزارت عریه
	مجلس شورای ملی	۱۹۲	وزارت خارجه

علی بن محمد بن حسن

